

مرثه ده آن بندگان مرا که بخن ها گوش فرامیدهند و از بهترین آنها پیروی میکنند

یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر الیل و النهار، یا محول  
حول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال

# انقلاب اسلامی

هجرت

شماره ۷۱۹ از ۲۶ اسفند ۱۳۸۷ تا ۱۰ فروردین

پیام آقای ابوالحسن بنی صدر بمناسبت نوروز

نوروز، زندگی در استقلال و آزادی

ایرانیان!

فرا رسیدن نوروز را صمیمانه به شما تبریک می گویم. امیدوارم که شادی را نمایانگر اراده زیستن در استقلال و آزادی و به زندگی برانگیختن می دانید و یک دم شادی شما را ترک نمی گوید، امیدوارم شادی را ترجمان امید و شکیبائی می دانید و شادان، توانائی زندگی ساز خود را در پیروزی بر دستگاه ضحاک مرکب بکار می گیرید و پیروزی را ره آورد مسئول شناختن خویش در برابر وطن و کرامت خود بمثابة انسان حقوقمند می دانید و همواره دلی سرشار از شادی و امید دارید. امیدوارم که شادی را دلیل معرفت بر این واقعیت می دانید که توانائی یک ملت قدرت شکن است و شادی روزافزون شما گویای عزم شما بر شکستن زور و زورمندی است. امیدوارم که شادی را گویای عزم راسخ بر پیروز شدن بر مرگ آوری استبدادی می دانید که امروز، در گروه های ناتوان، پراکنده گشته اند و امواج شادی وقتی که بر چهره های شما بر هم سوار می شوند، بشارت می دهند که زمان پیراسته شدن صحنه سیاسی ایران از زورپرستان، فرارسیده است، نوید می دهند که ایران جای بایسته خود را در جنبش آزادگان برای رها کردن زندگی از چنگال ضحاکانی باز می جوید که زندگی را به ماران قدرت سیری ناپذیر سپرده اند.

از دید انسان زندگی ساز که در نوروز، در روزی بنگریم که زندگی بود و مرگ نبود، جوانی بود و پیری نبود، شادی بود و غم نبود، تندرستی بود و بیماری نبود، سیری بود و گرسنگی نبود، در می یابیم که ایرانیان تنها در کار زندگی نبوده اند، به کار برانگیختن به زندگی نیز بوده اند. می دانسته اند که کرامت انسانی حق زندگی را به جا آورن و در همان حال، برانگیختن به زندگی است:

ایرانیان!

پی بردن به توحید در هستی و بنای این توحید، نوروز است. زندگی همه زندگان و نیز زندگی طبیعت یک زندگی است و دور کردن مرگ از همه زندگان، بنای توحید در زندگی است.  
به توحید اجتماعی که به میزان کردن عدالت میسر می شود، قلمرو مادی، قلمرو برابری می گردد. قلمرو معنوی، قلمرو مسابقه می شود در دانش، در دادگری، در تقوا. تضاد دشمنی ساز و ویرانگر از میان بر می خیزد و انسانها در دانش وری، در دادگری، در تقوا، در کرامت، مسابقه می دهند و دست آوردهای خود را در توحید معنوی جستن بکار می گیرند. بدین توحید، هرروز، نوروز می شود.

در صفحه ۲

## معامله ها ؟

- ◀ معامله امریکا با روسیه بر سر ایران - دعوت ایران به کنفرانس افغانستان - خط قرمزی که اسرائیل می کشد: ص ۳
- ◀ توانائی امریکا در جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی؟ - اسرائیل و حمله به ایران - بمب اتمی ایران؟ ص ۴
- ◀ «انتخابات» ریاست جمهوری، زمینه سازیها و بیم و امیدها: ص ۶
- ◀ رویارویی رژیم مافیها که رفتنی است با دانشگاه ها که ماندنی هستند: ص ۷
- ◀ دخالت سپاه، حزب سیاسی مسلح در انتخابات - ۲: ص ۸
- ◀ بمب اتمی تورم - صنعتی که ورشکست می شود - طبیعتی که قربانی استبداد است: ص ۱۱
- ◀ ژاله وفا: بودجه ۸۸ بمب اتمی تورم: ص ۱۲
- ◀ تجاوز به حقوق انسان: دانشگاه ها و زندانها صحنه های مقاومت دانشجویان: ص ۱۴

انقلاب اسلامی: به دنبال انتخابات در اسرائیل، نتان یاهو مأمور تشکیل حکومت جدید شده است. و او گفته است ایران مسئله اولی است که بدان خواهد پرداخت. در همان حال که هیلاری کلینتون از نتیجه بخش بودن دیپلماسی در مورد ایران ابراز یأس می کند، اسرائیل برای امریکا، در گفتگو و معامله با ایران، خط قرمز تعیین می کند. همزمان، حکومت اوپاما به روسیه پیشنهاد معامله می کند بر سر ایران و از ایران دعوت می کند به شرکت در کنفرانس در باره افغانستان. در فصل اول، به خبرها و گزارشها در باره این معامله ها می پردازیم. آیا خبرها و گزارشها و نظرها خواهند گفت امریکا رویه ای مستقل از اسرائیل در قبال ایران اتخاذ خواهد کرد؟

در همان حال که اسرائیل ایران را تهدید به جنگ می کند، «ایران» نیز تهدید می کند که تأسیسات اتمی اسرائیل در تیر رس موشکهای ایران قرار دارند. آیا این دو رژیم می توانند بحران را تشدید کنند و امریکا را نیز پای سوم بحران کنند؟ خبرها و نظرها و گزارشها در باره «بحران اتمی ایران» می باید پاسخ این پرسش را در اختیار قرار دهند. فصل دوم را به «بحران اتمی ایران» اختصاص داده ایم.

در فصل سوم، گزارشی را آورده ایم که از ایران دریافت کرده ایم و مربوط است به «انتخابات» ریاست جمهوری و زمینه سازیهای دو گروه «اصلاح طلبان» و «اصول گرایان».

در فصل چهارم، گزارش دیگری از ایران می آوریم که پیرامون سرکوب شدید دانشجویان و هدف دستگاه خامنه ای از این سرکوب است. از آنجا که دانشگاه ماندگار و رژیم ناپایدار است، پیروز دانشگاه است. با وجود این، استقامت دانشگاهیان می تواند به جریان تحول از رژیم استبدادی به دولت حقوق مدار و دموکرات، شتاب بخشد و تغییر بنیادی بی خطری را میسر کند.

در فصل پنجم گزارش سومی را می آوریم که مربوط می شود به سپاه و بسیج و سازماندهی بسیج برای مهار دولت و جامعه، از جمله از راه مداخله در انتخابات.

در فصل ششم، خبرها و داده های اقتصادی گویای وضعیت واقعی کشور را گرد می آوریم.

در فصل هفتم قسمت دوم نوشته ژاله وفا را در باره بودجه سال ۸۸ را نقل می کنیم. و

در فصل هشتم، خبرهای تجاوزها به حقوق انسان را جمع می آوریم:

در صفحه ۳

### پیام نوروزی مجامع اسلامی

به مناسبت فرا رسیدن سال ۱۳۸۸

فرا رسیدن نو روز و سال نو به هموطنان عزیز  
مبارک باد

در تاریخ ما نوروز روز آغاز هستی و یاد آور دوران روشنائی، آزادی و وفور است. روز به بند کشیدن ضحاک است. نوروز را بایستی باز بدل به روز تجدید اراده ملتی بر زیست در ایرانی آزاد و آباد و آشتی و صلح بین اقوام واقشار جامعه بگردانیم. روز بروز اراده استقامت در برابر مظاهر زور و ستم.

هموطنان عزیز

سال ۸۷ در شرایطی به پایان می رسد و سال نو آغاز میگردد که عیدی دولت عدالت پرور احمدی نژاد فقری است که بر سر سفره هفت سین حد اقل ۱۴ میلیون ایرانی آورده است. سال گذشته سال رکود اقتصادی، و تعطیلی بسیاری از کارخانجات صنعتی و کشاورزی کشور بوده است. سال واردات ۹۰ میلیارد دلاری و رتگین کردن سفره سلطه گران بوده است.

در صفحه ۱۶



تبعیض ها، همه کرامت ستا هستند. نوروژی که در آن، اکثریت بزرگ نان بر سفره نیابند و اقلیت کوچک به ثروتی که زور آورده است بر اکثریت بزرگ جلوه فروشد، زیبا روز نیست، زشت روز است. منظره های فقر و فقر، بیابانها که سبزه زارها را می بلعند و بزرگ می شوند، نماهای شهرها و روستاها که گزارشگر قدرت تبعیض سازو تبعیض گسترند، نه زیبایی دوران جمشید که زشتی دوران ضحاک را به نمایش می گذارند.

زندگی در جامعه ای با رابطه های آزاد، جامعه ای باز بر روی نوری که فرآورده پندارها و گفتارها و کردارهای شفاف هستند، زندگی در نوروز است. زندگی در جامعه ای که سامانه ای بسته دارد و تاریک خانه ای است ساخته زور، مرگ تدریجی در تاریکی و بیم و هراس است. در همان حال که چنین جامعه ای ساخته انسانهای بنده زور است، سازنده انسانهایی است با سامانه های بسته. این انسانها نمی دانند که انسانی حق زندگی را به جا می آورد و به زندگی بر می انگیزد که بمثابة سامانه به روی هستی هوشمند باز است. باز بودنش بر روی هستی هوشمند او را بر بجا آوردن حق زندگی، زندگی بر خوردار از استقلال و آزادی و حقوق ذاتی، توانا می کند. او را بر دفاع از حقوق دیگری و حقوق جمعی را عمل به حق خود کردن، عارف می گرداند. او را بر برانگیختن به زندگی از رهگذر رشد کردن و رشد دادن، توانا می کند. اینهمه به یمن کرامت ذاتی شدنی هستند و بدین کارها انسانها بر کرامت خویش می افزایند. نوروز، روز زندگی در آرمان شهر، روز تحقق کرامت انسان در کمال خویش است.

ایرانیان!

هرگاه از خود بپرسید چرا طبع انسان به انجام کارهایی راغب نیست و بکارهای دیگری راغب است، از اهمیت کرامتی آگاه می شوید که ذاتی هر انسان و هر آفریده است. هرگاه خویش را به حال خود بگذارید، عارف بر کرامت ذاتی، اوامر و نواهی زور را، کارهایی می یابید که با کرامت انسان نمی خواند. چنانکه امکانها را از جمهوری مردم ستاندن و باز داشتن آنها از شرکت در مدیریت شورایی، زندگی خویش را ناقص کرامت خود می یابید. بر آن می شوید که بر میزان عدل، تضادهای اجتماعی را از میان بردارید و، بدین کار سترک، بر انگیزندگان انسانها و همه دیگر زندگان و طبیعت به زندگی بگردید.

بدین قرار، روز ایران نوروز می شود وقتی، ایرانیان هر کار را به روش درخور آن انجام دهند، صلح را حقی از حقوق انسان بدانند و در جامعه خود صلح را برقرار و در جهان منادی صلح شوند، خودستایی را با خودسازی جانشین کنند، بخشندگی شیوه کنند،

## نوروز، زندگی در استقلال و آزادی

عشق ورزی زندگی کنند و به زندگی برانگیزند.

به عهد خود وفا کنند. امانت دار باشند و حق امانتی را بجا آورند که انسان، در مقام خلیفه الهی، برعهده گرفته است. همواره بر حق صاحب حق شهادت دهند و پیوسته حقی باشند که شهادت می دهد بر به روزی و نو به نو شدن زندگی از رهگذر عمل به حق و رشد. راست راه رشد را با پرهیز از هر پندار و گفتار و کردار ناقص کرامت آغاز کنند.

دانش جوئی و دانش پذیری و دانش گستری را روش کنند. در هستی بیاندیشند و این کار را با اندیشیدن در هستی خود و خودشناسی آغاز کنند. جز خداوند ولی و شفیی نیست، یعنی استقلال استعداد رهبری را قدر شناختن و این استعداد را در آزادی، بکار رشد گرفتن. پس بر آنها است که دست شستن از استقلال و آزادی خویش را غفلت از کرامت و برده قدرت گشتن و تباه کردن زندگی و تاریک و کوتاه کردن روزهای آن بدانند. اندازه شناسی را روش کنند و در داشته های معنوی و مادی خود، برای بی چیزان حق قائل شوند و به ادای این حق، آنها را به زندگی بر انگیزند. مسئولیت شناس باشند و الگوی پندار و گفتار و کردار نیک بگردند. از اسطوره تراشی و مطلق سازی پرهیز کنند. در این زمان، پول است که خدائی می کند. هرگاه وجدان های اخلاقی، هر انسان، هر جامعه و جامعه جهانی را رهبر سرمایه و دیگر نیروهای محرکه بگردند، جهان ما نه تنها بحران به خود نمی بیند، بلکه چهار فصل زندگی می شود.

خواری و ذلت را ناسازگار با کرامت خویش بدانند و تن دادن به فرعونیت، ولایت مطلقه یک انسان، را کمال ذلت و جامعه ای در بند این ولایت را جامعه ذلیل ها و خواریها بدانند و بر این ذلت و خواری بشورند و با بازیافتن زندگی، نوروز را باز یابند. دوراندیشی، یا زمان اندیشه و عمل را بی نهایت گرداندن، راه ندادن به مرگ آورها به عرصه زندگی و جاودانه کردن زندگی در استقلال و آزادی است.

بزرگواری و پرهیز از غرور و خود پسندی را مایه افزودن بر کرامت کنند. گوهر برادری و خواهری را با پوچی سروری و آقایی بر یکدیگر، سودا نکنند. تعاون با یکدیگر در رشد، امداد گری، رستگاری از رهگذر خشونت زدائی و راست گوئی و راست کرداری و همکاری با راستگویان را روشهای روزمره در زندگی آزاد خود کنند.

مسئله و آسیب و نابسامانی نسازند. نگویند که مسئله هائی که امروز ایجاد می کنیم، فردا رفع خواهیم کرد. بدانند که مسئله ای که ساخته شد، فردا از میان نمی رود بلکه مسئله ها بر

خود می افزاید. بنگرند بر مسئله ولایت فقیه و مسئله هایی که بر خود افزوده است.

بدین روشها، علفهای خرافه می سوزند و سامانه های باز زندگان، فراخانی خردورزی می شوند. انسانها، در رشد، الگوی یکدیگر می گردند و یکدیگر را قدر می شناسند و به اندیشه ها و کنش های یکدیگر کرامت می جویند.

ایرانیان!

خویش را در مدار بسته بد و بدتر گرفتار کردن، زندگی کردن نیست، مرگ تدریجی، برانگیختن به زندگی نیست، راندن خود و یکدیگر به کام مرگ است. در خود، بمثابة یک سامانه بنگرید. وقتی در مدار بسته بد و بدتر، غافل از توانائی و حقوق خویش، درمانده اید، سامانه ای را که شما باشید، بسته اید. خود را محکوم به مرگی زجر آور کرده اید. چرا که سامانه وقتی باز است، نیروهای محرکه تولید می کند و این نیروها را در روزبه کردن زندگی خود بکار می برد. اما وقتی بسته است، زمان به زمان نازا تر می شود. زیرا نیروهای محرکه ای را هم که ایجاد می کند، جز در ویرانی آن سامانه، کار برد پیدا نمی کند. در اقتصاد خود بنگرید. سامانه اقتصادی شما بسته است. از این رو، درآمد نفت، جز در ویرانگری، کاربرد نمی یابد. از این رو است که فقر شما صدور ثروتهای طبیعی روز افزون است. فقر محیط زیست شما روز افزون است. بانیان جشن نوروز، درتنگ نکنید، از مدار بسته بد و بدتر بدر آیدید. به کرامت ذاتی خود، سامانه خویش را بمثابة انسان و سامانه جامعه خود را بمنزله جامعه آزاد باز کنید و به یمن استقلال و آزادی، زندگی کنید و به زندگی بر انگیزید.

مدار بد و بدتر، یکی نیست که تنها بهنگام انتخابات قلابی که رژیم به راه می اندازد، خود را در آن می بینید. بیشمار مدارهای تو در تو هستند که شما در آنها به بندید: مدار بسته ولایت مطلقه فقیه آن مداری است که هرگاه با کلید ولایت جمهور مردم آن را بکشاید، از مدارهای بد و بدتر رهائی متصور است. زیرا مدارهای بد و بدتر سیاسی، ناگزیر شدن از رأی دادن به یکی از دو بد، یکی از آنها است و مدارهای بد و بدتر اقتصادی که فروش ثروت ملی، یا فقر یکی از آنها است. مدارهای بد و بدتر اجتماعی، که زندگی در بی منزلتی زن و مرد، بیشتر زن، یا گرفتار سرکوب رژیم سرکوبگر شدن، یکی از آنها است. مدارهای بسته فرهنگی، که تن دادن به «فکرهای جمعی جبار» یا در ترس زیستن، تن دادن به استبداد دینی، یا

در ترس زیستن، تن دادن به استبداد «علمی» یا در ترس زیستن، تن دادن به فرآورده های زور، «ضد هنرها»، یا در ترس زیستن، باز نمی شوند وقتی انسان ها کرامت و بدان استقلال و آزادی و شرکت در مدیریت شورایی جامعه خود را باز نمی یابند. با هر یک از مدارهای بسته که شما در آن از ترس بدتر به بد تسلیم میشوید نه تنها خود را گرفتار بد و بد تر، هر دو می کنید بلکه خود را وادار میکنید به زورپرستان اجازه دهید برای شما، «بدترین» را تدارک کنند.

از دید کرامت خود (= باز بودن سامانه ای که هستی بر روی هستی هوشمند) به مدار بسته بد و بدتر که بنگرید، می بینید، هر تسلیم شدنی، زمینه ساز تسلیم شدن به بدتر و سپس بدترین است. برای مثال، در انتخاباتی که نه نامزد شدن و نه مسابقه نامزدها آزاد است و نه رأی دهندگان آزادی انتخاب کردن را دارا هستند، بفرض، نامزدها از بهترین ها باشند، مدار همچنان مدار بسته بد و بدتر است. چرا که هم انتخاب شونده و هم انتخاب کننده، هر دو، می دانند که انتخاب شونده، تصمیم گیرنده نیست. حتی نامزد شدنش را «مصلحت نظام» مجاز گردانده است. و این مصلحت، جز ایجاد فرصت برای تحکیم بیشتر ستون پایه های استبداد فراگیر نیست. ادعای یک مدعی را خواندم که انتخابات فرصتی است که با استفاده از آن، مردم می توانند نظر خود را نسبت به عملکرد، «نظام» اظهار کنند. مدعی از منطبق صوری به قصد فریب دادن سود جسته است. چرا که در جامعه های مردم سالار، انتخابات فرصتی در اختیار مردم است برای این که نظر خود را در باره عملکرد حزب حاکم ابراز کنند. در عین حال، آنها که در انتخابات شرکت می کنند و هم آنها که شرکت نمی کنند، نظام سیاسی خود را قبول دارند. اما در

جامعه ای که نظام سیاسی در ولایت مطلقه فقیه ناچیز گشته است، شرکت در انتخابات، داوری کردن نظام سیاسی نیست، رای مثبت دادن به آن در مرحله اول و زندانی کردن خویش در مدار بسته بد و بدتر، در مرحله دوم است.

بپوش باشید! پیشاپیش از خود بپرسید: آیا رأی دادن وقتی معنی آن اینست که رأی می دهم و میدانم که حق رأی ندارم، زیرا ولایت مطلقه با آقای سید علی خامنه ایست، رأی می دهم به کسی که می دانم «تدارکاتی» است، رأی می دهم از ترس بدتر و... با کرامت شما، با شخصیت شما، با آزادی شما، با اعتبار شما در جهان، سازگار هست یا خیر؟ اگر دیدید سازگار نیست، تحریم «انتخابات» را باز کردن سامانه ای کنید که هستی و بر خیزد برای باز کردن نظام سیاسی - اجتماعی جامعه خود.



## معامله امریکا با روسیه بر سر ایران - دعوت ایران به کنفرانس افغانستان - خط قرمزی که اسرائیل می کشد:

انقلاب اسلامی: نخست نیویورک تایمز بود که خبر از ارسال نامه محرمانه اوباما به ودودو، رئیس جمهور روسیه در باره معامله بر سر ایران داد:

### \* نوشته نیویورک تایمز و توضیح اوباما:

◀ نیویورک تایمز (۳ مارس ۲۰۰۹) از قول یک مقام بلند پایه حکومت امریکا خبر داده است: اوباما نامه محرمانه ای به دیمیتری ودودو، رئیس جمهوری روسیه نوشته و در آن پیشنهاد کرده است: هرگاه روسیه در جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی، با امریکا همراهی کند، امریکا از استقرار سامانه ضد موشکی در اروپای شرقی چشم خواهد پوشید.

◀ در همان روز، با حضور گردون برون، نخست وزیر انگلستان، اوباما توضیح داد: آنچه من در نامه خود به ودودو نوشته ام، همان است که در علن گفته ام: سامانه ضد موشک نه در برابر روسیه که در برابر ایران است که بنا است ایجاد شود. در نامه توضیح داده ام: در صورتی که ما موفق به منصرف کردن ایران از مجهز شدن به سلاح اتمی شویم، فشار کاهش می یابد و نیازی به ایجاد سامانه ضد موشکی نمی ماند. بنا بر این، برداشت نیویورک تایمز از نامه نادرست است. زیرا در نامه سخن از بده و بستان نرفته است.

◀ به گزارش رویتر (۳ مارس)، هیلاری کلینتون، وزیر خارجه امریکا، در کنفرانس مطبوعاتی، در بیت المقدس، گفته است: سامانه ضد موشکی برای مانع شدن اصابت موشکهای ایران به هدف است. آنچه ما گفته ایم اینست که سیستم ضد موشکی ما موریت دارد موشکهای را از میان ببرد که ممکن است از سوی ایران رها شوند. موضع ما تغییر نکرده است. او گفت: موضوع های چندی در دستور گفتگوهای ما و روسیه قرار دارند و ما این گفتگوها را از ماه فوریه آغاز کرده ایم.

◀ ویلیام برنس، سفیر سابق امریکا در روسیه که اینک مدیر کل سیاسی وزارت خارجه امریکا است، به مسکو رفت تا باتفاق مقامات وزارت خارجه روسیه، برنامه دیدار دو وزیر خارجه امریکا و روسیه را در ژنو - در ۶ مارس انجام شد - تهیه کند. او گفته است: امریکا روند ایجاد سامانه ضد موشک در اروپای شرقی را کند می کند هرگاه روسیه بپذیرد برای متوقف کردن اجرای برنامه اتمی ایران، با امریکا همکاری کند.

◀ جون کری، رئیس کمیسیون روابط خارجی امریکا، نیز به «رهبران» ایران هشدار داده است: هرگاه هشدار غرب را جدی نگیرد و به اجرای برنامه اتمی خود ادامه دهد، تمامی وزنه جامعه بین المللی بر سر آنها فرود خواهد آمد. قصد او از «تمامی وزنه»،

## معامله ها؟

◀ در ۷ مارس ۲۰۰۹، در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با هیلاری کلینتون، سرگی لاورو، وزیر خارجه روسیه، انتظار امریکا را در باره فروختن اسلحه به ایران، بر آورده نکرد و گفت: فروش اسلحه به ایران مطابق است با قوانین بین المللی و قوانین روسیه. ما به ایران اسلحه دفاعی می فروشیم. ما نگرانی های طرفهای امریکائی و اسرائیلی خود را در نظر گرفته ایم و نیز رفتار خود را با تصمیم کشورهای ۵ + ۱ برای گفتگوی مستقیم با ایران و دیگر کشورهای منطقه، بقصد تضمین امنیت مشترک، سازگار کرده ایم. پیش از دیدار با لاورو، هیلاری کلینتون گفته بود از روسیه خواهد خواست موشک دور برد به ایران نفروشد. فروش اینگونه موشکها هم برای روسیه و هم برای اروپا و هم برای کشورهای خاورمیانه خطرناک است.

انقلاب اسلامی: اما اگر نگرانی های امریکا و اسرائیل را رعایت کرده باشد، روسیه سیستم موشکی S-300 به ایران نمی فروشد. یعنی انتظار امریکا را بر آورده است.

◀ در ۷ مارس ۲۰۰۹، یک روز بعد از دیدار با وزیر خارجه امریکا، در حاشیه اجلاس بین المللی در باره خلع سلاح، سرگی لاورو، وزیر خارجه روسیه، در کنفرانسی مطبوعاتی، پیشنهاد کرد در تمامی خاورمیانه، داشتن اسلحه اتمی ممنوع شود.

### \* اسرائیل به امریکا می گوید: در گفتگو و مصالحه با ایران، از خطوط قرمز عبور نکنید!

◀ در ۳ مارس، هاآرتس، گزارش کرده است: پیش از ورود هیلاری کلینتون به اسرائیل، اولمرت نخست وزیر و لیونی وزیر خارجه و باراک وزیر دفاع خطوط قرمزی را مشخص کردند که می باید با وزیر خارجه امریکا در میان بگذارند. حکومت اوباما در هر گونه گفتگو و معامله با ایران، بر سر برنامه اتمی این کشور، می باید این خطوط قرمز را رعایت کند. آنها بنیامین نتان یاهو که مأمور تشکیل هیأت وزیران جدید اسرائیل شده است، را نیز، توجیه کرده اند. تقاضای آنها از امریکا اینست که پیش از هرگونه گفتگو با ایران، مجازاتهای بسیار سخت علیه ایران مقرر گردد. این مجازاتها هم از طریق شورای امنیت و هم امریکا و اروپا، در خارج از محدوده آن شورا، می باید تصویب و به اجرا گذارند. اسرائیل همچنین از امریکا می خواهد که برای به نتیجه رسیدن گفتگوها با ۵ کشور دیگر، یعنی روسیه و چین و انگلستان و آلمان و فرانسه، محدودیت زمانی قائل شود به ترتیبی که دوران بی عملی کنونی به پایان رسد. و نیز امریکا می باید به این امر توجه کند که چه بسا وارد شدن به گفتگو با ایران، پیش از انتخابات ریاست جمهوری در این کشور، بموقع نباشد.

انقلاب اسلامی: اما این «رهنمودها»، هیچیک خط قرمز بشمار نیستند. خطوط قرمز، توقف اجرای برنامه اتمی و پایان یافتن حمایت رژیم ایران از حزب الله و حماس، به سخن دیگر، عدم هرگونه مصالحه با ایران است. زیرا اسرائیل نیک می داند هرگاه رژیم ایران از سلاح «ضدیت با امریکا» محروم شود و امریکا ایران را دیگر خطری که متوجه خاورمیانه است نبیند، نوبت منزوی شدن به اسرائیل می رسد و او در برابر حقوق فلسطینیان، در برابر جهانیان قرار می گیرد. به ترتیبی که امریکا نیز دیگر نمی تواند حامی تجاوزات مستمرش به حقوق فلسطینیان بماند. واکنش برژنسکی به خطوط قرمز اسرائیل گویا است:

### \* برژنسکی و اسکوکرافت: در مورد ایران، حکومت اوباما نباید گوش به اسرائیل دهد:

◀ در ۵ مارس ۲۰۰۹، برژنسکی در برابر کمیته روابط خارجی مجلس سنا خواستار برگزاری هر چه سریع تر گفتگوهای مستقیم با ایران شد. وی که بلافاصله پس از سخنان هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه امریکا در بروکسل (خطر ایران برای صلح جهانی)، توصیه حکومت اسرائیل به کلینتون را در باره سیاست امریکا در قبال ایران را بسیار منفی ارزیابی کرد: به کار بستن توصیه های مقامات اسرائیلی، گرفتار شدن در وضعیتی است که، در آن، بر اثر افزایش تنش و متهم کردن یکدیگر، به نابودی روند گفتگوها در نقطه و ضرر امریکا منجر خواهد شد.

◀ امریکا در برابر ایران می تواند در دو مسیر حرکت کند:

● راه حل اول تعیین عمده شرایطی است که برای ایران غیرقابل قبول است و با بر هم زدن امکان گفتگو. این روش تقصیر شکست در تلاش ها برای حل مسالمت آمیز مناقشه هسته ای را متوجه تهران می کند. مانند تعیین پیش شرط برای گفتگو با ایران، تعیین زمانبندی برای نتیجه دادن گفتگوها. متهم کردن ایران به تروریسم و برانگیختن احساسات مردمی بر ضد امریکا. تهدید ایران به تحریم های بیشتر و اقدام نظامی و یا صحبت از تغییر رژیم.

اینها ایزاری هستند که می توانند تلاش برای گفتگوی دو کشور را به شکست بکشاند و در افکار عمومی جهان ایران را مقصر جلوه دهند. بر این اساس، علاوه بر شکست هرگونه تلاش برای نزدیک کردن تهران و واشنگتن، موضع محافظه کاران نیز در ایران تقویت می شود.

● راه حل دوم رایزنی محرمانه میان امریکا و متحدانش برای ارزیابی اقدام های پیش رو، و بررسی نحوه برخورد با افزایش امکان گفتگو با این کشور به وسیله تمهیدات مختلف است. این راه حل می باید از هرگونه تدبیری که منجر به محدود شدن گزینه های پیش رو و در نتیجه افزایش خطر درگیری نظامی با ایران است، خالی باشد. تعیین راهبرد جدید امریکا در برابر ایران، باید بر اساس پیشگیری از وقوع دو خطر تعریف شود: عدم دستیابی ایران به تسلیحات هسته ای از یک سو، و ممانعت از اقدام نظامی علیه این کشور، از سوی دیگر.

زنگینو برژنسکی همچنین با اشاره به گزارش هایی که بیانگر عدم حرکت برنامه اتمی ایران با تمام توان به سوی جلوست گفت ارزیابی اش از فعالیت های ایران این است که این کشور می خواهد مانند ژاپن به مرحله ای از توانمندی هسته ای برسد که بدون نقض پیمان منع گسترش سلاح های هسته ای، از توانایی تولید این تسلیحات برخوردار باشد.

گفتگوهای مستقیم با ایران در سطوح پایین باید هرچه زودتر آغاز شوند. ما باید گفتگوها را هر چه سریع تر شروع کنیم تا احمدی نژاد در جریان انتخابات ادعا نکند آمریکایی ها منتظر شکست او هستند.

همان طور که امریکا با شوری و چین درگیری هسته ای پیدا نکرد و همان طور که هند و پاکستان از تسلیحات اتمی علیه هم استفاده نکردند، این رخداد احتمالی نیز لزوماً به معنی حمله اتمی ایران به اسرائیل نخواهد بود.

او در پاسخ به سوالی درباره تهدیدهای ایران برای امریکا گفت: «باید از خود بپرسید چه کسی دیگری را بیشتر تهدید می کند؟ آیا ایرانی ها ما را بیشتر تهدید می کنند یا ما آنها را بیشتر تهدید می کنیم؟ به عنوان مثال، چه کسی به طور مکرر از استفاده از نیروی نظامی صحبت می کند؟ چه کسی توانایی نظامی بیشتری دارد؟»

● ژنرال برنت اسکوکرافت هم در این جلسه از مقامات امریکا خواست هر چه سریعتر به صحبت درباره تغییر رژیم در ایران پایان دهند.

اسکوکرافت با اشاره به پیش رو بودن انتخابات ریاست جمهوری در ایران، انتخاب مردم این کشور میان محمود احمدی نژاد و محمد خاتمی یا هر نامزد احتمالی دیگر را جالب دانست. امریکا باید با پذیرفتن نقش منطقه ای ایران، تکرانی های امنیتی این کشور را نیز بپذیرد.

او گفت امریکا باید با تاکید بر خطر راه افتادن مسابقه هسته ای در خاورمیانه در صورت ادامه فعالیت های غنی سازی ایران، به این کشور اطلاع دهد که برای تاسیس یک سازگار امنیتی منطقه ای برای پاسخگویی به تکرانی های این کشور آمادگی دارد.

او تفاوت برنامه اتمی ایران و کره شمالی را در این دانست که در حالی که پیونگ یاتنگ به طور علنی از خواست خود برای برخورداری از تسلیحات اتمی صحبت می کند، ایرانی ها می گویند در پی به دست آوردن چنین تسلیحاتی نیستند و آن را مغایر دستورات دینی خود می دانند.

انقلاب اسلامی: بدین قرار، دو سیاست به حکومت اوباما پیشنهاد می شوند: یکی را اسرائیل پیشنهاد می کند که بنا بر ارزیابی برژنسکی و اسکوکرافت نیز بمعنای ادامه دادن به خصومت و تن دادن به پی آمدهای آنست و دیگری، مستقل کردن سیاست امریکا در خاورمیانه از توقعات توسعه طلبانه اسرائیل و تابعیت امریکا از اسرائیل در خاورمیانه. اما کدامیک از این دو سیاست را حکومت اوباما در پیش خواهد گرفت؟ پاسخ این پرسش در گرو غلبه یکی از دو گرایش در حکومت اوباما است. و البته، نیاز رژیم مافیاهای نظامی - مالی به بحران نیز نقش تعیین کننده دارد. هرگاه رژیم ادامه بحران - چه رسد به تشدید آن - را به مصلحت خود نبیند، سیاستی که برژنسکی پیشنهاد می کند، اتخاذ شد. یاس هیلاری کلینتون از راه نتیجه بخش بودن دیپلماسی نیز برطرف خواهد شد:



**\* وزیر خارجه عربستان: عربها می باید در برابر بلند پروازیهای ایران در منطقه بایستند:**

◀ در ۳ مارس ۲۰۰۹، آسوشیتدپرس گزارش کرده است: سعود الفیصل، وزیر خارجه عربستان، در اجتماع وزاری خارجه عرب در قاهره گفته است: کشورهای غیر عرب حق مداخله در امور عراق و لبنان و فلسطین را ندارند. عربها می باید دید واحدی نسبت به ایران پیدا کنند و در برابر بلند پروازیهای این کشور در منطقه، بایستند. مقابله با ایران در آنچه به امنیت خلیج فارس و مسئله اتمی ایران مربوط می شود، نیازمند این دید مشترک و اتحاد است. او توسعه نفوذ ایران شیعه را در خاورمیانه نگرانی آور دانست.

سخنان او، روزی بعد از ابراز نگرانی وزیران خارجه عرب، بهنگام گفتگو با هیلاری کلینتون، از بسط نفوذ ایران در منطقه، اظهار شده اند. وزیرای خارجه عرب، بهنگام کنفرانس بین المللی برای باز سازی غزه، در شام الشیخ، که در دوم مارس برگزار شد، با هیلاری کلینتون گفتگو کردند. در آن کنفرانس شرکت کنندگان برای باز سازی غزه، پرداخت ۵/۲ میلیارد دلار را به تعهد کردند.

عربها از آن بیم دارند که معامله حکومت اوپاما با ایران، به زیان منافع آنها، بعمل آید. اما کلینتون به آنها اطمینان داد که حکومت اوپاما مراقب رفتار خود هست و در مورد ایران با متحدان خود در خلیج فارس، مشورت خواهد کرد.

● در اجتماع وزیران خارجه عرب در قاهره، وزیر خارجه بحرین خواستار قرار گرفتن دعوی ایران بر بحرین، در دستور کار دیدار مسئولان کشورهای عرب در کادر اتحادیه عرب، گنجانده شود. مراکش نیز بخاطر دعوی مالکیت ایران بر بحرین، با ایران قطع رابطه کرد:

**\* استراتفور: مراکش در قطع رابطه با ایران، مجری سیاست عربستان سعودی است:**

◀ در ۶ مارس ۲۰۰۹، وزیر امور خارجه مراکش، در اطلاعیه کوتاهی اعلام کرد: «پادشاهی مراکش تصمیم گرفت از روز جمعه، ۶ مارس، روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی ایران را قطع کند.»

این تصمیم دولت مراکش در پی اختلافاتی صورت گرفت که با تنش روابط ایران و بحرین پدید آمده بود و البته با اظهار نظر پادشاه مراکش و اعتراض ایران به سخنان وی اوج گرفته بود. مسئله را ناطق نوری، «رئیس دفتر ویژه بازرسی رهبری»، بوجود آورد. وقتی گفت: بحرین متعلق به ایران است. پس از آن، «وزیر» کشور به بحرین رفت و وزیر خارجه بحرین به تهران آمد و مسئله حل شد. با وجود این، پادشاه مراکش کاسه داغ تر از آش شد و کار را به قطع رابطه رساند.

◀ در ۷ مارس، استراتفور قطع رابطه مراکش با ایران را تشریح کرد: بهانه مراکش اینست که ایران در کشورهای شمال افریقا، فعالیتهای خصمانه دارد. عمل مراکش بخشی از ابتکار جدید عربستان برای ایجاد جبهه ای از کشورهای عرب برای مهار ایران است.

**معامله ها؟**

● در ۱۹۷۲، حکومت ریچارد نیکسون با رژیم شاه روابط استراتژیک نزدیک برقرار کرد ( یعنی به ایران نقش ژاندارم در خلیج فارس را داد . ا.ا . ) . اما مخالفت با رژیم شاه، به رهبری روحانی تبعید شده، آیت الله خمینی تشدید شد.

● در ۱۹۷۹، ایرانیان دست به انقلاب زدند، در پی مقابله خونین شاه با مردم، در ماه ژانویه، شاه به تبعید رفت و ماه بعد از آن، آیت الله خمینی به ایران بازگشت.

● در ۴ نوامبر ۱۹۷۹، دانشجویان سفارت امریکا را اشغال کردند و ۹۰ تن اعضای سفارت را به گروگان گرفتند. از آنها، ۵۲ تن، بمدت ۴۴۴ روز در اسارت ماندند. امریکا در ۱۹۸۰، روابط خود با ایران را قطع کرد.

● رویتر معامله بر سر گروگانها با ریگان - بوش را در اکتبر ۱۹۸۱، از قلم انداخته و به سراغ ایران گیت رفته است:

● ریگان اجازه فروش اسلحه به ایران را داد. هدف از آن، آزاد کردن گروگانهای امریکایی در لبنان بود. حزب الله هوادار ایران، تنی چند امریکائی و شماری از غیر امریکائیان را به گروگان گرفته بودند. سود حاصل از فروش اسلحه به ایران، بطور محرمانه، به کنتراها که در نیکاراگوا با دولت ساندنیستها می جنگیدند، داده می شد. ایران نیز در جنگ با رژیم صدام و به اسلحه نیازمند بود و امریکا بطور روز افزون از عراق حمایت می کرد. فروشهای محرمانه اسلحه از پرده بیرون افتادند و اقتضاهائی را بوجود آوردند که ایران گیت نام گرفتند.

● باز رویتر ترورهای رژیم و محکوم شدن سران رژیم در دادگاه میکونوس را از قلم انداخته و به این اکتفا کرده است که در ۱۹۹۷، خاتمی به ریاست جمهوری رسید و حکومت اصلاح طلبان مشغول کار شد. خاتمی سخن از گفتگوی فرهنگها میان آورد و ترورهای ۱۱ سپتامبر توسط القاعده را محکوم کرد. در جریان حمله امریکا به افغانستان، ایران به امریکا کمک کرد.

● با وجود این، در ژانویه ۲۰۰۲، درژ بوش، رئیس جمهوری پیشین، ایران را یکی از سه کشور شر، ایران و عراق و کره شمالی، خواند.

● در ۲۰۰۳، امریکا به عراق حمله کرد و رژیم صدام را برفکنند. حکومت عراق از آن شیعه ها شد که روابط نزدیک با ایران دارند. با توسعه عصیان در عراق و توسعه جنگ میان گروه های سنی و شیعه و عرب و کرد، امریکا ایران را به دامن زدن به جنگ داخلی در عراق متهم کرد.

● در ۲۰۰۸، بعد از آن که مسئله اتمی ایران در دستور شورای امنیت قرار گرفت و چند قطعنامه بر ضد ایران صادر شد، در ماه مارس این سال، شورای امنیت سومین قطعنامه خود را علیه ایران صادر کرد. ایران گفت برنامه اتمیش صلح آمیز است اما نتوانست غرب را به صداقت خود متقاعد کند.

روابط ایران و امریکا، با انتخاب احمدی نژاد به ریاست جمهوری به وخامت انجامید. او هلوکاست را به زیر سؤال برد و گفت اسرائیل باید از نقشه جهان حذف شود. در اواخر ۲۰۰۷، سازمانهای اطلاعاتی امریکا، با انتشار گزارش خود، دولتهای غرب را

این احتمال که عربستان موفق شود وجود ندارد زیرا کشورهای عرب در اختلافند. بخصوص بر سر روشی که در قبال ایران می باید در پیش گرفت، با یکدیگر اختلاف دارند.

وزیر خارجه مراکش علت قطع رابطه را رفتار غیر قابل قبول اعضای سفارت ایران در مراکش شمرد و توضیح داد که آنان فعالیتهایی برای تغییر خاصه مذهبی پادشاهی مراکش داشته اند. و نیز، اظهارات وزیر کشور سابق ایران، علی اکبر ناطق نوری در باره بحرین را مزید بر علت دانست و قطع رابطه را اجتناب ناپذیر ارزیابی کرد.

سخنان ناطق نوری واکنش شدید در کشورهای عرب برانگیخت: رئیس جمهوری مصر، حسنی مبارک، به منامه پایتخت بحرین رفت و گفت هرگاه به بحرین خواهد فرستاد. البته پیشنهاد مبارک سمبلیک است چرا که مصر را آن توان نیست که ایران را مهار کند. با وجود این کشورهای عرب تحت رهبری عربستان، سیاستی تعرضی در قبال ایران در پیش گرفته اند.

اقدام مراکش بخشی از سیاست عربستان سعودی برای مقابله با خطر ایرانی است که دارد قدرت می گیرد. این اقدام دو روز بعد از آن انجام گرفت که وزیر خارجه عربستان، سعود الفیصل، کشورهای عرب را فراخواند که در برابر تهدید ایران متحد شوند.

در واقع، کشورهایی که می باید بیشترین ترس را از ایران داشته باشند، کشورهای نفت خیز عضو شورای همکاری خلیج فارس هستند. این کشورها عبارتند از عربستان و بحرین و کویت و امارات متحده عرب و قطر و عمان. مراکش در ۵۰۰۰ کیلومتری ایران واقع است و از ناحیه ایران خطری متوجهش نیست و جمعیت شیعه ۱ درصد جمعیت این کشور است. اگر مراکش قطع رابطه کرده است و کشورهای ساحلی خلیج فارس نکرده اند، بخاطر اینست که در همان حال که سیاست تعرضی در پیش می گیرند، نمی خواهند با ایران تا آنجایش بروند که سبب شود جمعیت شیعه این کشورها بر انگیزخته گردد. قرار است اجتماع سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در آخر مارس، در قطر تشکیل شود و روش متحدی در قبال ایران اتخاذ شود.

**\* هیلاری کلینتون ایران را به کنفرانس بین المللی در باره افغانستان دعوت می کند:**

◀ در ۵ مارس ۲۰۰۹، رویتر گزارش کرده است: نخستین رو نشان دادن علنی حکومت اوپاما به ایران، دعوت از این دولت به کنفرانس بین المللی در باره افغانستان است. این کنفرانس در ۳۱ مارس تشکیل خواهد شد. رویتر، لازم دیده است روزشماری از روابط ایران و امریکا را ذیل خبر بیاورد:

● در اوت ۱۹۵۳، سیا به کودتا بر ضد نخست وزیر محبوب ایران، محمد مصدق، کمک کرد و قدرت را از آن محمد رضا شاه پهلوی گرداند. از آن زمان، امریکا در نظر ایرانیان نماد امپریالیسم شد.

غافلگیر کردند. بنا بر این گزارش، ایران از اواخر ۲۰۰۳، اجرای برنامه تولید بمب اتمی خود را متوقف کرده است.

● در ۲۰۰۹، حکومت جدید امریکا، ریاست جمهوری اوپاما، بر سر کار آمده است. این حکومت بنا بر این دارد که دست صلح بسوی ایران دراز کند. احمدی نژاد گفت: ایران آماده گفتگو است اما بشرط مشاهده تغییر اساسی در سیاست امریکا.

**\* اوپاما: امریکا جنگ افغانستان را نبرده است و باید با طالبان وارد گفتگو شد تا حساب خود را از حساب القاعده جدا کند:**

◀ در ۶ مارس ۲۰۰۹، اوپاما در پاسخ به پرسش خبرنگار نیویورک تایمز که از او پرسید: آیا امریکا جنگ افغانستان را برده است؟ گفت: نه. ما شاهد بد تر شدن وضعیت در افغانستان در سالهای اخیر بوده ایم. طالبان فعال تر از سابق شده اند و حکومت افغانستان هنوز اعتماد مردم افغانستان را بدست نیاورده است. در افغانستان نیز می باید همان سیاست را در پیش گرفت که در عراق بکار رفت. یعنی با طالبان به توافقی دست یافت به تریبی که آنها حساب خود را از حساب القاعده جدا کنند. این موضعگیری در واقع تصویب موضعی است که نظامیان امریکا، بخصوص ژنرال پترانوس داشته اند.

**\* گفتگوهای چند جانبه با ایران در انتظار گفتگوهای دوجانبه:**

◀ در ۵ مارس ۲۰۰۹، استراتفور، دعوت امریکا از ایران را به کنفرانس بین المللی افغانستان، موضوع بحث و ارزیابی قرار داده است: هیلاری کلینتون، در اجتماع وزاری خارجه کشورهای عضو ناتو، در ۵ مارس، از ایران دعوت بعمل آورد که در کنفرانس بین المللی برای تعیین استراتژی در مورد افغانستان، شرکت کند. بدین ترتیب، امریکا بر آن شده است که پیش از انتخابات ریاست جمهوری ایران، وارد گفتگوی چند جانبه با ایران شود و بدین ترتیب، زمینه گفتگوهای دو جانبه را بعد از این انتخابات، فراهم آورد. بدیهی است دولت ایران از این دعوت خشنود شده است چرا که توقعش این بود که امریکا او را بمثابة یک قدرت منطقه ای، بپذیرد. این دولت گفته است که مسئله افغانستان بدون مشارکتش در حل آن، حل نمی شود. بدین سان، در همان حال که امریکا به ایران امکان می دهد نقش بزرگ تری در منطقه پیدا کند، به این دولت فرصت می دهد که از بحثهای درونی بر سر چگونگی گفتگو و معامله با امریکا بدر آید.

امریکا و دیگر اعضای ناتو البته از کمک ایران در افغانستان بخصوص از اطلاعات ایران در باره فعالیتهای طالبان و القاعده و تحرک هاشان در افغانستان و بسا دیگر کشور، سود خواهند جست. ایران همچنین می تواند راه در اختیار قوای ناتو برای نقل و انتقال قوا و تجهیزات قرار دهد. اما بدست آوردن همکاری ایران آسان

نیست. هنوز میان ایران و امریکا، بر سر عراق، مسائلی وجود دارند که می باید پیش از آنکه قوای امریکا عراق را ترک کنند، حل شوند. مسئله اتمی ایران نیز هنوز حل نشده است. امریکائیا گفتگو با روسیه و تشدید فشار اقتصادی را نیز، برای حل این مسئله، بکار خواهند برد.

پیش از آنکه با ایران وارد گفتگوهای دو به دو شوند، امریکائیا با اسرائیل و دولتهای عرب، مشورت کرده اند و می کنند. در حقیقت، پیش از کنفرانس افغانستان، سران عرب در قطر اجتماع خواهند کرد. در آن اجتماع، عربستان بنا دارد جبهه ای به رهبری خود برای مهار ایران پدید آورد. نخست وزیر منصوب اسرائیل، خطوط قرمز اسرائیل را با هیلاری کلینتون در میان گذاشته است و از او خواسته است در گفتگو با ایران، این خطوط رعایت شوند.

اما امریکا و ایران، هر دو، می دانند که دبر یا زود نیاز دارند با یکدیگر گفتگو کنند و به تفاهم برسند. در حال حاضر، امریکا نیاز به وقت دارد برای گفتگو کردن با اسرائیل و دولتهای عرب متحد خود. دولت ایران نیز حواس خود را جمع انتخابات ریاست جمهوری کرده است که در ماه ژوئن (خرداد) انجام خواهد شد. بعد از آن که تکلیف حکومت معین شد، می باید تکلیف سیاسی معین شود که ایران بنا دارد در موضوع اتم، تعقیب کند. هنوز مشکلاتی بر سر راه هستند که بر داشته خواهند شد. اما روند دیپلماتیک آغاز شده است و با دعوت از ایران به کنفرانس بین المللی افغانستان، امریکا محل و زمان گفتگوها را نیز معین کرده است.

انقلاب اسلامی: با وجود این، بحران اتمی رو به تخفیف نیست:

**توانائی امریکا در جلوگیری از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی؟ - اسرائیل و حمله به ایران - بمب اتمی ایران؟**

**گزارش جدید اطاق فکر وابسته به لابی اسرائیل در واشنگتن: امریکا چگونه می تواند مانع از مجهز شدن ایران به سلاح اتمی شود:**

◀ جیم لوب ( آنتی وار ۷ مارس ۲۰۰۹)، در مقاله ای، گزارش اطاق فکر سخت وابسته به لابی اسرائیل در واشنگتن را تشریح و نقد کرده کرده است: این گزارش که در ۴ مارس انتشار یافته، در این باره است که امریکا چگونه می تواند مانع از دستیابی ایران به سلاح اتمی شود. دو مقام امریکائی نیز از آن حمایت کرده اند. این دو مقام امیدوارند که در سیاست حکومت اوپاما در ایران، صاحب نفوذ شوند.



● گزارش در ۱۰ صفحه تهیه شده است و در ۴ مارس، توسط مؤسسه برای سیاست خاورمیانه (WINEP) تهیه شده است. گزارش می گوید: آمریکا می باید از راه دیپلماسی وارد شود اما، در همان حال، در جبهه های مختلف به ایران فشار وارد کند هرگاه ایران تن به رهاکردن برنامه غنی سازی اورانیوم نداد.

● هویج ها که آمریکا می تواند در دهان ایران بگذارد، پیشنهاد همکاری در حل مسائل خلیج فارس و شرکت دادن در گفتگوها بر سر امنیت منطقه هستند.

● هرگاه چوب و هویج کار ساز نشد، اسرائیل می باید ظرف یک یا دو سال آینده، به ایران حمله نظامی کند. این تصمیم زود تر می باید به اجرا گذاشته شود هرگاه روسیه تصمیم به دادن سامانه موشکی ضد هوایی S-300 در اختیار ایران قرار دهد. زیرا این سیستم از توان حمله هوایی اسرائیل به تأسیسات اتمی ایران بطور جدی می کاهد.

● آمریکا هر طور فکر کند، بنظر می رسد که رهبران اسرائیل متقاعد هستند که آنها گزینه نظامی را در توان خود می بینند و این گزینه را دارند. هرگاه ایران سامانه ضد هوایی را مستقر کند، آمریکا می باید تجهیزات لازم را فوراً در اختیار اسرائیل بگذارد به ترتیبی که اسرائیل از بیشترین توانایی برای انجام موفقیت آمیز حمله هوایی به ایران برخوردار بگردد. از جمله این تجهیزات، مدرن ترین هواپیماهای جنگی هستند.

زمان تنگ است. حتی اگر دیپلماسی اقبال موفقیت داشته باشد، می باید آماده ورود به عمل نظامی در صورت ناکام شدن دیپلماسی گشت.

● گزارش که بررسی سیاست آمریکا در مورد ایران و پیشنهاد تجدید نظر در آنست، احتمالاً، از سوی پایتختهای اروپایی و خاورمیانه ای، بدقت خوانده شده است. دونیس رایس که بسمت مشاور وزیر خارجه در امور خلیج فارس و جنوب شرقی آسیا منصوب شده است، با آن موافق است. و نیز، روبرت اینهورت Einhort مقام ارشد اداره منع گسترش سلاح هسته ای وزارت خارجه، با آن موافق است.

این دو، اعضای یک گروه ۱۷ نفری بوده اند که گزارش را تهیه می کرده اند. وقتی به مقامهای خود منصوب شدند، از عضویت گروه استعفاء دادند. متنی را که آنها، پیش از استعفاء، امضاء کرده اند با متن نهائی تفاوت چندانی ندارد.

اعضای دیگر گروه، از جمله، عبارتند از دانیل پلتکا، عضو مؤسسه ایترپرایز و روبرت ژوزف و استفن رادمیکر که در حکومت بوش، صاحب مقام بوده اند و ویلیام شنایدر که رئیس اداره علوم نظامی بوده است و کاری آکرمن، عضو حزب جمهوریخواه که رئیس زیر کمیسیون امور خاورمیانه در سنای آمریکا بود. و نیز، سناتور اوان بای Bayh از حزب دموکرات و عضو کمیسیون نیروهای مسلح که حامی لابی اسرائیل بود.

● امضای روس زیر این گزارش، بخصوص در خور توجه است. زیرا توضیح وزارت خارجه در باره مسئولیت او بعنوان مشاور وزیر امور خارجه مبهم بود. گفته شده بود که او مسئول تهیه استراتژی دیپلماتیک برای گفتگو با ایران است. بخصوص او می باید فشارهای منطقه ای و بین المللی بر ایران را تشخیص و پیشنهاد کند که پشتیبان مواضع آمریکا باشند.

## معامله ها؟

ایران بعمل نیاید. زیرا اگر ایران در خاک خود بتواند اورانیوم غنی کند، دیگر کشورها نیز همین کار را خواهند کرد و سلاح هسته ای انتشار خواهد یافت. و نیز اعضای «جامعه بین المللی» نباید به این بحث مشغول بمانند که بر سر غنی سازی چه سازشی می توان پیشنهاد کرد که برای ایران قابل قبول باشد. زیرا سیاستی که می باید در پیش گرفت «مقاومت و بازداشتن» است و نه «تن دادن و باز داشتن».

● در ازای موافقت ایران با رها کردن غنی سازی اورانیوم در خاک خود، می باید بانک بین المللی سوخت اتمی ایجاد و سوخت اتمی به ایران بفروشد. ● حتی اگر روسیه حاضر نشود در ازای رها کردن طرح ایجاد سامانه ضد موشک در اروپای شرقی، در مورد ایران، با آمریکا همکاری کند، کشورهای عرب خلیج فارس، بخصوص عربستان سعودی، می باید به چین فشار بیاورند که با آمریکا در مورد ایران همکاری کند. بازار چین در این کشورها و فروش نفت توسط این کشورها به چین، به آنها امکان وارد کردن فشار به چین را می دهد.

● هرگاه ایران دست از اجرای برنامه اتمی خود برداشت، آمریکا می باید سامانه های ضد موشک را ایجاد کند و با ایجاد چتر اتمی، امنیت کشورهای منطقه را تضمین کند. ● گزارش پیشنهاد می کند که آمریکا بلادرنگ دست به تشدید مجازاتهای اتمی بزند. از جمله، کشورها و شرکتهای نفتی را از ساختن پالایشگاه در ایران و یا فروش بنزین به ایران منصرف کند.

### \* ایران اسرائیل را تهدید می کند: تأسیسات اتمی اسرائیل در تیر رس موشکهای ایران هستند و موشک دور برد جدید آزمایش می کند:

● در ۴ مارس ۲۰۰۹، آسوشیتد پرس از تهران گزارش کرده است که فرمانده سپاه پاسداران، محمد علی جعفری، به اسرائیل هشدار داده است که تأسیسات اتمیش در تیر رس موشکهای ایران است. در صورت حمله اسرائیل به ایران، می باید در انتظار حمله متقابل ایران باشد.

● گزارش بر اینست که هرگونه پیشنهادی به ایران، در باره اتم، می باید از سوی ۵ عضو دائمی شورای امنیت و آلمان بعمل آید. چرا که این گروه است که طرف گفتگو با ایران است. کشورهای عرب و ترکیه و اسرائیل نیز می باید دخالت داده شوند تا که در برابر ایران، یک صدائی پدید آید.

● گزارش اسلامی: در ۹ مارس، خبرگزاریها گزارش کردند که هیلاری کلینتون از حکومت ترکیه خواسته است واسطگی کند تا که گفتگوی آمریکا با ایران، فرین موفقیت شود.

● گزارش همچنین بر اینست که معامله با ایران می باید شامل این شرط باشد که غنی سازی اورانیوم در خاک

ایران موشکهای شهاب ۳ با برد نزدیک به ۱۹۰۰ کیلومتر در اختیار دارد و نیز می گوید: بر توان هواپیماهای نظامی خود افزوده است. به ترتیبی که می توانند تا اسرائیل پرواز کنند و بعد از بمباران هدفهای خود باز گردند بدون نیاز به سوخت گیری در هوا.

● در ۸ مارس ۲۰۰۹، رویتر گزارش کرده است: ایران موشک دور برد جدیدی را آزمایش کرده است. در این دوره که تهدید به حمله نظامی می شود، ایران بطور مرتب، موشک آزمایش می کند. خبر آزمایش این موشک را تلویزیون ایران، در پخش خبر به زبان انگلیسی، انتشار داد بی آنکه جزئیاتی بدست دهد.

### \* جنگ «پوشیده» رژیم را مجبور به استقرار یک نیروی ۱۰ هزار نفری در مرزهای ایران و پاکستان کرده است:

● در ۷ مارس خبر استقرار یک نیروی ۱۰ هزار نفری در مرزهای ایران و پاکستان، از سوی رژیم مافیاهای نظامی - مالی، انتشار یافت. هدف از استقرار این نیرو، جنگ با گروه جند الله است. رژیم ایران بر اینست که افراد این گروه در ایران دست به جنایت می زند و سپس به خاک پاکستان می گریزند.

● انقلاب اسلامی: مهندس عزت الله سحابی همچنان تکرار می کند که با براندازی رژیم مخالف است زیرا ایران چند قومی است و نیاز به دولت مرکزی مقتدر دارد وگرنه کشور در معرض خطر تجزیه قرار می گیرد.

● معنی سخن او اینست که مردم ایران محکومند تحت دولت استبدادی زندگی کنند. تمرکز گرایی بمعنای دولت استبدادی توجیه گر استبداد در تاریخ ایران بوده است. اما همان تاریخ می گوید: مانع تفاهم و همبستگی ملی همواره دولت مرکزی استبدادی بوده است. ترس مهندس سحابی نابجا و توجیه گر التزام به این رژیم است، چرا که از انقلاب بدین سو، استبداد جنایت پیشه ملاتاریا و سپس مافیاهای نظامی - مالی است که سبب استفاده قدرتهای خارجی از گروههای قومی شده است. استقرار یک نیروی ۱۰ هزار نفری در مرز ایران و پاکستان هرچه بیشتر وخامت بار شدن «جنگ پوشیده» است.

● حق اینست که یکپارچگی ایران ایجاب می کند که ایرانیان، بدون فوت وقت، خود را از شر این رژیم بیسایند.

### ایران اورانیوم لازم را برای تولید بمب اتمی دارد و البرادعی ایران را به همکاری فرامی خواند:

### \* مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا: ایران می تواند با بالا بردن میزان غنای اورانیوم غنی شده اش، بمب اتمی بسازد:

● در ۱ مارس ۲۰۰۹، به گزارش آسوشیتد پرس، دریاسالار مولن، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا گفته است: ایران به اندازه لازم اورانیوم غنی شده با درجه پائین دارد که اگر آن را تا ۹۰ درجه غنی کند، می تواند بمب اتمی بسازد. بدیهی است، برای منطقه و دنیا، بسیار بسیار بد خواهد شد هرگاه ایران به طرف ساختن بمب اتم پیش برود. او این ارزیابی را بعد از انتشار گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی در باره فعالیتها ایران، بعمل آورد.

● سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، روبرت وود می گوید: نمی توان گفت چه اندازه ایران اورانیوم غنی شده در اختیار دارد. نه تنها در بیرون حکومت که در حکومت اواما نیز بر سر میزان اورانیوم و زمان لازم برای ساختن بمب اتمی اختلاف نظر وجود دارد. گرچه من نمی گویم نظر دریاسالار مولن صحیح نیست اما می گویم ما نمی دانیم ایران چه اندازه اورانیوم غنی شده در حد پائین دارد.

● وزیر دفاع آمریکا، روبرت گیت که در همان برنامه CNN در باره وضعیت آمریکا شرکت کرده بود که دریاسالار مولن، تا آنجا که مولن رفته بود، نرفت و گفت: ایرانیان به تولید بمب اتمی نزدیک نیستند. هنوز زمان برای کوششهای دیپلماتیک در اختیار است. مسئله اینست که آیا ما می توانیم، باتفاق اروپائیان، میزان مجازاتها را بیشتر کنیم تا جایی که ایران بهای ادامه دادن به اجرای برنامه اتمی خود را قابل تحمل نیابد و اگر منصرف شد، بر رویش درب بکشیم یا خیر؟ اقبال موفقیت ما اینک که بهای نفت ۳۵ یا ۴۰ دلار است، بیشتر از زمانی است که بهای نفت بشکله ای ۱۴۰ دلار بود. زیرا دولت ایران را با مشکلات اقتصادی روبرو می کند و بهای اجرای برنامه اتمی اش را سنگین می کند.

● نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، سوزان رایس، در رادیو سراسری آمریکا گفت: گزارش آژانس بین المللی انرژی اتمی بیمی را تصدیق می کند که ما داشتیم: ایران اجرای برنامه اتمی خود را ادامه می دهد.

● علامتها در باره توان اتمی ایران نا یکسانند:

● در ۱ مارس ۲۰۰۹، آنتی وار ارزیابی کرده است که علامتهائی که آمریکا در باره برنامه اتمی ایران به جامعه جهانی می دهد، ناجور و آشفتگی آورند:

● معلوم نیست حکومت اواما می خواهد از مجرای دیپلماتیک وارد شود و یا بنا دارد همان سیاست حکومت بوش را پی بگیرد که متهم کردن و بر اساس آن، تهدید کردن است. در مدت کوتاهی که از حکومت اواما می گذرد، علامتهای ناجور این سان به دنیا داده می شوند.



● در گفتگو با CNN، دیاسالار مولن می گوید: ایران بقدر کافی اورانیوم غنی شده - در حد پائین - برای تولید بمب اتمی دارد، ساعتی بعد، در همان برنامه، روبرت گیت، وزیر دفاع آمریکا، اطمینان می دهد که ایران به تولید بمب اتمی نزدیک نیست.

● پیش از آن، کاخ سفید گفته بود: ایران یک «مسئله فوری» است و در پی آن، آژانس بین المللی انرژی اتمی گفت: غنی سازی اورانیوم ایران تحت نظارت این آژانس است.

● مقامات آمریکا می گویند: گزارش آژانس حاکی از آنست که ایران چون توانایی غنی سازی را یافته است و هم اکنون ۱۰۱۰ کیلو اورانیوم غنی شده در حد پائین دارد، می تواند بمب اتمی بسازد اما آژانس خود می گوید: ایران توانایی تولید بمب اتمی را ندارد. آژانس

تفتیش کرده و مطمئن شده است که اورانیوم غنی شده به مصرف دیگری نرسیده است.

### \* البرادعی ایران را فرا می خواند به همکاری تا وضعیت اتمی ایران از بن بست خارج شود:

◀ در ۲ مارس ۲۰۰۹، میدل ایست نیوز از وین گزارش کرده است: در اجلاس شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، رئیس آژانس، محمد البرادعی از ایران خواست تا آژانس همکاری کند تا وضعیت اتمی ایران از بن بست خارج شود. او که در آغاز جلسه شورای حکام سخن می گفت، او از علامتهایی ابراز خشنودی کرد که از بهبود روابط ایران با غرب حکایت می کنند.

البرادعی از سوره شکایت کرد که حاضر نیست وضعیت نیروگاه اتمی مخفی را روشن کند که در ۲۰۰۷ اسرائیل بمباران کرده است. او بدون این که مستقیماً از تصمیم حکومت اوپاما برای گفتگوی مستقیم با ایران سخن گوید، گفت: من امیدوارم تصمیم جامعه بین المللی به گفتگوی مستقیم با ایران، به حال بحرانی بیانجامد که بسیار دراز مدت شده است.

او به شورای حکام گفت: ایران در دادن پاسخ به پرسشهای آژانس در باره ماهیت برنامه اتمی، همکاری نکرده است. این ظن وجود دارد که فعالیتهای اتمی نظامی نیز بخشی از برنامه اتمی ایران را تشکیل می دهد.

دسترسی بیشتر به مقامات مسئول و محلهای استقرار تأسیسات اتمی و مدارک مورد نیاز هستند تا هر چه زود تر این اعتماد بدست آید که برنامه اتمی ایران تنها یک برنامه اتمی صلح آمیز است.

انقلاب اسلامی: با توجه به این امر که بحران اتمی در مظان تشدید است، «انتخابات» ریاست جمهوری، هم برای جناحهای رژیم و هم برای قدرتهای خارجی، واجد اهمیت شده است. هرگاه مردم ایران نیز بخواهند به دنیا بگویند صاحب اختیار کشور خود آنها هستند و به این بحران نقطه ختم بگذارند، می باید فرصت را برای تحریم رژیم مغتتم بشمارند:

## معامله ها؟

طرفداران او است که مردم را توجیه کنند و اطمینان بدهند هرگاه انتخاب شود، قاطعانه از حقوق مردم دفاع خواهد کرد.

یکچند از اعضای ستاد توضیح داده اند که این نوع توجیه نتایج منفی بیار خواهد آورد. زیرا اگر امروز می باید ملاحظه شورای نگهبان و چماقداران را بکنند، فردا می باید علاوه بر این دو، ملاحظه خامنه ای و سپاه پاسدار و نیروهای انتظامی و قوه قضائیه را هم بکنند. و چون با سپردن تعهد بر سر کار می آید، کمتر از دوران ۸ ساله استقلال رأی و عمل خواهد داشت.

آنها که پیش از نامزد شدن او گفته بودند پیشاپیش می باید شرطها را بکنند و استقلال رأی و عمل را مطالبه کنند، امروز بیشتر مصر هستند که هرگاه خاتمی این کار را نکند، نه روی رأی مردم که روی نیاز رژیم به خود می باید حساب کند. اما نیاز رژیم به او اینست که دو نقش، یکی نقش پوشش و دیگری نقش آلت مافیاهای نظامی - مالی را بازی کند.

موافقان روش کنونی خاتمی می گویند: او نمی تواند بیاید به مردم بگوید: به من رأی بدهید و اطمینان داشته باشید که این بار دیگر نمی گذارد خامنه ای در سیر تا بیاز امور مداخله کند و... اما اگر نمی تواند به مردم اطمینان بدهد، برای مردم جز این انگیزه نمی ماند که برای جلوگیری از انتخاب بدتر، احمدی نژاد، به کسی رأی بدهند که اگر نمی تواند مانع تبهکاری مافیاهای نظامی - مالی شود، خود در آن تبهکاری ها شرکت نمی کند. اما این دلیل نیز برانگیزنده نیست. زیرا هم بدتر که حکمت مافیاهای هستند بکار خود ادامه می دهند و هم مردم برای تبهکاری آنها پوشش بوجود می آورند و هم اراده تغییر دادن رژیم استبدادی به دولت حقوقمدار سست می شود. زیرا

ملنی که به خود جرأت آن را نمی دهد که به رژیم بگوید با تو مخالفم، به او اطمینان داده است که رژیم خیانت و فساد و جنایت را دائمی بیندارد و بدان مشغول بماند.

### \* نامزدهای اصلاح طلبان و موقعیتهای هریک از آنان:

◀ در حال حاضر، کروی می گوید کنار نمی رود. و هرگاه کنار نرود، اصلاح طلبان با مشکل دور قبل روبرو می شوند. آرای اصلاح طلبان تقسیم می شوند. علاوه بر این، هنوز وضعیت میر حسین موسوی مشخص نشده است. وضعیت کاندیداهای اصلاح طلبان به این شرح است:

● اگر موسوی نیاید و بین کروی و خاتمی قرار و مداری گذاشته شود به تریبی که کروی با گرفتن امتیاز، چند وزیر چند وزارتخانه، به نفع خاتمی کنار برود، خاتمی در برابر احمدی نژاد قرار می گیرد و ترس از بدتر سبب رأی دادن آنهاست که در دادن رأی شرکت می کنند، به او می شود. اما با وجود متصدی ستاد تبلیغاتی کروی شدن کرباسچی، تا حدی روشن شده است که جناح هاشمی رفسنجانی و کارگزاران از کروی حمایت خواهند کرد. اما میر حسین موسوی آمد.

● پس هرگاه معامله ای انجام بگیرد، معامله خاتمی با کروی و هاشمی رفسنجانی و دو حزب وابسته به این دو خواهد شد. اما اگر موسوی کاندیدا شود، و کروی حاضر به کنار گیری نباشد، آرای اصلاح طلبان سه بخش خواهد شد. یک بخش از آن کروی و یک بخش متعلق به خاتمی و یک بخش مال موسوی خواهند شد. این وضعیت بدترین وضعیت خواهد بود.

● موسوی نشان داده است که فردی بسیار ترسو است و بنا بر معروف، از خاتمی نیز ترسو تر است. چرا که حتی جرأت نمی کند حرف خود را به شکل قاطع بزند. به همین دلیل هنوز که هنوز است، نامزد شدن خود را کش می دهد. وضعیت موسوی به وضعیت کسی می ماند که برای ایجاد شکاف در میان اصولگرایان و کاستن از فشار آنها به خاتمی، می گوید: نامزد هستم اما وقتش که رسید اعلان می کنم.

بهر رو، هرگاه میر حسین موسوی بطور جدی وارد گود شود و کروی هم کنار نرود، وضعیت نامزدهای اصلاح طلب همان بدترین وضعیت خواهد شد. با این توضیح که کروی، با استفاده از حزب خود، ماههاست تلاش می کند در سطح کشور برای خود موقعیتی بهم بزند. حزب او در استانهای کشور خوب کار کرده است. بر خلاف خاتمی، او هم از دانشجویان حمایت کرده است و هم از درویش گنابادی و هم از ...

برخی ها می گویند خاتمی دارد زمینه را برای حضور موسوی آماده می کند. اصلاح طلبان در حال زمینه سازی برای آمدن موسوی هستند. اما طبق آخرین خبر، مسئول ستاد تبلیغاتی کروی شدن کرباسچی حاکی از آنست که کروی می خواهد در رقابت انتخاباتی بماند. منصرف کردن او به دادن امتیازهای بزرگ میسر است و دادن آن امتیازها نیز معلوم نیست در توان خاتمی و یا میر حسین موسوی باشد.

### \* «اصول گرایان» و نامزدهای بالفعل و بالقوه آنها:

◀ «اصولگرایان» نامزدی را که بتواند در مقابل خاتمی یا کاندیدای دیگر گروه اصلاح طلب پیروز شود، ندارند. در آخرین جلسه ای که «اصولگرایان» برگزار کردند، بر اثر درگیری میان احمدی نژاد و گروههای وابسته به هیات متولفه و جامعه اسلامی مهندسان، جلسه متشنج شد. و احمدی نژاد با تهدید سالن را ترک کرد و گفت: من احتیاجی به حزب و گروه ندارم و خودم انتخاب می شوم. هواداران احمدی نژاد خود را آماده انتخابات کرده اند و مدعی هستند صد در صد مطمئن هستند که احمدی نژاد رأی خواهد آورد.

احمدی نژاد با توجه به عملکردش موافقی در گروههای راست ندارد اما توان تخریب را دارد. اما وضعیت او خوب نیست: گزارش دیوان محاسبات در باره بودجه ۸۵ که توسط مجلس بررسی شد، بنفسه، حاکی از اینست که گرایشهای «اصول گرا» دارند برای احمدی نژاد می زنند. در آن گزارش، از برداشت غیر قانونی بیش از یک میلیارد دلار توسط حکومت احمدی

نژاد سخن رفته است. باوجودی که احمدی نژاد به تلویزیون آمد و گزارش را اشتباه آمیز توصیف کرد، اما در مجلس، «نمایندگان» علاوه بر صحیح ارزیابی کردن گزارش دیوان محاسبات، ۲۰۰۰ مورد عملکرد غیر قانونی از احمدی نژاد یافتند و اعلان کردند. این امر برای وی گران تمام خواهد شد. بخصوص که لاریجانی نیز در برابر گفته های وی در صدا و سیما، از «نمایندگان» حمایت کرد و گفت: گزارش کاملاً صحیح بوده است و غفلتی از سوی نمایندگان صورت گرفته است. لازم است بدانیم که لاریجانی شوهر خواهر مطهری است و علی مطهری گفته است: برای کاندیداتوری جناح اصولگرا با برخی دیگر صحبت کرده ایم. باید از احمدی نژاد عبور کنیم. به نظر می رسد که مخالفت با احمدی نژاد، از دو سو، یک سو هیات متولفه و سوی دیگر جمعیت ایثارگران تشدید خواهد شد. هر چند که گفته اند اگر خاتمی بیاید همه با هم به وحدت می رسند اما احمدی نژاد نشان داده است که با هیچ کس به وحدت نمی رسد. در آن جلسه هم، نمایندگان هیات متولفه به او گفتند: بر خلاف قرار و مدارهای قبل از انتخابات، شما همه دوستان خودتان را که صلاحیت هم نداشتند به سر کار آوردید.

جناح راست در معرفی کاندیدا تا به حال موفق نبوده است. درگیری میان آنان شدید است. احتمال اینکه یک نفر دیگر را کاندیدا کنند زیاد است. اما حمایت از احمدی نژاد به دلیل حمایت خامنه ای از وی می باشد. اگر نظر حزب بیت به سوی فرد دیگری تمایل پیدا کند قطعاً احمدی نژاد موفق نخواهد شد. به نظر می رسد که قالیباف گزینه ای است که جناح راست بر روی وی حساب باز کرده است.

قالیباف هم از سوی برخی از اعضای بیت خامنه ای حمایت می شود و هم از سوی برخی از نیروهای سپاه و هم تا حدی از سوی هاشمی رفسنجانی و در برخی موارد با اصلاح طلبان نیز هماهنگی هایی دارد.

### \* اسباب چینی های «اصول گرایان» بر ضد خاتمی و هر نامزد اصلاح طلب دیگر:

◀ «اصول گرایان برای خارج کردن خاتمی و هر اصلاح طلب دیگری از میدان رقابت، برنامه گذاری کرده است:

● سپاه و بسیج در تهران و شهرستانها، بیشتر در شهرستانها، مأمور شده اند که از هم اکنون زمینه اصلاح طلبان را خراب کنند. گرچه مطلبی که از قول نشریه صبح صادق، متعلق به سپاه، بر ضد خاتمی، انتشار یافت، با آن عرض و طول در این نشریه نبود و این نشریه آن مطلب را تکذیب کرد (در شماره پیش انقلاب اسلامی نقل شده است)، اما نه گردانندگان سپاه و بسیج بدون موضع و بی کار هستند. بخش سیاسی سپاه در انتخابات و در دیگر امور دخالت روز مراه دارد. این بخش، با شریعتمداری، گرداننده کیهان و چند گرداننده چند نشریه ارتباط دارد. وقتی شریعتمداری خاتمی را با بی نظیر بوتو مقایسه می کند و بعد از اعتراض، مدعی می شود قصدش هشدار دادن بوده است زیرا اصلاح طلبان ممکن است او را ترور کنند تا



که به قدرت برسند، نه بیهوده حرف می زند و نه بدون اجازه حرف می زند. او مأموریت آزمون کردن جامعه را انجام می دهد. او جامعه را آزمون کرد و جواب نگرفت. بعد از او، فاطمه رجبی خواست که حکم قتل خاتمی را صادر کنند و آزمون دیگری کرد اما هنوز هم جواب نگرفته است. اینها بیهوده حرف نمی زنند. اگر این تهدیدها را می کنند بخاطر آنست که می دانند نامزد اصول گرایان در برابر خاتمی بازنده است. هرگاه مثل انتخابات گذشته بخواهند دست به تقلب بزرگ بزنند، هزینه نظام بسیار سنگین خواهد شد. بخصوص که حالا با دستگاه اوایما و سیاست جدید او و اروپا روبرو است. تبلیغاتی که علیه خاتمی آغاز شده اند، میزان وحشت اصولگرایان را از پیروزی وی در انتخابات نشان می دهد. خود می دانند

● اولاً احمدی نژاد خوب کار نکرده است و ثانیاً خاتمی در نظر سنجی ها بیشتر از احمدی نژاد رأی داشته است و ثالثاً وضعیت چنان است که خاتمی یا کروبی و یا هر کس دیگر که در برابر جناح سرکوبگری قرار گیرد که بی کفایتی خود را در حل مسائل و کفایت خود را در ایجاد مسئله و بحران نشان داده است، رأی می آورد.

مقالات و اطلاعات منتشره توسط مطبوعات و تنظیم و انتشار اخبار و گزارشات توسط صدا و سیما، در هماهنگی، بر ضد اصلاح طلبان و نامزدهای آنها تبلیغ می کنند. علاوه بر این،

● اصول گرایان از هم اکنون در حال بستن فضای سیاسی جامعه هستند. در کار خنثی کردن هر عاملی هستند که احتمال می دهند ممکن است در جریان انتخابات به زیان آنان وارد عمل شوند: یک ماه پیش بسیج قرار شد که با تهاجم نرم برخورد کند. تهاجم نرم یعنی مقابله با وضعیت نامناسبی که توسط مردم ایجاد شود. شرکت مردم در انتخابات به سود هر فرد دیگر که در برابر «اصول گرایان» قرار گیرد، یک تهاجم نرم محسوب می شود. به همین دلیل است که تلاش دارند هر چه زودتر کلیه محل ها و گروههایی را که احتمال می دهند بسود اصلاح طلبان بکار روند و یا فعال شوند، به مهار خود در آورند.

● تهاجم به دانشجویان و زنان و ساسیون از جمله این « عملیات پیشگیرانه است. شدت سرکوب دانشجویان بی سابقه است. این بار، دانشجویان فعال و غیر فعال، ستاره دار و بی ستاره را دستگیر می کنند. زیرا می دانند که در جریان انتخابات، دانشجویان یا در تحریم انتخابات شرکت می کنند و یا برای فردی فعالیت می کنند که با نامزد «اصول گرایان» مخالف است. به همین دلیل دانشگاه باید سرکوب شود. کاری که با شدت تمام بدان مشغولند.

● به سرکوب داخلی قانع نیستند، در کار ساختن بحران خارجی نیز هستند. می خواهند تا فرصت دارند، از آن کمال استفاده را بکنند. اینها از این سو و تان باهو، از سوی اسرائیل، باز بر طبل جنگ می کوبند.

● خشونت آمیز کردن فضای انتخاباتی طرح دیگری است که «اصول گرایان» در دست اجرا دارند. قصد دارند وضعیت را به گونه ای در آورند که کاندیداهای اصلاح طلب نتوانند در شهرستانها دست به میتینگ های انتخاباتی بزنند.

## معامله ها؟

جز این نمی تواند بکند که مانع از ادامه ریاست جمهوری احمدی نژاد بشود، بهتر آنست که نامزد نشود و احمدی نژاد را از صندوق درآورند تا مردم یقین کنند می باید دست بکار چاره نهائی شوند.

همواره بحث بر سر این است که نمی گذارند رئیس جمهوری کار کند. حتی در مورد احمدی نژاد هم همین را می گویند. آیا برای بار سوم نیز خاتمی می تواند به این توجیه متوسل شود و بگوید: نمی گذارند کار کنیم؟

● طرفه این که در گفتگوی های خصوصی، خاتمی می گوید: اگر نیایم شاید کل نظام از بین برود! در علن نیز، به اشاره و صراحت این ادعا را می کند که برای رها کردن کشور از تنگنای خطر، نامزد ریاست جمهوری شده است. اما این دلیل خود گویای به بن بست رسیدن رژیم است. رژیمی که به بن بست رسیده است، چگونه توسط خاتمی قابل نجات است؟ اگر توان تغییر آرام آن را داشته باشد که خود عامل از میان برداشتن آن می شود و اگر نداشته باشد، رژیم در بن بست محکوم به سقوط شده است و ساقط می شود. کم نیستند ارزیاب کنندگانی که به این نتیجه رسیده اند که دیگر هیچ امیدی به حفظ رژیم نمی رود.

تگاهی به وضعیت دانشگاهها که بیندازیم، در می یابیم که رژیم به کار خود تخریبی شتاب بخشیده است: بسا در رژیم کسانی بودند و فکر می کردند دانشگاه را تسخیر کرده و قبل از انتخابات، دانشگاه را از نفس بیاندازند. به بهانه دفت شهید در دانشگاه امیر کبیر، طرح سرکوب خود را به اجرا گذاشتند. هنوز که هنوز است به خانه ها می ریزند و دانشجویها را توقیف می کنند. اما هر چه بر شدت سرکوب می افزایند، کمتر نتیجه می گیرند. حالا که می بینند کاری از پیش نمی برند، تلاش می کنند در جامعه بحران بزرگ بسازند. مثل دیوانه ها به جان درآویش و بهیابان و هر گروه اجتماعی که بتوانند برای او بهانه ای بتراشند، افتاده اند. اما جامعه بیش از آن نگران مسائل خویش است که بابت این ماجرا سازهایی جانیکارانه، در ترسی فلج کننده فرورود.

● اسفند ماه شد و این بار، رژیم در حمله به بنی صدر، نیازمند نقل قول رجوی شد! هرشب برنامه ای پر از دروغ پخش کرد. در ۱۴ اسفند، از مصدق یاد نشد، برنامه دروغ و ناسزا در باره بنی صدر پخش شد. وقتی سلطنت طلبها و دسته رجوی همه، همانگ با رژیم بنی صدر به تبلیغات پر دروغ و پرناسزای خود سپرده اند، یعنی این که هر سه جریان نگران حذف شدن از صحنه سیاسی ایرانند. حمله سه جانبه به بنی صدر او را پیش از پیش، در نظر مردم، نماد استقلال و آزادی می کند و به مردم ایران حالی می کند راه کدام است.

● از صحبتها یکی این صحبت است که رژیم توان تقلب بزرگ در انتخابات را ندارد. اگر بخواهد تقلب بزرگ کند، امکان وقوع «انقلاب مخملی» زیاد می شود. ترس از تکرار آنچه در اوکراین روی داد را رژیم روز مره بروز می دهد. آن را نیز یکی از دست آویزهای سرکوبگریهایش کرده است. مردم در کشور در حال غلیان هستند. کنترل مردم بسیار سخت

شده است. طرفداران خاتمی می گویند: روش های نظام برای کنترل مردم جواب نمی دهد. بهترین حالت تغییر آرام است. بنا بر این، بهترین گزینه در این زمان آمدن خاتمی است تا تغییرات را از درون ایجاد نماید و گرنه باید منتظر سرنگونی و انقلابی دیگر باشیم. با توجه به شرایط موجود مردم به هیچ وجه حاضر به حمایت از نظام در شرایط فعلی نیستند و اگر تیری در برود و کسی کشته شود آخر آن معلوم نیست و این همه نیروی بسیجی و سپاهی هم کاری از دستشان بر نمی آید.

انقلاب اسلامی: «انتخاباتی» که رژیم بدین سان تدارک می شود، نیاز به سرکوب شدید دانشجویان دارد:

از زمان پیروزی انقلاب، نظام مستبد ولایت به این می اندیشید که برای جلوگیری از جریان آزاد اندیشه در دانشگاهها چه روشی را انتخاب کند. خمینی شعار نزدیکی دانشگاه و حوزه را سر داد و هواداران استبداد نیز اعلام کردند که باید به سوی وحدت حوزه و دانشگاه پیش رفت.

اما همه می دانستند که وحدت از نظر نظام ولایت تعریفی دیگر دارد. به نظر آنها وحدت یعنی تابع بودن است و به همین دلیل بود که از همان ابتدا تلاش نمودند تا در وحدتی ولایتی دانشگاه را زیر سلطه ملاتاریا در آورند. زیرا متوجه بودند که خطر اصلی که متوجه استبدادشان است، دانشگاه است و شاید اصلی ترین محل جنبش خیز که رژیم استبداد ملاتاریا را به خطر می اندازد، دانشگاه است. از این رو، از آغاز، از دانشگاه وحشت پیدا کرد و این وحشت تا امروز، رو به ازدیاد بوده است.

در سال ۵۹، ولایت فقیه سازان که در حزب جمهوری اسلامی خانه کرده بودند، با استفاده از نیروهای سرکوبگر، دست به انقلاب فرهنگی زدند. آنها متوجه شده بودند که اگر با وجود باز و بکار بودن دانشگاهها، کودتای خزنده بر ضد بنی صدر، رئیس جمهوری منتخب مردم، با مقاومت شدید روبرو می شوند. به همین دلیل بر اساس مشورتهای انجام شده با یگانگان و خارجی های وطنی شده تعطیلی دانشگاهها را با برنامه ای که عناصری از حزب زحمتکشان بقائی و حزب جمهوری اسلامی - که حسن آیت وابسته به بقائی نقش اول را بازی کرد - و حزب توده به وجود آوردند. اگر خوانندگان به نشریات آن روزها مراجعه نمایند و متن نوار پیاده شده حسن آیت را بخوانند، از نقشه بستن دانشگاه و هدف آن مطلع می شوند. در می یابند چه نقشه هایی برای کودتا طرح و اجرا شده اند.

در جریان انقلاب فرهنگی که به دستور خمینی و به کارگردانی دستیاران او انجام شد صدها استاد و

دانشجو به جرم دگر اندیشی و جانبداری از استقلال و آزادی، اخراج و یا زندانی شدند. با انجام انقلاب فرهنگی، رژیم خمینی با خیالی آسوده از عدم حضور دانشجویان و بسته بودن دانشگاهها و وجود جنگ، بر ضد رئیس جمهوری دست به کودتا زد. در جریان کودتا و سرکوب های بعد از آن، هزاران نفر را در زندانها شکنجه و به اعدام محکوم کرد. مراجعه به نشریات ماههای خرداد تا دیماه سال شصت نشان می دهد که جانیکاران و کودتاگران چگونه و به چه اتهاماتی دانشجویان و مردم را روانه میدانهای اعدام می کردند. آن مدارک، تاریخ جنایت رژیم ولایت فقیه را تشکیل می دهند و اعدام شدگان نزد نسلهایی که می آیند، شهادت می دهند که استبدادهای ایدئولوژیک بدترین استبدادها هستند. اما استبداد دینی دو جنایت است یکی جنایت دین را توجیه گر استبداد کردن و دیگری بنام دین جنایت کردن و خون استبدادها را بر زمین ریختن.

بعد از کودتا، در سال ۶۲، وقتی خاطر خویش را آسوده گمان بردند، با یکدیگر کردن بسیاری از استادان با روحانی نماها و افراد وابسته، دانشگاهها را باز کردند و با شرایطی بسیار سخت، شروع به جذب دانشجوی کردند، تصورشان این بود که کار رژیمهای روسیه و بعضی های سوریه و عراق را در ایران تکرار کرده اند و برای همیشه خیال خود را از دانشگاه و دانشجویان آسوده اند.

برای اینکه خیال رژیم از دانشگاهها آسوده کند، برای کنترل دانشگاهها، هزاران نفر را به صورت نیروهای انتظامی - حراستی و نظارتی وارد دانشگاهها کرد. اما با وجود تمام تمهیدها دانشجویان، به استقامت ایستادند و خود را از زیر بار استبداد ملاتاریا خارج کردند.

مأموران استبداد که متوجه حرکت دانشجویان شده بودند، بعد از پایان جنگ، با گرفتن سهمیه ۴۰ درصدی سعی کردند با استفاده از سهمیه ایها کنترل خود را بر دانشجویان شدت بخشند. هم اکنون، بیش از ۷۰۰ هزار دانشجویی به اصطلاح بسیجی در دانشگاههای کشور حضور دارند.

اما با وجود ایجاد ۱۸ سازمان سرکوب و کنترل و حضور بسیجی و چماقدار در دانشگاهها، نتوانستند از وسعت گرفتن حرکت دانشجویان جلوگیری کنند. به تدریج انجمن های اسلامی دانشگاهیان و دانشجویان متوجه می شدند که دین با رژیم استبدادی سازگار نیست و اصلاحی که ماهیت رژیم را تغییر دهد، فریبی بیش نیست. جریان آزاد شدن دفتر تحکیم وحدت از ولایت مطلقه فقیه، همراه شد با جنبش دانشجویی وسیعی تر دانشجویان. مقابله با استبدادی به نام ولایت مطلقه فقیه، اجتناب ناپذیر شد و دانشجویان خود را جهت مقابله با آن آماده ساختند. در دوران هشت ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، دانشجویان در برخی از اجتماعات بر ضد حکومت وی شرکت داشتند. در بسیاری از میتینگ های گروههای سیاسی شرکت می کردند با وجودی که مورد حمله چماقداران «رهبر» و هاشمی قرار می گرفتند از خواست های خود دست بر نمی داشتند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶، دانشجویان فرصت را برای

در صفحه ۸

## رویارویی رژیم مافیای که رفتنی است با دانشگاهها که ماندنی هستند:



وارد کردن شکست سخت به خامنه ای و ولایت فقیه مغتنم شمردند. آن زمان، خامنه ای و هاشمی رفسنجانی و دستیارانشان، بخصوص فلاحیان، در دادگاه میکونوس محکوم شده بودند. در روسیه، به یمن سیاست گریز یافتند. رژیم آن کشور تغییر کرده بود. دانشجویان و بسیاری دیگر بر این باور بودند که خاتمی نقش گریز را در رژیم ولایت مطلقه فقیه بازی خواهد کرد. در عوض، با قتل های سیاسی که رژیم «قتلهای زنجیره ای» شان خواند و بستن مطبوعات و جنایت رژیم در ۱۸ تیر، در دوره خاتمی و حکومت او، و رویه خاتمی و حکومت او، دانشجویان را با واقعیت روبرو کرد. ۱۸ تیر، جنبشی شد که مردم بندریج به آن می پیوستند. هرچند رویه خاتمی، به رژیم فرصت و امکان سرکوب را بخشید، اما ۱۸ تیر پیروزی دانشجویان شد چرا که بی حاصلی طرحهای بعمل در آمده رژیم را، در یک دوران ۱۸ ساله، مسلم گرداند. از آن زمان، ابتکار عمل در دست دانشجویان قرار گرفت و همچنان در دست دانشجویان است. موفقیت دانشجویان در خارج کردن ابتکار عمل از دست رژیم و در دست خود قرار دادن آن، سبب شد که قشرهای دیگر جامعه همان روش را در پیش بگیرند. امروز، زنان و معلمان و کارگران و بازاریان، ابتکار عمل بدست آورده اند. رژیم در عرصه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، واکنش گشته است. در قلمرو اقتصاد، با آنکه مردم تابع دولت هستند، طرح احمدی نژاد می گوید که رژیم دارد ابتکار عمل را از دست می دهد.

هنوز شعار دهها هزار نفری مردم در خیابانهای ولی عصر - فاطمی و کارگر در گوش جنبانکاران طین انداز است. زمانی که رحیم صفوی خط قرمز نظام را خیابان انقلاب به پایین معرفی کرده بود وحشت نظام و ملاتاریا را از دانشجویان و مردم، آشکارا اعلان می کرد.

اما رویه خاتمی و همکاران او در قبال جنبش، منجر به سرکوب شدید دانشجویان شد. بعد از آن، نه استمالت خاتمی و نه گریه های خامنه ای مانع از فاصله گرفتن دانشجویان از رژیم شدند. تا آن جا که در آخرین روزهای حکومت خاتمی، دانشجویان، بهنگام حضور خاتمی در دانشگاه، با او چنان برخورد کردند که خود خاتمی هم از رفتن به دانشگاه پشیمان شد.

از آن به بعد بود که بار دیگر دانشگاههای کشور خاستگاههای جنبش برای استقلال و آزادی شدند. هر سیاستمداری برای کسب اعتبار تلاش می کرد به دانشگاه و دانشجویان نزدیک شود. اما این بار دانشجویان دیگر فریب هیچ مقامی را نخوردند. در دانشگاه ها کسانی اعتبار می جستند و می جویند که در برابر ولایت مطلقه فقیه می استاندند و یا می ایستند.

### \* دفن «شهدا» در دانشگاهها و هدف رژیم از این عمل:

در دوران احمدی نژاد و حکومتش که خود را خاک ریز ولی مطلقه می داند، دانشجویان مخالفت خود را با رژیم تشدید بخشیدند. حرکت های آزادیخواهانه دانشجویان در کلیه شهرهای بزرگ کشور، برضد مستبد کوچک، منجر به حضور گسترده نظامیان در دانشگاهها گشت. در جریان ۱۸ تیر، قانونی تصویب شد که به نیروهای نظامی اجازه ورود به

## معامله ها؟

رژیم و حزب مسلح حامیش بنا دارند هر روز به بهانه ای برای برگزاری مراسم در دانشگاهها حضور یابند و در عین حال دستی نوازشی هم بر سر برخی از دانشجویان، به قول مصباح یزدی، کافر و فاسد بکشند که چرا در کنار آرامگاه معطر شهدا درس می خوانند و به عوض آنکه در فکر حمایت از نظام ولایت فقیه و حزب الله لبنان و حماس باشند، به ایرانی مستقل می اندیشند که در آن، ایرانیان از آزادی برخوردار باشند.

چون قصد رژیم بر دانشجویان آشکار بود، جنبش دانشجویان شدت بیشتری به خود گرفت و دانشگاههای شهرهای دیگر از جمله شیراز و اصفهان و تبریز و مشهد و ... با نیروهای سرکوب رژیم، درگیر شدند.

### \* یورش به دانشگاه امیر کبیر که یادآور ۱۶ آذر و ۱۸ تیر است:

رژیم که ابتکار عمل را از دست داده است، در وحشت از دانشگاه تلاش می کند از راه تخلیه انرژی دانشجویان، بلکه دانشگاهها را به مهار در آورد. از این رو، خود دست به اقدامات تحریک آمیز بزند تا دانشجویان را وادار به درگیری کند. با دست آویز کردن درگیری، دست به سرکوب شدید بزند و توان جنبش کردن را از دانشجویان بستاند.

دانشگاه امیر کبیر از جمله دانشگاههایی بود که فتح آن برای رژیم بسیار اهمیت داشت. زیرا در اولین حضور احمدی نژاد در این دانشگاه، بلاپی بر سر دیکتاتور کوچک آمد که نه او و نه رهبر او انتظارش را نداشتند. باور نمی کردند دانشجویان اینگونه از نماینده ولی فقیه استقبال کنند. در همان روز بود که دانشجویان عکس احمدی نژاد را به آتش کشیدند. شیوه مبارزه و مخالفت با احمدی نژاد در دانشگاه امیر کبیر، تمام نیروهای سرکوبگر را واداشت تا از همان زمان برنامه فتح این دانشگاه را در پروژه کاری خود قرار دهند.

چند ماه بعد از آن بود که با مشورت با حسین شریعتمداری و دیگر طراحان طرح های ضد آزادی، تعدادی نشریه دانشجویی را در چاپخانه روزنامه کیهان به چاپ رساندند و توسط بسیجی ها منتشر ساختند که در آن توهین هایی به رسول اکرم و ولی دیکتاتور شده بود. برنامه شان این بود که به بهانه این نشریه مجعول، دست به دستگیری دانشجویان این دانشگاه بزنند. اما آشکار شدن طرح و شناسایی شدن طراحان، دانشجویان جعل و انتشار نشریه بر همه دانشجویان و نیز بر ایرانیان مبارز خارج از ایران، آشکار کردند و به مقاومت ایستادند. توطئه رژیم فاش شد و دخالت حسین شریعتمداری و دستیاران او در روزنامه کیهان و بسیج در انتشار نشریه مجعول، آبروی نداشته ولی فقیه و مشاوران وی را بیش از پیش، برباد داد.

دانشجویان دیگر دانشگاهها به دفاع از دانشجویان دانشگاه امیر کبیر که به ناحق دستگیر و شکنجه شده بودند، پرداختند. کار به آنجا کشید که کلیه اعضای دفتر مرکزی دفتر تحکیم وحدت را که برای آزادی دانشجویان امیر کبیر در برابر ان دانشگاه تجمع

کرده بودند، دستگیر کردند و به زندان بردند.

دستگاه خامنه ای برای به تسلیم واداشتن دانشجویان دست به هر کار، از جعل نشریه تا اتهام های اخلاقی و وابستگی به امریکا و اسرائیل و دریافت پول از خارجیان و به خصوص از امریکاییان و اسرائیلیان، زده است و می زند. اما هرگز هر بار، ساختگی بودن اتهامش آشکار و رسوائیش بیشتر و علم دانشجویان بر ضرورت تغییر رژیم بیشتر شده است.

در بحبوحه مراسم ۱۶ آذر ماه سال گذشته بود که اجتماعات گسترده دانشجویان در تهران و شهرستانها به گونه ای برگزار شدند که رژیم به هیچ وجه قادر به جلوگیری از آنها نشد. مراسم امسال روز دانشجو و نیز ادامه درگیری های دانشجویان به دلیل خواست های صنفی وضعیت را در دانشگاههای شیراز و اصفهان نیز به شدت متشنج کرد. این تشنج عیان کرد که در دانشگاهها، رژیم «موضع دفاعی» دارد. هجومهای مستمر رژیم به دانشگاه، به دانشجویان آموخت که جنبشی که تمامی دانشجویان و بخشی از دانش آموزان در آن شرکت کنند، فرو خواباندنی نیست و هرگاه جنبش بر آن شود که دولت ولایت مطلقه زور را با دولت برگزیده ملت و عامل به حقوق جانشین کنند، کسی جلودار آنها نخواهد شد. لذا به این فکر افتادند که تا قبل از اینکه انتخابات ریاست جمهوری دور آینده برگزار شود، تکلیف دانشجویان را معلوم کنند. و با قرار دادن یکی از سران انقلاب فرهنگی که در راس امور دانشگاه، جو دانشگاه ها را هرچه خفقان آورتر کند. ناکفته نماند که در انقلاب فرهنگی سال ۵۹ - که با حمایت نفوذی های انگلیس و امریکا و شوری سابق به اجرا در آمد - افرادی چون اسرافیلیان و حسن آیت و «دانشجویی» چون احمدی نژاد و کسانی مثل علی محمدی و هاشمی ثمره و... دخالت داشتند. این افراد، در حال حاضر، در رأس کارها هستند. با «انتخاب» احمدی نژاد به ریاست جمهوری، دانشجویان احساس کرده بودند که دانشگاهها به سمت انقلاب فرهنگی دوم در حرکت است.

در همین سالها بود که «وزیر» آموزش عالی با برنامه ریزی ای خاص و به صورت پوشیده طرح تصفیه استادان و دانشجویان و جلوگیری از ادامه تحصیل برخی از دانشجویان را تهیه و به شکل مخفی به اجرا در آورد. اما طرح او افشا شد و برغم بازنشسته و اخراج کردن استادان و محرومیت از تحصیل دانشجویان، «انقلاب فرهنگی دوم» به شکست انجامید.

رژیم ولایت مطلقه فقیه، در ابتدای بر سر کار آمدن احمدی نژاد، تلاش نمود تا با ایجاد گروههای جعلی دانشجویی مانند جامعه اسلامی دانشجویان، مانع از حرکت شفاف و آزاد دانشجویان شود. اما موفق نشد و بار دیگر دست به همان کاری زد که سالها تجربه کرده و نتیجه از آن نگرفته بود: ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان. از ماهها قبل، طرح حمله به دانشگاه امیر کبیر را آماده کرده بودند. دنبال بهانه و فرصت بودند. شکست مک کین در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، رژیم را طرف

خارجی لازم برای ادامه دادن به بحران و بسا تشدید آن محروم کرد. انتخابات ریاست جمهوری برایش اهمیت بیشتر یافت. پس به خیال خود، بر آن شد فرصت را برای از حرکت انداختن دانشجویان مغتنم بشمارد. می باید بهانه ای می ساخت. لذا دست بکار دفن شهدا در دانشگاه امیر کبیر شد و این عمل را بنحوی تحریک آمیز انجام داد. اعتراض دانشجویان همان و انداختن قوای سرکوب به جان دانشجویان همان. طرفه این که پیکرها را از عراق به دست آورده اند و مسئول عراقی این جستجو گفته است نمی داند که این استخوانها از آن سربازان ایرانی هستند یا سربازان عراقی.

حمله به دانشگاه سازمان یافت. چماقداران، به بهانه دفن شهدا، با پیش قراولی مداحان در خدمت رژیم، به سمت دانشگاه امیر کبیر حرکت کردند. با وجود تحصن دانشجویان در مخالفت با دفن پیکرها، به زور وارد دانشگاه شده و با ضرب و شتم و دستگیری دانشجویان توانستند میخی بر تابوت شهدای جنگ در این دانشگاه بزنند.

داستانی است که یکی از مداحان می سرود: لا اله الا زهرا - علی مالک یوم الدین - حسین ایاک نعید و مهدی ایاک نستعین. رژیم این کفر گویی را ماست مالی کرد. حال آنکه اگر دانشجویی چنین کفری را بر زبان می آورد، اعدام وی احتمالاً قطعی بود.

چماقداران، بعد از حضور در دانشگاه، برای پراکندن دانشجویان این دانشگاه از نیروهای انتظامی و سپاه استفاده و دهها دانشجو را بعد از ضرب و شتم شدید دستگیر و روانه زندان کردند. به دنبال این وحشیگری، دانشجویان امیر کبیر و دانشگاههای دیگر اعتراضات خود را گسترش دادند. در درگیری هایی که مجدداً پیش آمد تعداد دیگری از دانشجویان دستگیر و روانه زندان شدند.

رژیم خود را با حرکتی مشابه ۱۸ تیر روبرو می بیند. هرگاه اجرای طرحهایش به خفه و خاموش کردن دانشگاهها نینجامد، این رژیم است که پیش از «انتخابات» و در جریان آن، گرفتار ضعف مفرط می شود و از موضع ضعف، در برابر مردم ایران قرار می گیرد.

## دخالت سپاه، حزب سیاسی مسلح در انتخابات - ۲

گفته های سعیدی که نمایندگی «رهبر» را در سپاه بر عهده دارد در باره چگونگی عملکرد این نیرو در امور مختلف نظامی - اقتصادی - سیاسی - فرهنگی - امنیتی و گفته های طائب در مورد بخش های مختلف این حزب که در ادامه خواهد آمد، حاکی از آنند که دولت در دست سپاه است. با وجود این، سپاه چگونه می تواند در «انتخابات» دخالت نکند؟

این حزب مسلح نظامی و فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و امنیتی، بنا بر «منویات رهبری» که خود فرماندهی کل قوا را در اختیار دارد،

در صفحه ۹





## معامله‌ها؟

در امور دولت دخالت می‌کند. چرا که خود را حافظ دستاوردهای نظام ولایت می‌داند. خوانندگان حتماً از فتوای جدید «رهبر» و دستور وی به فرمانده سپاه جهت برخورد با تهاجمات نرم فرهنگی آگاه هستند. بنا بر دستور او، بسیج مسئولیت برخورد با حرکات و تهاجمات نرم را عهده دار شده است.

در گفته‌های برخی از سیاسیون، در بحبوحه فعالیت‌های «انتخاباتی»، معمولاً از «حزب پادگانی» سخن به میان می‌آید. شکل سازمانی حزب مسلح را به شکل زیر ترسیم می‌کنیم:

اما قبل از این کار، گفته‌های خیمینی را می‌آوریم تا شاید نظامیان بدانند که اگر به آنها دستور ورود به صحنه انتخابات داده شده است، خلاف «امر امام» آنها است. اگر اعتقاد به امام خودشان دارند، بدانند که خامنه‌ای و اعضای حزب مسلح کاملاً در خط خلاف نظر خیمینی عمل می‌کنند.

دولت را به تصرف سپاه در آوردن و دخالت دادن سپاه در انتخابات، برای سپاه بمنزله یک سازمان نظامی پر زبان و غرق کردن در فساد است و برای استقلال کشور خطرناک و برای برخورداری ایرانیان از آزادی و حقوق خویش خطرناک تر است چرا که نسلی را از رشد و آینده درخور محروم می‌کند. خیمینی می‌گوید:

«برای سپاهی‌ها جایز نیست که وارد بشوند به دست‌بندی و آن طرفدار آن یکی، آن یکی طرفدار آن یکی، به شما چه ربطی دارد که در مجلس چه می‌گذرد؟ در امر انتخابات مجلس باز هم به من اطلاع دادند که بین سپاهی‌ها باز صحبت است. خوب انتخابات در محل خودش وارد می‌شود. به سپاه چه کار دارد که آنها هم اختلاف پیدا کنند؟ برای سپاه جایز نیست. برای ارتش جایز نیست. سپاهی را از آن تهدی که دارد و از آن مطالبی که به عهده اوست باز می‌دارد و همین طور ارتش را... ما باید فکر کنیم که این مطالبی که می‌خواهیم بگوییم آیا به صلاح کشورمان هست؟»

### \* ساختار حزب مسلح

● فرمانده و رییس و فرمانده کل و بانی و بنیانگذار و... حزب مسلح کسی نیست به جز خامنه‌ای. بدستور او - که بنوبه خود آلت فعل مافیاهای نظامی - مالی است -، کلیه نیروها در انتخابات دخالت می‌کنند. دخالت آنها چند وجه است:

- ممانعت از ورود برخی کاندیداها به انتخابات. به دو شکل قانونی و غیر قانونی.

- نظارت بر تأیید کاندیداها توسط اطلاعات کسب شده از نیروهای نظامی و امنیتی و اطلاعاتی و بسیجی توسط هیات نظارت منتخب شورای نگهبان

منتخب رهبر.

- نظارت بر صندوق‌های رای توسط نیروهای نظامی و نمایندگان شورای نگهبان منتخب رهبری.

- تأیید صندوق‌های رای توسط شورای نگهبان منتخب رهبری.

- فراهم آوردن آرای بیش از حد در پادگانهای نظامی به دستور رهبری.

- شرکت چند باره نیروها بدون توجه به قوانین شرکت در انتخابات به خصوص در پادگانهای سپاه و بسیج و

نیروی انتظامی... که معمولاً نیازی به شناسنامه نیست. به عنوان مثال، در

پادگانهای سپاه در تهران و اصفهان در هنگام انتخابات احمدی نژاد به دستور

فرماندهان منتخب رهبری چند برابر افراد، رأی به صندوقها ریخته شد.

- ابطال برخی از صندوق‌های رای با توجه به نیاز و شناسایی محل صندوق

. یک نمونه آن ابطال صندوقهای رأی بود که رجایی را نماینده مجلس ششم نموده بود. بقصد آوردن حداد عادل به جای وی از طریق شورای نگهبان که منتخب رهبری است.

- حمایت همه جانبه از کاندیدایی که مورد نظر رهبری است با کلیه امکانات مالی و غیر مالی.

- و... ● بعد از فرماندهی کل قوا که قانوناً بر کل نیروهای نظامی، فرماندهی را دارد و نیروهای نظامی حزب مسلح مطیع وی می‌باشند گروه دوم قرار دارد:

این گروه شامل مسئولان سیاسی و نظامی و روحانی و قضایی و... می‌باشد که در زیر مجموعه رییس حزب مسلح بشمارند و به امور مختلف مشغول هستند از جمله:

- بخش روحانی که معمولاً از روحانیون مورد اعتماد فرمانده کل قوا و رهبر حزب مسلح تشکیل می‌شود.

روحانیان مأمور به اموری مشغول هستند که رهبر حزب تعیین می‌کند:

- اصغر میر حجازی رییس بیت رهبری و عامل ارتباط با کلیه نیروها.

- مجتبی خامنه‌ای فرزند خامنه‌ای و از افراد بسیار مهم در حزب مسلح.

- احمد جنتی دبیر شورای نگهبان. همه کاره در اجرای منویات رهبری در انتخابات.

- نوری همدانی رابط فرماندهان سپاه با قسمت دشمن شناسی.

- مصباح یزدی رابط فرماندهان سپاه با پست‌های اهدایی.

- خزعلی رابط نیروهای نظامی با دایره تدارک فرج امام زمان.

- علی سعیدی رابط نیروهای حزب مسلح با «مقام رهبری»

- ریشه‌ری رابط مقام معظم با نیروهای تروریستی در داخل کشور و مسئول اعزام نظامیان به مراکز زیارتی مانند مکه - نجف - کربلا - سوریه - و...

- حسین طائب رییس بسیج و معاون علی فلاحیان در دوران وزارت وی با نام مستعار احمدی وی در حال حاضر مسئول سرکوب مردم به بهانه تهاجم نرم است.

● بخش فرماندهان نظامی که از اعضای حزب مسلح هستند که برخی از آنها عبارتند از:

- سردار محمد علی جعفری فرمانده سپاه پاسداران.

- رحیم صفوی مشاور ارشد نظامی رهبری و فرمانده سابق سپاه پاسداران.

- غلامعلی رشید معاون فرماندهی سپاه پاسداران.

- سردار حسن فیروز آبادی رییس ستاد مشترک - سردار محمد حسین زاده حجازی جانشین فرماندهی سپاه و فرمانده سابق بسیج - سردار محمد باقر ذوالقدر از معاونان فرماندهی سپاه که زمانی معاون وزارت کشور بود.

- سردار مجتبی ذوالنور جانشین نماینده رهبری در سپاه پاسداران و فرمانده سپاه ویژه امام صادق.

- سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی.

- سردار رادان جانشین فرمانده نیروی انتظامی - سردار ذوالفقاری از معاونان

فرماندهی نیروی انتظامی. - سردار شمشیری از فرماندهان مورد تأیید دبیر کل حزب مسلح. - سردار عراقی فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران.

- سردار قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای ویژه قدس. - و...

● نیروهای بخش سیاسی این حزب که معمولاً از افراد مورد تأیید خامنه‌ای هستند از جمله عبارتند از:

- علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی.

- حبیب الله عسگر اولادی از بزرگان هیات مؤتلفه

- محمد رضا باهنر معاون مجلس شورای اسلامی و از اعضای جامعه اسلامی مهندسين.

- اسدالله بادمچیان معاون هیات مؤتلفه و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

- علی دارابی معاون صدا و سیما و از اعضای بلند پایه جمعیت ایثارگران.

- حسین فدایی نماینده مجلس و از اعضای ارشد جمعیت ایثارگران.

- مرتضی نبوی از بزرگان جناح اصولگرا و هیات مؤتلفه.

- و... ● گروههای فوق بعد از مقام رهبری در رده بعدی اعضای حزب مسلح قرار دارند و کلیه امور را سازماندهی می‌کنند. ناگفته نماند که بیت رهبری نقش روابط عمومی حزب را برعهده دارد.

● بخش زیر مجموعه حزب مسلح عبارت است از چند گروه مسلح و امنیتی که هر کدام دارای نیروهای حقوق بگیر و آگاه به امور حزبی هستند از جمله:

- نیروهای رسمی و قرار دادی سپاه پاسداران که خود را مطیع رهبری می‌دانند البته در میان این نیروها هستند افرادی که در این گروه قرار نمی‌گیرند و مطیع امر ولایت نیستند. با توجه به گفته‌ها و آمار تقریبی این گروه و اعضای گروه مقاومت بسیج که معمولاً رسمی هستند به نظر می‌رسد که حدود ۶۰۰ هزار نیرو در کل باشند.

- نیروهای مقاومت بسیج از جمله نیروهایی هستند که توسط کادر مرکزی سپاه پاسداران در این گروه قرار گرفته‌اند و مسلح می‌باشند و سرپرستی گروههای بسیجی را برعهده دارند.

- نیروی انتظامی از جمله نیروهایی که تحت امر فرماندهی کل قوا است و افراد خود را از سپاه پاسداران و مقاومت بسیج تأمین می‌کند.

- بسیج نیرویی که می‌توان نام آن را سپاهی لشکر نهاد که خود را زیر مجموعه سپاه پاسداران می‌داند و در عین حال تحت نظر مقاومت بسیج در امور مختلف شرکت دارد و خود را واسطه نیروهای نظامی و مردمی می‌داند.

گروه سپاهی لشکر این نیرو که به بسیج معروف است و از گروههای مختلفی بر اساس ساختار یک حزب کامل تشکیل شده است و با تمام امکانات مالی و سیاسی اقتصادی تلاش دارد تا دست به جذب نیروهای بیشتری بزند. دورتر طرز کارش را شرح خواهیم داد. این گروه تحت امر فرماندهان نظامی دست به تشکیل گروههای مختلفی زده‌اند که به راستی همانند حزب عمل می‌نمایند.

بسیج یکی از بخش‌های مختلف این نیرو است که عامل اصلی کنترل مردم در شهرها است. این نیرو بنا به دستور دبیر کل حزب مسلح به تازگی مسئولیت مبارزه با تهاجمات نرم را نیز عهده دار شده است. تهاجم نرم یعنی هر گونه حرکت مردمی که جهت تغییر در اوضاع و احوال کشور باشد.

برای مقابله با تهاجم نرم، نیروهای بسیج دست به مانورهای بسیار گسترده ای در شهرهای کشور زده‌اند و هر چه به انتخابات نزدیک تر می‌شویم حضور آنها در ملاء عام پررنگ تر می‌شود.

● در زیر مجموعه بسیج نیروهای هوادار قرار دارند که از مستضعف ترین و سستی ترین قشر جامعه تشکیل شده‌اند که زیر مجموعه نیروهای سپاهی لشکر را تشکیل می‌دهند و در اموری مانند راهپیمایی‌ها - اطلاعات گیری - تظاهرات و... شرکت دارند.

زیر مجموعه‌های بسیج بنا به گفته حسین طائب ۳۲ بخش را تشکیل می‌دهد که به معرفی برخی از آنها می‌پردازیم:

● سیدی جانشین رهبری در سپاه پاسداران در مورد حضور بسیجیان و اینکه گسترش آنان جامعه را امنیتی می‌کند چنین می‌گوید: «نیروی مقاومت و بسیج دو نهاد مجزا از هم هستند ضمن آنکه گفته شد سپاه هم یک نهاد صرفاً نظامی محسوب نمی‌شود. با این حال بسیج هم ماهیتی مستقل دارد. یعنی ممکن است یک فردی عضو بسیج باشد اما اصلاً نه آموزش نظامی دیده باشد و نه یک بار سلاح به دست گرفته باشد. مثلاً یک عکاس، نویسنده، استاد دانشگاه و طلبه و دانشجو می‌تواند بسیجی باشد بدون آنکه کوچک ترین سابقه نظامی داشته باشد. ولی نیروی مقاومت بسیج جزئی از سپاه پاسداران محسوب می‌شود و طبعاً برای آنان وظیفه نظامی هم تعریف می‌شود. اما بسیجیان با سه وضعیت متفاوت عادی، فعال و ویژه در خدمت فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی جامعه قرار دارند و می‌توانند در صورت تمایل در سپاه و نیروی مقاومت نیز خدمت کنند.»

برای روشن شدن وضعیت نیروهای بسیجی که در حال حاضر در پناه سپاه پاسداران قرار است که کنترل خود را در قبال مردم که احتمال دارد دست به تهاجم نرم بزنند باید اضافه کرد که این نیرو که بخش اعظم نیروهای حزب مسلح را تشکیل می‌دهد حدود ۶۰ هزار مرکز تبلیغاتی را با کلیه امکانات در اختیار دارد. این مراکز که زمانی محل عبادت مردم بود و مسجد نام داشت اینک در اختیار نیروهای بسیج و مقاومت بسیج قرار گرفته‌اند.

تعداد و میزان قدرت این مراکز در کشور بسیار و بسیار بیشتر از کل داشته‌های کلیه گروهها - احزاب - جمعیت‌ها و... است. زیرا حزب مسلح برای تحمیل هژمونی خود از سویی و نیز برای کنترل کل کشور از سوی دیگر و همچنین سرکوب مردم نیاز به مراکز زیادی دارد که هم اینک در اختیار «مقام معظم رهبری» قرار دارد. ناگفته نماند که بسیاری از این مساجد بعد از انقلاب تبدیل به انبار مهمات محلی و

نیز زندانهای خصوصی شده‌اند تا نیروهای نظامی سرکوبگر به راحتی توان اقدام در هر کوی و برزنی را در مقابله با مردم در اختیار داشته باشند.

به تازگی خامنه‌ای از حکومت خواسته است تعداد این مراکز را افزایش دهد و قرار است که حکومت ۴۰ هزار مسجد دیگر را آماده نماید.

این بزرگترین حزب موجود در کشور علاوه بر داشتن کلیه امکانات از دارایی‌های مالی بسیاری نیز برخوردار است و در واقع کل دارایی‌های کشور که متعلق به «رهبر» است در اختیار افراد این حزب قرار دارند.

بسیج بازوی حزب مسلح مانند احزاب دیگر دارای بخش‌های مشخصی است که به دلیل دارا بودن امکانات توانایی بسیار بالایی نسبت به دیگر احزاب برای جذب نیرو با توجه به واگذاری امتیازات دارد. در زیر یکچند از مجموعه‌های بسیج معرفی می‌شوند:

- بسیج دانشجویی: نیرویی که در کلیه دانشگاهها از سوی این حزب تعیین شده است که در واقع می‌توان به آن بخش جوانان حزب مسلح گفت کار این نیروها در دانشگاهها کنترل دانشجویان و نیز برگزاری مراسم خاص و مورد نیاز حزب مسلح می‌باشد.

- بسیج دانش‌آموزی: این گروه از دانش آموزان در واقع کار همان بخش نوجوانان حزب مسلح را انجام می‌دهد که دو کار همزمان را انجام می‌دهند هم جاسوسی معلمان وهم جاسوسی همکلاسی‌های خود.

- بسیج ورزش و تربیت بدنی: نیروی بسیج برای کنترل ورزشکاران و نیز داشتن تیم‌های ورزشی جهت تبلیغ و جذب جوانان دست به ایجاد این بخش در درون خود زده است.

- بسیج خواهران: این بخش هم مانند بخش زنان احزاب و گروهها عمل می‌کند. کار آنها شرکت در تجمعات علیه زنان آزادیخواه و نیز آماده شدن جهت ورود به نیروهای انتظامی زنان و نیز بازجویان زن و زندانبانان زن و برخی اوقات برای شرکت در مقابله با حرکات دانشجویی به خصوص دانشجویان دختر در دانشگاهها است.

- بسیج جامعه پزشکی: نظام ولایت و حزب مسلح وی برای کنترل هر بخشی از جامعه نیروی مشابه اجتماعی آن را ایجاد نموده است. نیروهای بسیج پزشکان از جمله نیروهایی هستند که کار کنترل و نظارت بر کلیه پزشکان کشور را انجام می‌دهند. با رأی این بخش است که برخی از پزشکان برای دریافت گواهی تخصص وارد دانشگاههای داخل و خارج می‌شوند و به دلیل در اختیار داشتن این قدرت است که برخی از پزشکان بر خلاف تمایل و خواست خود مجبور به شرکت در این واحد می‌شوند.

- بسیج اساتید: بخشی از نیروهای مورد نظر این حزب جهت کنترل اساتید دانشگاه است لازم به ذکر است که بسیاری از اساتدان بسیجی این بخش از جمله دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا هستند که به دلیل حضور در این واحد در دانشگاهها به عنوان استاد مشغول به تدریس هستند.

در صفحه ۱۰



این گروه زمانی ایجاد شد که نظام ولایت متوجه شد که بسیاری از اساتید بر خلاف نظر «رهبر»، دانشجویان را تحت تأثیر افکار آزادخواهانه خود

قرار می دهند. به همین دلیل بود که از ابتدای بر سر کار آمدن احمدی نژاد به دستور او، تصفیه استادان دیگر اندیش آغاز گشت و گروه دیگری از استادان از دانشگاهها اخراج شدند. در این حالت نظام برای پر کردن جای بسیاری از آنها مجبور به استفاده از دانشجویان دوره های پایین تر شد که به نوعی به بسیج وابسته بودند بنا به آمار حدود ۱۲ هزار نفر از این اساتید به بسیج نزدیک شده اند ناگفته نماند که برخی ها نیز به جبر وارد این گروه شده اند. زیرا تأییدیه مورد نظر ادامه کار برخی از اساتید به عهده بسیج اساتید می باشد.

بسیج ادارات: این نیرو جهت کنترل کلیه کارمندان ادارات و سازمانها و نهادها دست به طراحی و ساخت نیرویی به نام بسیج ادارات زده است که افراد آن از جمله نیروهای جاسوس و ناظر بر امور شخصی و خصوصی کارمندان هستند.

این بسیج می کوشد، با واگذاری برخی امتیازات به نیروهای خود، نیروهای جدیدی را به خود جذب کند. اما با توجه به نوع کاری که از آنها خواسته می شود جذب نیرو به این بسیج محدود بوده است.

بسیج علمی: این بخش از حزب تلاش می کند، از طریق واگذاری امتیازات، افراد دانشور کشور را جذب نماید. در ایران همه می دانند که اگر دانشمندان و دانشوران وابسته به نظام نباشند معمولاً کاری از پیش نخواهند برد و به کشورهای خارج مهاجرت خواهند کرد. در نتیجه، رژیم برای حفظ آنها، امتیازات بسیاری را از طریق بسیج به آنها می دهد.

بسیج جامعه مهندسين: رژیم و حزب سیاسی مسلح که آن را در مهار خود دارد، برای جذب نیروهای تحصیلکرده، دست به ایجاد بسیج مهندسين زده است. با حمایت خاص از آنان، تلاش می کند دیگران را نیز به این سو جذب نماید. علاوه بر آن، دیده شده است که افراد وابسته به این بسیج به مقامات بالای حزبی و سیاسی و ... می رسند. به همین دلیل است که بسیاری از فارغ التحصیلان برای به دست آوردن کار مجبور به همراهی با این بسیج هستند.

بسیج هنرمندان: معمولاً هر حزبی برای دخالت در امور هنری تپه کردنش از هنر و تبدیل کردنش به وسیله تبلیغاتی، به خصوص اگر دارای طرز فکر استبدادی داشته باشد، این گروه را تشکیل می دهد و از طریق واگذاری امتیازات بالا تلاش می کند هنرمندان را آلت فعل خود کند.

دیده شده است که در این بسیج، برخی از افراد که عنوان هنرمند را دارند همان نظامیانی هستند که مجری اوامر «رهبر» هستند. علاوه بر این، دیده شده است که امتیازات را به افرادی می دهند که به این بسیج وابسته باشند. در غیر این صورت، در قلمروهای مختلف هنر، به آنها نقش نمی دهند و از حمایت آنها دریغ می کنند. بسیاری از هنرمندان وابسته در کنار این نیرو به ساخت فیلم های جبهه ای و سرود های مورد نیاز نظام در رابطه با فلسطین و غزه و برنامه های سنتی مشغول به کارهای درآمدزا هستند.

بسیج فرهنگیان: بخش مهمی از این حزب است که در امر آموزش و

## معامله ها؟

می کنند و نیروی مقاومت بسیج هم این برنامه ها را کنترل می کند.

منظور طائب از «بسیج اقساری» بسیجی است که کارش کنترل مردم در محله ها و مناطق مختلف شهری و روستایی است و زیر نظر بسیج مقاومت که کادر نیروی نظامی است مشغول به کار است. طائب در ادامه مصاحبه خود می گوید: طرح تحول و تعالی در صرفه جویی در منابع انسانی، مادی و تجهیزات و هم افزایی توان اجرای ماموریت های بسیج موثر بوده است. بدین ترتیب وضع سرانگشتان بسیج در بحث منابع انسانی، مادی و تجهیزات به سمت تقویت شدن می رود. وقتی ستادهای متعدد حذف شد و ساختار از بالا به کوچک سازی خود پرداخت و مسوولیت ها را به رده های پایین تر واگذار کرد، طبیعی است که این منابع به سمت سرانگشتان هدایت می شوند؛ لذا وضعیت ما از این نظر در شرایط بهتری به سر می برد.

در ادامه، طائب به خودمختاری نیروهای بسیج اشاره می کند که هر گروه بسیجی می تواند خود راسا و خودسرانه دست به اقدام در رابطه با محیط و محل خود بزند که همان شیوه کنترل حسین قلی خانی است که با نام بسیج انجام می شود. در این حالت، هر بسیجی می تواند اقدام به قتل دیگران به نام مبارزه با مفسد با توهمین به پیامبر و ائمه کند. طائب می گوید: در مجموع معتقدم که بسیج نسبت به گذشته از وضعیت بهتری، هم از جهت منابع و هم از جهت اجرای ماموریت های خود برخوردار است. طائب به این پرسش که چند درصد

از برنامه های پیش بینی شده برای سال ۸۷، انجام شده است؟ این طور پاسخ می دهد: در بحث جذب نیروها وضعیت خوبی داشته و طبق برنامه پیش رفته ایم؛ آمار دقیق نیروهای ما تا به امروز ۱۳ میلیون و ۶۳۹ هزار و ۷۲۲ نفر است که بر اساس برنامه ما، تا پایان سال باید به ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر برسد. این میزان تا پایان سال گذشته دوازده و نیم میلیون نفر بود که دو میلیون نفر را در بحث جذب نیرو برای امسال پیش بینی کرده بودیم.

وی در ادامه به ذکر آماری از جذب نیرو در سازمان های مختلف بسیج می پردازد و می گوید: از کل ۱۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر نیروی بسیجی، ۱۳ میلیون و ۲۴۸ هزار و ۷۸۱ نفر در جمع بسیج محلات، دانش آموزی، دانشجویی، ادارات، اصناف و طلاب و روحانیون است.

بنا بر آمار طائب، مشخص می شود که حدود ۳۶۰ هزار و اندی از این نیروها همان نیروهای مقاومت بسیج هستند که در راس امور قرار دارند و مابقی از جمله افرادی هستند که در مقاطع خاص برای گذراندن دوره و کسب یک سری امتیازات به بسیج رفته اند و اقدام به ثبت نام نموده اند.

طائب در ادامه مصاحبه خود به تفکیک نیروهای بسیج به شرح زیر می پردازد:

سقف بسیج محلات در ارتش ۲۰ میلیونی، ۱۰ میلیون ۸۴۲ هزار و ۱۶۶ نفر می باشد که در حال حاضر هفت میلیون و ۶۹۰ هزار و ۱۸ نفر آن محقق شده است.

اگر بخواهیم به آمار او توجه نماییم باید بگوییم که بسیج محلات آنگونه نیست که او می گوید. زیرا اصلا

جایی برای حضور آنان در کل کشور وجود ندارد این آمار مربوط است به آمار کلیه آموزش دیده های بسیج از ابتدای آغاز آموزش و حضور در بسیج تا به حال.

بسیج مساجد یا محلات اگر بخواهیم واقعیت تعداد آنها را بدانیم کمتر از حتی ۵۰۰ هزار نفر است اما از آنجا که نظام نیاز دارد تا آمار «خودی» ها را زیادتر نشان دهد، طائب آمار دروغ می دهد.

سقف نیروهای بسیج دانش آموزی در ارتش ۲۰ میلیونی بر طبق برنامه، شش میلیون و ۹۶ نفر است که تاکنون سه میلیون و ۹۹۷ هزار و ۵۳۵ نفر جذب بسیج دانش آموزی شده اند.

برای بررسی آماری که طائب ارائه می دهد، به ذکر نکاتی می پردازیم تا معلوم شود او مانند رهبر و دبیر کل حزب مسلح فردی دروغ گو است: کل دانش آموزان کشور حدود ۱۴ میلیون نفر هستند. حدود ۱۱ میلیون نفر از آنها از مقطع ابتدایی تا راهنمایی هستند و مابقی در دوره های مختلف دبیرستانی. اما بنا بر آمار طائب، کل دانش آموزان دوره دبیرستان، در کشور و نیز برخی از دانش آموزان دوره راهنمایی در این بسیج عضویت دارند. حال آنکه این آمار کاملاً دروغ است، اما اگر طائب بگوید از زمان ایجاد بسیج و ثبت نام برای جذب نیرو این تعداد دانش آموز برای آموزش به بسیج طی دو دهه قبل آمده اند، شاید قول او درست باشد. اما بسیاری از دانش آموزان ده سال گذشته اگر هنوز هم در بسیج باشند یا دانشجو شده اند و یا عضو بتهای دیگر مانند بسیج های محلات و با زنان و با معلمان و ...

طائب برای نشان دادن قدرت رژیم، همچنان می کوشد رقم ها را بزرگ کند. هرچند قول او در باره بسیج دانشجویی به واقعیت نزدیک تر است. او می گوید: در بسیج دانشجویی، باید ۹۰۱ هزار نفر جذب نیرو داشته باشیم که تاکنون ۵۴۴ هزار و ۹۲۹ نفر جذب این سازمان شده اند. در این مورد نیز، آمار طائب تا حدی درست است. زیرا برای راس دادن دانشجو به دانشگاه، آنها بسیار تلاش می کنند وارد شوندگان اولاً از «خودی» باشند و ثانیاً غیر خودی ها نیز با دادن امتیازها جذب شوند. زیرا رژیم به خوبی می داند که دانشگاهها استبداد را بر نمی تابد و نزاع میان زور با دانش، سرانجام به شکست زور و زورباوری می انجامد. از این رو، با واگذاری امتیازات مختلف دانشجویان را به سوی خود جلب می کنند. از جمله این امتیازها هستند سفر های علمی و سفرهای زیارتی و وام های دانشجویی و وام های ازدواج و امتیاز ورود به مقاطع بالاتر و ...

طائب در باره بخش های دیگر بسیج می گوید: یک میلیون نفر افراد فرهنگی اعم از معلمان و کادر سازمان آموزش و پرورش وجود دارند و بنای ما این بوده که از این تعداد، ۵۰۰ هزار نفر عضو بسیج باشند و آمار ما در حال حاضر ۳۲۱ هزار ۴۸ نفر است.

آمار بالا در مورد میزان حضور بسیجیان در آموزش و پرورش نیز از آن گونه آمارهایی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. این کار را به خود خوانندگان واگذار می کنیم. تنها با توجه به میزان بازنشستگان آموزش و پرورش که طرح آن در طول سه سال گذشته به اجرا در آمده است،

معلوم می شود که قول او راست نیست.

در مورد بسیج مهندسی، طائب می گوید: سهمیه جذب مهندسين نیز ۶۰ هزار و ۴۱۱ نفر پیش بینی شده است و ۲۴ هزار و ۱۶۰ نفر عضو بسیج از میان جامعه مهندسين داریم.

آمار جامعه مهندسين به نظر می رسد تا حدی درست باشد. زیرا بسیاری از مهندسان حاضر به ورود به این بسیج نیستند. عضویت در آن را موجب بدنامی میدانند اما افرادی هم که در این بخش حضور دارند عموماً از همان بسیجیانی هستند که در دانشگاه وارد این گروه شده بودند و حال برای دریافت امتیازات و به دست آوردن مجوزهای لازم کار و درجه مهندسی به این بسیج وارد می شوند. علاوه بر آن مردم ایران به خوبی می دانند که بسیاری از قراردادهای عمرانی کشور با سپاه و بسیج منعقد شده اند و افراد دارای درجه مهندسی نیز برای به دست آوردن کار مجبور به همکاری با بسیج هستند. بسیج نیز آنها را جز افراد خود به حساب می آورد.

طائب به تشکیل شورای عالی برای هر قشر در بسیج می پردازد و می گوید: یکی از کارهایی که انجام شده این است که برای هر قشر در بسیج، یک شورای عالی با حضور افراد حقیقی و حقوقی ایجاد کنیم که این شورا تصمیم گیرنده گسترش هر سازمان و برنامه های آن باشد. دو هفته قبل هم اولین شورای بسیج اساتید با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاهها، تعدادی از مسوولان دانشگاهها و عناصر فعال در عرصه دانشگاهها و نخبران دانشگاهی در قالب یک جمع ۲۲ نفره تشکیل شد و از این پس این مجموعه برای بسیج دهها میلیونی در حوزه اساتید دانشگاهها برنامه ریزی خواهند کرد.

طائب این تغییر در بسیج را کاری اساسی و زیربنایی توصیف می کند و می افزاید: با تشکیل شورای عالی در اقسار، در واقع تکثیر توان مدیریتی ایجاد کرده ایم. بیشتر، همه کارها از یک راس مدیریت می شد ولی الان هر قشر برای خود یک شورای فکری، سیاست گذاری، تصمیم گیری و راهبردی دارد و این توان است که می تواند بسیج دهها میلیونی را سامان بدهد. در هر استان نیز، دستورات عمل یک شورای عالی اقسار را نوشته و ابلاغ کرده ایم. بدین ترتیب، این شورا در واقع پتانسیل های استانی را برای تحقق بسیج دهها میلیونی جمع می کند.

طائب به روش امنیتی و سرکوب بسیج می پردازد و می گوید: این طرح از سوم خرداد ماه امسال به صورت آزمایشی در یک حوزه از هر ناحیه آغاز شد. ما بیش از ۳۰۰ ناحیه در سطح شهرستان های کشور داریم که هر ناحیه نیز تعدادی حوزه دارد و این طرح از سوم خرداد تاکنون در سطح ۳۰۰ حوزه در سراسر کشور اجرا شده است. در طول این مدت ارزیابی و نظرسنجی کردیم و میزان مطلوب بودن طرح را مورد بررسی قرار دادیم، سپس اشکالات آن را برطرف کردیم و به استانها ابلاغ شد تا از پایان هفته بسیج در سال جاری بتوانیم این طرح را در سراسر کشور عملیاتی کنیم. بدین ترتیب این طرح در بیش از دوهزار

حوزه بسیج در سطح کشور اجرا در صفحه ۱۱



خواهد شد. فرمانده نیروی مقاومت بسیج درباره میزان و نحوه اختصاص نیروهای بسیج برای اجرای طرح امنیت پایدار، می گوید: هر پایگاه بسیج گروه‌های مختلفی دارد و کلیه نیروهایی که در گروه‌های دفاعی امنیتی این پایگاه‌ها سازماندهی شده‌اند، در این طرح حضور دارند؛ لذا ممکن است سهم یک بسیجی در هر ده یا پانزده شب از اجرای این برنامه تنها یک شب باشد. گشت‌زنی نیروهای بسیجی، از ۱۲ شب تا ۶ صبح است.

گشت‌زنی نیروهای بسیجی از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح انجام خواهد شد. این نیروها به صورت بومی عمل می‌کنند و ساعت‌های اجرای آن متناسب با تهدیدات و معضلات هر منطقه خواهد بود. بومی کردن این طرح نیز بر عهده سپاه‌های استانی است. وی درباره نحوه ارزیابی تهدیدات هر منطقه توضیح می‌دهد: نیروی مقاومت بسیج در سپاه‌های استانی با هماهنگی نیروی انتظامی و شورای تأمین هر استان برآوردهایی دارند که در کجا معضلات بیشتری وجود دارد و بدین ترتیب میزان تهدیدات هر منطقه در استان‌های مختلف شناسایی شده است. این نیروها بنای به کارگیری تجهیزات و سلاح را ندارند و برای این که بتوانند پشتیبانی دفاعی برای خود داشته باشند، تجهیزات در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. این تجهیزات، از ابزارهای مورد نیاز و متناسب با هر منطقه در اختیار نیروها قرار خواهد گرفت. هر کجا نیروی انقلاب حضور پیدا کند، نیروی خلافتکار از آن جا رخت برمی‌بندد. ماموریت این نیروها این است که امنیت پایدار ایجاد کنند. اگر در جایی این نیروها عامل خلافتکاری را دیدند، با سیستم ارتباطی که بین ما و نیروی انتظامی برقرار شده، نیروهای انتظامی وارد کار می‌شوند و برخورد لازم را انجام می‌دهند.

بنا بر این است که جرم و بزه‌ی اتفاقی نیفتند. اگر در جایی گشت‌های بسیجی حضور داشته باشند طبیعی است که ارادل و اوباش صحنه را خالی می‌کنند و این بخشی از همان تولید قدرت بازدارندگی است. اگر هم با جرم مشهودی مواجه شدند به کلانتری‌ها و پاسگاه‌های مناطق اطلاع‌رسانی می‌شود و برخورد را نیروی انتظامی انجام خواهد داد. از صحبت‌های طائب دانسته می‌شود که از ماه‌ها قبل کار نیروهای بسیج بر روی «تهاجم نرم» برنامه ریزی شده است. به همین دلیل است که رهبری رژیم بعد از اینکه این بسیج سازمانی یافت و تحت امر سپاه درآمد، اعلام کرد که از این به بعد کار مقابله با تهاجم نرم را به بسیج واگذار می‌کند. دلیل آن را هم افزایش تهاجم به انقلاب اسلامی ذکر کرد.

شواهد حاکی از آنند که رژیم در حال آماده ساختن خود برای مقابله با مردم است. زیرا به خوبی متوجه شده است که دیگر در نزد ملت ایران کوچکترین مشروعیتی را ندارد.

سپاه و بسیج، حزب سیاسی مسلح، با تشکیلاتی که تشریح شد، نمی‌تواند در «انتخابات» دخالت نکند. نوع تشکیلات گویای نوع هدف و روش است. تشکیلاتی از این نوع، برای مهار سه قوه مجریه و مقننه و قضائیه وجود می

## معامله‌ها؟

گذرانند؟ این بودجه به یک بمب اتمی توری نمی‌ماند؟

**\* هشدار ۱۳ اقتصاد دان در باره بمب تورم زائی که بودجه «انتخاباتی» است:**

◀ در ۱۹ اسفند ۸۷، اعتماد ملی خبر داده است: اقتصاددانان و کارشناسان ایرانی نسبت به آزادسازی بسیار سریع قیمت‌ها هشدار داده و از نمایندگان مجلس خواستند در آستانه بررسی نهایی لایحه بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۱۳۸۸، کشور و مردم ایران را با بحران‌های همه‌جانبه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روبه‌رو نکنند. قسمتهائی از آن هشدار نامه را نقل می‌کنیم:

● به هر حال این نوع هدیه دادن اصولگراها به یکدیگر به شدت رنگ و بوی انتخاباتی و سیاسی به خود گرفته است و نمایندگان طیف محافظه‌کار مجلس با تصویب ناقص آزادسازی قیمت‌ها، درصددند وعده محمود احمدی‌نژاد مبنی بر پرداخت یارانه نقدی را تا حدودی به واقعیت نزدیک کنند و از طرف دیگر، با تعدیل خواسته شوک آور دولت، اجازه ندهند تورم به شدت بالا برود. در همین راستا بود که کمیسیون تلفیق مجلس کل درآمدهای حاصل از آزادسازی یارانه را از ۳۴ هزار میلیارد تومان به ۲۰ هزار میلیارد تومان کاهش داد و رقم یارانه ۴۰ تا ۷۰ هزار تومانی مورد نظر احمدی‌نژاد را به ۲۲ هزار تومان در هر ماه (برای یک نفر) کاهش داد تا قیمت‌ها کاملا و به شدت افزایش پیدا نکنند.

● مطابق گفته نمایندگان مجلس، دولت مایل است قیمت فروش هر لیتر بنزین را از ۱۰۰ تومان به ۴۰۰ تومان و قیمت فروش گازوئیل را از ۱۶ تومان به ۳۵۰ تومان برساند. این تغییر قیمت به معنای افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت بنزین و حداقل دو هزار درصدی قیمت هر لیتر گازوئیل است. نکته جالب این است که دولت نهم در سال ۱۳۸۴ در زمان بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ به شدت با افزایش ۲۰ تومانی بنزین مخالفت کرد. در سال ۱۳۸۶ نیز این دولت افزایش قیمت گازوئیل از لیتری ۱۶ تومان به ۴۳ تومان را تاب نیاورد و با پافشاری خاصی، قیمت گازوئیل را در حد ۱۶ تومان تثبیت کرد. حال همین دولت با شدت و حرارت تمام تلاش می‌کند قیمت گازوئیل را به ۳۵۰ تومان برساند و قیمت بنزین را با حذف سهمیه‌بندی به صورت یکباره و با شوک درمانی به ۴۰۰ تومان افزایش دهد.

آزادسازی قیمت‌ها می‌تواند منجر به درآمد قابل توجهی شود و دولت با مصوبه کمیسیون تلفیق مبلغی بالغ بر ۸۵۰۰ میلیارد تومان (۴۲۲ درصد از کل درآمدها) از ۲۰ هزار میلیارد را نصیب خود کند و بخش عمده‌ای از آن را به بدنه بسیار حجیم و پرهزینه خود تزریق و ۵۸ درصد این درآمدها را به خانوارها و صنایع ایرانی در قالب

یارانه نقدی اعطا کند. حال این نمایندگان مجلس و دولت هستند که باید بگویند بالا بردن قیمت نفت و تزریق ۴۲ درصد از درآمدهای حاصل از آزادسازی قیمت‌ها به بدنه دولت چه ربطی با هدفمند کردن یارانه‌ها دارد.

● در خوشبینانه‌ترین حالت آزادسازی قیمت‌ها، بنا به گفته مقامات بانک مرکزی، کشور با تورم ۳۶ درصدی مواجه می‌شود و این تورم به معنای کاهش ۳۶ درصدی قدرت خرید مردم ایران خواهد شد. از طرفی چنین تورمی، باعث افزایش شدید قیمت محصولات و تولیدات واحدهای تولیدی و صنعتی ایران خواهد شد و رکود تورمی حاکم بر کشور را عمیق‌تر می‌کند و باز سیر صعودی تورم ادامه خواهد یافت.

● لایحه دولت و مصوبه کمیسیون تلفیق مصداق بارز سیاست شوک‌درمانی است. شوک درمانی در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در برخی از کشورها به اجرا درآمد و در عموم آن کشورها با تورم بی‌مهاری، رکود عمیق، تشدید فقر و نابرابری، فروپاشی ارزش پول ملی و تنش‌های اجتماعی همراه بوده است. پیامدهای پرهزینه شوک‌درمانی به نظریه‌پردازان و سیاستمداران آموخته است که به جای شوک‌درمانی باید نخست مجموعه‌ای از تدابیر غیرقیمتی (اصلاحات عمده‌ای زیرساختی و نهادی) صورت پذیرد و سپس سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها از طریق اصلاح تدریجی، مرحله‌بندی شده و شفاف قیمت‌ها اعمال شود. آیا جایز است پس از آن همه تجربه شکست‌خورده جهانی و برخلاف نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در مورد اقتصاد ایران، مجدداً شوک‌درمانی را در اقتصاد ایران آزمون کنیم؟

**\* مخبر کمیسیون بودجه: به این بودجه رأی ندهید زیرا تورم را به ۴۰ درصد می‌رساند و یک میلیون نفر بر بیکاران کشور می‌افزاید:**

در ۱۹ اسفند، در مجلس مافیها، محمدرضا خباز، مخبر کمیسیون بودجه، گفته است: به لایحه بودجه سال ۸۸ منتهای هدفمند کردن یارانه‌ها رای دهیم. میزان ما برای بودجه ۸۸، قانون برنامه پنج ساله چهارم است و لایحه‌هدفمند کردن را به طریق خودش تصویب کنیم و دولت هر متممی که خواست بعد از آن بیاورد. بودجه سال آینده به شکل موجود تورم را به بالای ۴۰ درصد می‌رساند. موافقان بدانند اگر آثار مثبت داشته باشد، دعای خیر و در غیر این صورت دعای غیرخیر آن هم به سراغ آنها خواهد آمد. او کسری ۴۴ هزار میلیارد تومانی بودجه را به نمایندگان یادآور شد و گفت: از سوی دیگر گفته شده در این بودجه، میزان اتکا به نفت کاهش پیدا کرده است، در صورتی

که هیچ تفاوتی بین درآمدهای حاصل از فروش فرآورده‌های نفتی، سود سهم دولت در شرکت نفت، فروش داخلی نفت، مالیات معوقه عملکرد نفت و منابع مربوط به معاوضه نفت با بنزین وجود ندارد و اینها همه جزو وابستگی‌ها به درآمد نفتی است.

خباز پرسید مبنای ۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش درآمدها چیست؟ شما می‌دانید افزایش ۲۰ هزار میلیارد تومان سال آینده بنزین را ۳۰۰ درصد افزایش خواهد داد؟ آیا می‌دانید که قیمت برق را ۴۰۰ درصد افزایش می‌دهد و آیا می‌دانید که قیمت گاز را ۶۰۰ درصد افزایش می‌دهد؟ آیا می‌دانید که قیمت گازوئیل را حدود هزار درصد افزایش می‌دهد و این در حالی است که این حداقل‌ها است؟ نکته حائز اهمیت آن است که گفته شده این لایحه از تیرماه به بعد اجرا شود و این بدان معنا است که در چهار ماه اول اجرا نمی‌شود و این ۲۰ هزار میلیارد تومان را در هشت ماه بعدی از مردم بگیریم، یعنی به همین دلیل که چهار ماه عقب‌افتادگی دارد، خود به خود قیمت حامل‌های انرژی افزایش چشمگیری خواهد داشت.

● و علی رضا محجوب، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس، گفته است: حجم بودجه تولید ناخالص داخلی را مهم‌ترین عامل محک زدن در این مورد دانست و گفت: حجم بودجه به تولید ناخالص داخلی اکنون با خوشبینانه‌ترین ارقامی که دولت قبول دارد، ۷۵ درصد بلکه صحیح آن بیش از ۸۶/۶ درصد است. دولت شهید رجایی در سال ۵۹ رکورد ۲۹ درصد به کل بودجه را ثبت کرده است و تا پایان جنگ در دولت مهندس میرحسین موسوی این مساله ۳۹ درصد بوده است. در مورد بودجه ۸۸ این مساله ضروری است که در کمیسیون تلفیق مجدداً آنچه کاهش داشته‌ایم را افزایش داده‌اند، لذا شعار کوچک کردن دولت امری منتفی و شعاری است. تولیدکننده‌ها دچار مشکل شده و کارفرمایان و کارگران با هم دچار مشکل می‌شوند. حقوق‌بگیر و بازنشسته با این ۱۲ هزار میلیاردی که گذاشتید همه از دست اینها گرفته می‌شود.

پیش‌بینی‌های انجام‌شده، حدود یک میلیون بیکار حاصل آنچه که ما به‌عنوان یک رقم آورده‌ایم ایجاد می‌شود، در حالی که برخی‌ها از آن تعریف و تمجید کردند. منتظر نظام مالی دچار درهم ریختگی شود. شما دیدید شیوه دستوری در قیمت گذاری پاسخ نمی‌دهد، چون شیوه‌دگیری را از نظر اقتصادی پیش گرفتید، بنابراین به شیوه‌ای که پیش گرفتید مومن باشید.

انقلاب اسلامی: اگر این ترتیب می‌شد، یک قسمت از بودجه که نقدی کردن یارانه باشد، قبل از «انتخابات» ریاست جمهوری و قسمت دیگر آن که «آزاد» کردن قیمت‌ها باشد، بعد از انتخابات قلابی، انجام می‌شد. اما بنا بر حکم حکومتی، «نمایندگان» که می‌دانسته اند رسوا تر از این بودجه و حکومت و مجلس، به تصور نیز نمی‌آید. در ۱۹ اسفند، این قسمت را از بودجه حذف کردند.

در صفحه ۱۲



**\* از لحاظ رکورد نرخ تورم از جهان، ایران مقام ششم است:**

◀ در ۱۷ اسفند، سایت الف گزارش کرده است: بنا بر گزارش سازمان اطلاعاتی مرکزی آمریکا درباره رتبه بندی کشورها از نظر نرخ تورم رسمی اعلام شده در سال گذشته میلادی نشان می دهد در میان ۲۲۴ کشور یا دولت احصا شده در این رتبه بندی جهانی، نرخ تورم در ایران با ۱۷٫۰ درصد در رتبه ۲۱۹ جهان قرار دارد و تنها ۶ کشور زیمبابوه، برمه، ونزوئلا، گینه، عراق و کنگو نرخ تورم بیشتر از ایران داشته اند.

انقلاب اسلامی: سازمان مزبور میزان تورم را ۱۷ درصد در نظر گرفته است. حال آنکه رژیم خود آن را ۲۵/۵ درصد می داند و در حقیقت حدود ۴۰ درصد است.

**\* بخشهای تولیدی و صنعتی در آستانه ورشکستگی هستند و «وزیر» صنایع می گوید: نمی توانم پاسخگو باشم!**

◀ در ۱۹ اسفند ۸۷، اعتماد ملی گزارش کرده است: روز گذشته نیز به سیاق گذشته سلسله نشست های پایش و پیگیری اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ میزبان وزیر صنایع بود. علی اکبر محرابیان در حالی میهمان اتاق بازرگانی ایران بود که بسیاری از بخش های تولیدی و صنعتی ایران در آستانه ورشکستگی قرار دارند. بر این اساس اعضای اتاق بار دیگر تکرانی بیش از حد خود از ورشکستگی صنایع داخلی را ابراز داشتند. صنایع در پاسخ به نگرانی فعالان بخش خصوصی بار دیگر از تدوین بسته حمایتی از تولید خبر داد و گفت: برای تصمیم گیری درخصوص تدوین و اجرای آن هیچ ابزاری در اختیار ندارم. این سخنان در حالی از سوی محرابیان مطرح می شود که دولتی ها و پیش تاکنون از تدوین بسته حمایتی برای حمایت از تولید داخلی خبر داده اند ولی تاکنون هیچ گونه حمایتی از تولیدکنندگان داخلی صورت نگرفته است.

**\* هفت تالاب کشور در مرز نابودی:**

◀ در ۱۵ اسفند، سرمایه رئیس انجمن متخصصان محیط زیست ایران گفت: از ۲۲ تالاب ثبت شده جهانی ایران، هفت تالاب آن در چند سال گذشته دچار مشکلات زیست محیطی بسیاری شده و در حال نابودی است. دکتر عباسپور تاکید کرد: قرار است در تالاب های پریشان و انزلی جاده احداث شود و در چند ماه اخیر نیز احداث یک ورزشگاه بزرگ در حاشیه تالاب انزلی مطرح است. استاد دانشگاه صنعتی شریف با بیان اینکه نوعی جلبک در تالاب انزلی موجب از بین رفتن آبزیان این تالاب

**معامله ها؟**

انقلاب اسلامی: ژاله وفا بودجه را مورد مطالعه قرار داده است. دیگر دانستنی ها را در مقاله او می خوانید:

**ژاله وفا**

**بودجه ۸۸، بمب اتمی تورم**

در شماره قبل به بیان ارقام لایحه بودجه ۲۹۰ هزار میلیارد تومانی ۱۳۸۸ که ۸۹ هزار میلیارد تومان آن بودجه عمومی حکومت است پرداختیم. و مسوولان این بحران تشدید شده است. رئیس انجمن متخصصان محیط زیست ایران با اشاره به اینکه کشند قرمز بر اثر توفان گونو وارد آب های خلیج فارس شده است، افزود: تخلیه پساب های صنایع منطقه عسلویه موجب تشدید آلودگی سواحل جنوب شده است.

در شماره قبل به بیان ارقام لایحه بودجه ۲۹۰ هزار میلیارد تومانی ۱۳۸۸ که ۸۹ هزار میلیارد تومان آن بودجه عمومی حکومت است پرداختیم. و مسوولان این بحران تشدید شده است. رئیس انجمن متخصصان محیط زیست ایران با اشاره به اینکه کشند قرمز بر اثر توفان گونو وارد آب های خلیج فارس شده است، افزود: تخلیه پساب های صنایع منطقه عسلویه موجب تشدید آلودگی سواحل جنوب شده است.

در این شماره به روند پر تنشی که "مجلس" و حکومت احمدی نژاد در این زمینه در طی دو هفته اخیر طی کردند پرداخته و سپس به مبحث واقع بینانه بودن و یا غیر واقع بینانه بودن درآمدهای مفروض در لایحه بودجه ۱۳۸۸ میپردازم. پرداخت نقدی یارانه برای حکومت احمدی نژاد حکم یک برگ برنده در کارزار انتخاباتی را داشت. چرا که وی بر این گمان بود که در لایحه بودجه ۸۸ بخشی از درآمدها از آزاد سازی قیمت های حامل های انرژی کسب می نماید و با استناد به لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" که هنوز به تصویب "مجلس" نرسیده بود نیز با یک تیر دو نشان زده هم تصویب آن لایحه را تسریع کرده و هم موفق به پرداخت نقدی مقداری از یارانه ها در قبل از

مقرر کرد که ۸۵۰۰ میلیارد تومان از این درآمد سهم حکومت محسوب شود و ۱۱ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هم بین مردم و صنایع به صورت یارانه نقدی توزیع شود!!

این نحوه منتضح تن دادن کمیسیون تلفیق "مجلس" به تهدیدهای حکومت دو معنا بیشتر نداشت:

۱- تغییر موضع آنهم به این سرعت هم بی کفایتی و بی سوادگی "نمایندگان" در نظام ولایت فقیه را هویدا ساخت چرا که آشکار میساخت که مساله از ابتدا حاصل کار کارشناسی نبوده است!

۲- تهدیدات و تنظیمات طرفداران حکومت در کمیسیون تلفیق موثر مواقع شده و در واقع رای دادن به " طرح خرید رای" به بهانه هدفمند کردن یارانه یک تصمیم سیاسی "نمایندگان" و نه کار کارشناسی اقتصادی آنها بوده است.

البته اقتصاد دانان مسئول کشور نیز ساکت نشستند و بلافاصله طی نامه ای سرگشاده تبعات دهشتناک این قبیل شوک درمانیهای حاصل از آزادی سازی قیمت ها را در شرایط بحران جهانی برای اقتصاد کشور، قاطعانه به "مجلس" نظام هشدار دادند. در پی افزایش اعتراض ها

در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۸۷ "نماینده" در جلسه علنی "مجلس" پیشنهاد حذف یارانه نقدی را مطرح کردند که این پیشنهاد ۱۳۴ رای مثبت آورد. بدین ترتیب "مجلس" کلیات آخرین بودجه سال ۱۳۸۸ را در کمتر از پنج ساعت بررسی و آن را تصویب کرد که از نظر زمان کوتاه رسیدگی به آن «بی سابقه» بود! بعبارت دیگر "مجلس" از ترس شورشهای اجتماعی در پس آزاد سازی یکباره قیمت ها و تورم تصاعدی که ایجاد مینماید و از ترس اینکه با تصویب یکباره آن دیگر نه از تاک نشان ماند نه از تاک نشان، ترجیح داد که این اقتضاح به پای "مجلس" نوشته نگردد و بند ۲ نامه احمدی نژاد را یعنی حذف منابع پیش بینی شده در بودجه از محل اصلاح قیمت های حامل های انرژی را از ستون درآمدهای بودجه انتخاب کرد!

حکومت احمدی نژاد که باور نمیکرد "مجلس" مصوبه کمیسیون تلفیق را رد کند به نشانه اعتراض به مصوبه "مجلس" از فرستادن نمایندگان خود منجمله حسینی وزیر اقتصادش به جلسه علنی "مجلس" خودداری کرد تا بدین وسیله پیام مخالفت خود را با حذف یارانه نقدی از بودجه ۸۸ اعلام کند. روح الله حسینیان نماینده طرفدار احمدی نژاد نیز با اعتراض جلسه را ترک کرده و اظهار داشت: "این بودجه، تنها برای ساقط کردن دولت طراحی می شود. متأسفانه، اینها ادعای اصولگرایی دارند، ولی تیشه برداشته اند و اصول را قطع می کنند و جالب این که اصلاح طلبان منصفانه تر رفتار می کنند و با دولت هماهنگ ترند!!"

بدینسان با حذف ماده ۳۱ لایحه بودجه ۸۸، حکومت احمدی نژاد با کاهش در آمد ۸۵۰۰ میلیارد تومانی نیز مواجه شد و چون به قول "نمایندگان" دیگر در مورد درآمدها امکان افزایش وجود ندارد، کمیسیون

خرداد به برخی از دهکهای پایین جامعه شود آنهم به قصد جمع آوری رای! و اگر حتی اجرایی شدن پرداخت نقدی یارانه ها به بعد از "انتخابات" یعنی تیر ماه نیز موکول گردد کافی میدانست با استفاده از رسانه های در اختیارش پرداخت یارانه ها را منوط به مهورشدن شناسنامه ها به مهر شرکت در انتخابات کند و یا از طرق غیر متعارفی که همیشه شیوه مالوف در این نظام است، از قبل در میان طبقات محروم جامعه شایع کنند که دریافت یارانه ها در یک منطقه منوط به اکثریت داشتن فرد خاصی در صندوق رای است، و بدین ترتیب "پروزی" را از قبل برای خود تضمین نماید! حکومت احمدی نژاد که در لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" "اعتباری در حدود ۳۴ هزار میلیارد تومان در نظر داشت و در لایحه بودجه سال ۱۳۸۸ مبلغ ۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان آن را برای اجرای لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" درخواست کرده بود با موافقت کمیسیون تلفیق "مجلس" روبرو شد که با اختلافی اندک با ۸ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان آن موافقت کرد. اما لایحه هدفمند کردن یارانه ها "راکه به حکومت اجازه می دهد ۶۰ درصد از منابع حاصل از "هدفمند کردن یارانه ها" را بین هفت دهک جامعه توزیع کند، برای بررسی به سال آینده موکول کرد و با این کار با منظور اصلی احمدی نژاد که در واقع پرداخت نقدی بخشی از یارانه ها بود موافقت نمود. حکومت احمدی نژاد که قصد نداشت در آستانه "انتخابات" بدون مجوز پرداخت نقدی یارانه ها، تنها تن به افزایش قیمت های حامل های انرژی و هزینه های احتمالی ناشی از آن بدهد، طی نامه ای به لاریجانی در تاریخ ۵ اسفند ۱۳۸۷ با اشاره به ملحوظ کردن بخشی از منابع "هدفمند کردن یارانه ها" در بودجه برای "مجلس" دو راه تعیین کرد: یا بر اساس راه اول "مجلس" بایستی با بررسی لایحه "هدفمند کردن یارانه ها" و تصویب آن به همان شکل درخواستی حکومت، ۳۴ هزار میلیارد تومان منابع درخواستی در این لایحه را در اختیار حکومت قرار دهد و یا اینکه منابع پیش بینی شده در بودجه از محل اصلاح قیمت های انرژی را از ستون درآمدهای بودجه حذف کند!"

کمیسیون تلفیق که در وی افراد حامی احمد نژاد همچون روح الله حسینیان (که نقشی کلیدی در قتل های زنجیره ای داشت و جمله معروف وی در آن زمان از یاد مردم نخواهد رفت که " ما خود زمانی قاتل بودیم!!") حضور دارند دست به تهدید "نمایندگان" مخالف حکومت زد و وارد جرو بحث با آنان شده و به یکباره کمیسیون تلفیق به فاصله چند روز در مقابل حکومت احمدی نژاد کرنش کرد و تصویب کرد در سال ۸۸ قیمت حامل های انرژی نظیر بنزین، گازوئیل، برق و گاز آزاد شود و از این ناحیه ۲۰ هزار میلیارد تومان درآمد نصیب حکومت شود. همچنین



تلفیق ده هزار میلیارد تومان (حدود دو هزار میلیارد تومان بیشتر از مبلغ قبلی) از هزینه های حکومت کرد. هر چند احمدی نژاد در نامه اش به لاریجانی تصریح کرده بود که برای جبران کسری در آمد حکومت "مجلس" بایستی به حکومت مجوز افزایش برداشت از حساب ذخیره ارزی به میزان ۲ میلیارد دلار را داده و مابقی کسری نیزمی بایست از طریق کاهش هزینه‌هایی چون اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای(بودجه عمرانی) جبران شود.

اکنون با توجه به تغییرات وارد شده در لایحه بودجه ۱۳۸۸ به بررسی عینیت ها و زمینه های تحقق و یا عدم تحقق پیش بینی اقلام مفروض در لایحه بودجه ۱۳۸۸ میپردازم.

در ابتدا باید خاطر نشان ساخت که در نظام ولایت فقیه از آنجا که همه ارکان زندگی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی مردم ایران صحنه تاخت و تاز مافیای نظامی- مالی است ، در زمینه اقتصادی در ادبیات بودجه نویسی و بودجه ریزی ، جای خالی مجموعه‌ای از اهداف قابل پیگیری از قبیل کاهش اتکای بودجه به در آمد نفتی ، تسهیل رشد اقتصادی ، ثبات اقتصاد کلان ، برقراری امنیت اقتصادی ، نظام توزیع در آمدی عادلانه و ... مشهود است تا بودجه به عنوان ابزار تحقق آن اهداف مطرح باشد!

حتی با حکومت احمدی نژاد فاتحه "برنامه چهارم توسعه" نیز خوانده شده است. برنامه ای که در چهار چوب نظام ولایت فقیه خود مختصات ضد رشد دارد. چرا که واضعان آن درک مبینی بر آزادی نداشتند تا متوجه شوند که مشکل به مثابه یک موجود زنده، هم محیط زیست دارد و هم ایجاد کننده دارد. و ایجاد کننده مشکلات اقتصادی ایران ماهیت نظام ولایت فقیه است. از اینرو واضعان برنامه های توسعه نیز بر مدار قدرت مشکلات اقتصادی را همانند یک شیئی تلقی کرده اند. و از طرفی متوجه نبودند که در نظامی همچون نظام ولایت فقیه که خود مساله میسازد آن مسائل راه حل پیدا نمیکنند! لذا مشاهده میکنیم که در همان به اصطلاح برنامه های توسعه نیز مشکلات اقتصادی و عاملها و راه حلها را نیز منفرد کرده اند. بی دلیل نیست که در عمل مبینیم حتی در حکومت ۸ ساله دوران خاتمی نیز که خود را مجری برنامه توسعه میدانست مشکلات ساختاری اقتصادی که خود نظام ولایت فقیه بوجود آورده بود راه حل نیافتند و خود و زنگنه وزیر نفتش به نفت تنها بعنوان منبع درآمد نگاه میکردند و خواب افزایش استخراج و فروش نفت رساندن آن به ۷ میلیون بشکه در روز را میدیدند. و اکنون کشور نیز با مجموعه بغرنجی از مسائل اقتصادی و مجری بغرنج تری بنام حکومت احمدی نژاد روبرو هست که هیچ ضابطه ای را رعایت نمیکند.

پس مادامی که ذهنیت واضعان بودجه نویس حول مدار قدرت دور میزند و نظام فاسد و ضد رشد ولایت فقیه پا برجاست در چهارچوب چنین نظامی حتی وقتی عده ای قصد ساخت هم داشته باشند از راه تخریب میسازند! تخریب نظام تولید و تخریب

## معامله ها؟

کیفیت خدمات خواهد بود. بترتیب آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

### ۱- درآمدهای حاصل از فروش نفت و وابستگی بودجه ۸۸ به نفت

در لایحه ۱۳۸۸ بودجه حکومت احمدی نژاد در مجموع ۳۷ میلیارد دلار درآمد ارزی برای سال آینده پیش بینی کرده که ۱۴ میلیارد دلار آن از حساب ذخیره ارزی، ۱۶/۱ میلیارد دلار از درآمد ناشی از فروش نفت و ۶/۹ میلیارد دلار آن حاصل از مالیات و سود سهام صنعت نفت خواهد بود.

حکومت احمدی نژاد ادعا کرده است که در بودجه سال ۱۳۸۸، میزان اتکا به نفت کاهش پیدا کرده است! درست است که بعلت کاهش قیمت نفت در سطح جهانی در آمد حاصل از آن کاهش یافته است اما این امر مساله ای سازماندهی شده و برنامه ریزی شده نبوده است که حکومت با اصلاحات ساختاری میزان وابستگی بودجه را به نفت کاهش داده باشد! بلکه این کاهش صرفا از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی تبعیت کرده است. شاهد امر نیز این است که در بودجه ۱۳۸۸ هیچ تفاوتی بین درآمدهای حاصل از فروش فرآورده های نفتی، سود سهم دولت از شرکت نفت، فروش داخلی نفت، مالیات معوقه عملکرد نفت و منابع مربوط به معاوضه نفت با بنزین وجود ندارد و اینها همه جزو وابستگی ها به درآمد نفتی محسوب میشوند.

نفت در اقتصاد ایران و بودجه حکومتها پیوسته نقش مسلط را داشته و دارد و در آینده قابل پیش بینی نیز همچنان جایگاه قابل توجهی در اقتصاد و کشور خواهد داشت. مهم ترین نقش نفت در اقتصاد ایران تامین بیش از ۸۰ درصد درآمدهای ارزی و تامین نیازهای وارداتی به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت است و ۹۸ درصد انرژی کشور نیز از نفت و گاز تامین می شود. همچنین نفت تاثیر تعیین کننده ای بر توازن بودجه عمومی حکومت دارد و درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها نیز متأثر از درآمد نفت است. به خاطر وابستگی ساختار اقتصادی ایران به نفت در صورت کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، وضعیت ارزی کشور و در نتیجه واردات کالا و تولید با افت و خیز مواجه می شود و رشد اقتصادی نیز به شدت کاهش می یابد. نتیجه رکود در تولید و سرمایه گذاری، افزایش بیکاری و کاهش عرضه کالا و خدمات است و از سوی دیگر بر رفاه اجتماعی تاثیر نامطلوب می گذارد و رفاه و درآمد سرانه را نیز کاهش می دهد. از طرفی کاهش درآمد نفت، موجب کاهش درآمد بودجه عمومی شده و توازن بودجه را برهم می زند که ماحصل اجتناب ناپذیر آن افزایش کسری بودجه، نقدینگی و تورم است.

حکومت مدعی کاستن وابستگی بودجه به نفت ، حتی در بودجه ۸۸ یک درآمد ۶۱۰۰ میلیارد تومانی مشروط نیز برای خود پیش بینی کرده است به این صورت که اگر قیمت نفت از ۳۷,۵ دلار فراتر رود و تا مرز ۴۵ دلار هر چه درآمد ایجاد شد تا سقف ۶۱۰۰ میلیارد تومان صرف بودجه عمرانی بکند

این مساله آنقدر شور بود که حتی نشریه صبح صادق ارگان سیاسی سپاه پاسداران نیز در ۲۸ بهمن نوشت البته دولت در بودجه ۸۸ یک درآمد ۶۱۰۰ میلیارد تومانی مشروط برای خود پیش بینی کرده است که برخی "نمایندگان" "مجلس" این ردیف درآمدی را غیر قانونی دانستند و پیش بینی کردند که این ردیف در "مجلس" رای نخواهد آورد.

و اما حتی اکبر ترکان معاون برنامه ریزی "وزیر" نفت در ۳ اسفند ماه در باره رکود ناشی از نفت ۳۷,۵ دلاری در بودجه ۸۸ هشدار داد که کاهش قیمت نفت در بودجه سال ۸۸ و گنجاندن رقم پایه ۳۷,۵ دلاری برای نفت ممکن است رکود را به اقتصاد کشور تحمیل کند و خواستار افزایش قیمت پایه نفت در بودجه سال آینده شد و اظهار کرد: محدود کردن اعتبارات عمرانی کشور ممکن است باعث افزایش بیکاری شود به طوری که در حال حاضر آمارها حاکی از آن است که حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در طرحهای عمرانی دولت مشغول به کار هستند و اگر اتفاقی بیفتد ممکن است تعدادی از این شاغلین به جمع بیکاران جامعه بپیوندند که این یکی از آثار سخت و آزار دهنده رکود اقتصادی است. از طرفی ستاری فر رییس سابق سازمان مدیریت و برنامه ریزی (در ۱۴ اسفند ایلنا) اعلام بودجه ۸۸ را تا حدی غیر واقعی دانست که اظهار داشت " این بودجه حتی فاقد ارزش بررسی است!

بودجه ای که با موازین حسابداری بسته شده باشد، ارزش گذاری قانونی و برنامه ای در آن وجود ندارد و بررسی آن وقت تلف کردن است، زیرا حقایق آن بررسی نمی شود. چرا که اگر میزان ارزی که بودجه ۸۸ بر مبنای آن تنظیم شده را مورد بررسی قرار دهیم، مشخص می شود که با تقسیم منابع موجود بر ۳۶۷ روز سال ۸۸، این رقم ۴۵ دلار محاسبه شده است. این رقم در لایحه بودجه ۳۷/۵ دلار اعلام شده؛ در حالی که بهای نفت زیر ۴۰ دلار است یعنی درآمدها بر مبنای ۳۷/۵ دلار هم متحقق نخواهد شد. و اگر "مجلس" این بودجه را تصویب کند باید در پاییز و زمستان پشت سر هم منتظر اصلاحیه و متمم باشد.

### ۲- در آمد ۱۴ هزار میلیارد تومانی برداشت از حساب ذخیره ارزی

استفاده از ذخایر ارزی که در بودجه ۸۸ تصویب شده است حتی مازاد بر پیش بینی برنامه چهارم توسعه است و

بدون رعایت بند «ج» ماده یک از حساب ذخیره ارزی برای جبران کسری ناشی از عواید غیرنفتی به میزان ۱۴ میلیارد دلار علیرغم ممنوعیت استفاده در بودجه عمومی برداشت و استفاده خواهد شد. عدم اجرای صحیح بند «د» ماده یک مبنی بر استفاده از ۵۰ درصد مانده موجودی حساب ذخیره ارزی برای سرمایه گذاری طرح های تولیدی توسط بخش خصوصی موجب افزایش بیکاری شده و اکثر موجودی حساب ذخیره ارزی برای بودجه عمومی مورد استفاده قرار گرفته است. از طرفی

باتک مرکزی در یک برنامه رسمی در شهریور ۸۷ گزارش داد که میزان تسهیلات اعطایی بخش خصوصی ۱۸ میلیارد و ۷۳۳ میلیون دلار است و موجودی حساب ذخیره ارزی ۲۵ میلیارد و ۹۲ میلیون دلار است، که به میزان منفی ۶۴ میلیارد دلار این حساب تهجد دارد و تعهدات بدون منبع این حساب نیز منفی ۳۸ میلیارد دلار است. به این ترتیب با این حساب منفی ذخیره ارزی چگونه در لایحه بودجه ۸۸ تصویب کرده اند که از این حساب مبلغ ۱۴ هزار میلیارد تومان برداشت کنند!!!

پس مشاهده میشود که این در آمد نیز فرضی است و متحقق نمی شود.

### ۳- درآمدهای مالیاتی

از مجموع ۸۹ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی حکومت ، مبلغ ۲۹ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان آن بایستی از طریق مالیاتها تامین شود. حکومت در ردیف کردن هزینه های و مصارف خود، منابع مورد نیاز را بدون توجه به میزان احتمال تحققشان پیش بینی کرده است. و نیز به دنبال کاهش شدید درآمد های نفتی از یکسو و ارتباط مستقیم هزینه های جاری کشور به این درآمدها ، حکومت برای آنکه کسری بودجه سال ۸۸ خود را کمتر نشان دهد به صورت غیر واقعی سعی کرده است تا درآمدهای غیر نفتی را بالا پیش بینی کند. یعنی با وجود نصف شدن رشد اقتصادی، کاهش ۲۰۰ درصدی قیمت نفت خام ایران و نصف شدن قیمت فلزات پایه و بسیاری از محصولات استراتژیک مانند سیمان ، تحقق رشد ۵۰ درصدی درآمدهای غیر نفتی کاملا تردید برانگیز است.

اما در درآمدهای مالیاتی پیوسته ۴ عامل و رکن اصلی و تعیین کننده است . مالیات بر واردات و مالیات بر عملکرد نفتی و مالیات بر فعالیتها ی تولیدی و اقتصادی و مالیات گمرکی که باز با واردات ربط مستقیم میباید ..

و این ۴ عامل چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم به در آمد نفت وابسته اند از اینرو با کاهش در آمد ارزی حاصل از فروش نفت ، مالیات بر آنها نیز کاهش میابند

بخشی از مالیات دریافتی سالانه در کشور بر محور واردات تکیه دارد. با



توجه به کاش در آمد ناشی از فروش نفت بی تردید واردات نیز در سال آینده کاهش میابد و متعاقبا مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم بر واردات نیز کاهش چشمگیری خواهند داشت.

خطر ناکی است و بر روی تورم و پایه پولی کشور اثر منفی دارد.

از طرف دیگر به گزارش حیات نو در گزارش عملکرد بودجه ۸۷ که در تاریخ ۵ اسفند به "مجلس" ارائه شد مشخص شد که تنها ۱۱ درصد درآمدهای مالیاتی دولت در سال ۸۷ متحقق شده است!!

جالب است که وقتی قرار بود ۵ درصد به درآمدهای مالیاتی از طریق اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را اضافه کنند بازارهای ایران دست به اعتصاب زدند حال چگونه ممکن است در لایحه بودجه ۱۳۸۸ بدون اینکه شبکه مالیاتی از نقطه نظر کمیت و کیفیت تغییر کرده باشد، معتقد باشند درآمدهای مالیاتی نسبت به سال قبل که رشد ۲۵ درصدی کرده است، محقق میشوند؟!

در بحث درآمدهای مالیاتی، بخشهایی وجود دارد که ظاهرا شکل مالیات دارد اما در واقع جزء درآمدهای نفتی است، همانند بدهی و مالیات معوقه شرکت نفت و نیز مالیات مربوط به تسعیر نرخ ارز.

بنابر این امکان تحقق ارقام خیالی و فرضی بودجه مصوب وجود ندارد و از اینرو این بودجه به بمب اتمی توری میماند. نگارنده بررسی سایر ویژه گیهای بودجه ۸۸ را به بخش سوم و پایانی این نوشتار واگذار مینمایم.

انقلاب اسلامی: یورش رژیم به دانشگاه و استقامت دانشجویان در دانشگاهها و زندانها و دیگر تجاوزهها به حقوق آنان :

## تجاوزهها به حقوق انسان: دانشگاه ها و زندانها، صحنه های مقاومت دانشجویان:

\* اجرای طرح یورش به دانشگاهها و سرکوب دانشجویان با مقاومت دانشجویان در دانشگاه و زندانها روبرو است:

در ۶ اسفند ۸۷، به دنبال اعتراضات گسترده دانشجویی در جریان خاکسپاری شهدای گمنام در دانشگاه پلی تکنیک تهران و درگیری و ضدوخلورد دانشجویان با بسیجی ها، نیروهای امنیتی مقارن ساعت ۷ صبح در تیم های جداگانه و به صورت هم زمان با ورود به منازل احمد قصابان، نریمان مصطفوی و مهدی مشایخی سه فعال دانشجویی دانشگاه پلی تکنیک، آنها را بازداشت و به محل نامعلومی منتقل کرده اند.

## معامله ها؟

در ۶ اسفند ۸۷، پس از اعتراض های دانشجویی روز دوشنبه در دانشگاه صنعتی امیرکبیر به اقدام وزارت علوم و مدیریت دانشگاه در دفن بقایای اجساد سربازان ایرانی کشته شده در جنگ با عراق، قریب به ۷۰ تن از دانشجویان این دانشگاه دستگیر شده اند.

دانشجویان معترض پلاکاردهایی با مضمون های «قبرستان شدن دانشگاه»، «دانشگاه شدن زندان اوین» و مخالفت با دیکتاتوری و سرکوب حمل می کردند. به گفته سایت خبری دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیروهای شبه نظامی و امنیتی در درگیری با دانشجویان، از چاقو، پنجه بوکس و اسپری فلفل استفاده کردند که در نتیجه آن دهها نفر زخمی و تعدادی به بیمارستانها منتقل شدند.

در ۶ اسفند ۸۷، در پی تجمع اعتراض آمیز دانشجویان بسیجی دانشگاه صنعتی اصفهان در واکنش به سخنان مجتهد شبستری، دفتر انجمن اسلامی این دانشگاه که محل سخنرانی او بود پلمب شد.

در ۶ اسفند ۸۷، دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه خواجه نصیر الدین طوسی که محل برگزاری همایش هفتصد و پنجاهمین سالروز تولد خواجه نصیرالدین طوسی است تعطیل گردید و به دانشجویان اجازه حضور در دانشگاه و کلاس های درس داده نشد.

لازم به ذکر است در هفته ی گذشته تعدادی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر نسبت به احتمال حضور محمود احمدی نژاد و علی لاریجانی در این همایش اعتراض کرده و خواستار حضور در این جلسه و طرح سوالاتشان از روسای دو قوه ی مجریه و مقننه شدند.

در ۷ اسفند ۸۷، از اسامی ۲۵ تن از افزون بر ۳۰ تن دانشجویان پلی تکنیک که دستگیر شده اند، اطلاع حاصل شد:

- ۱- جعفر اعتقادی پور ۲- پاشا امیرمظفری ۳- سعید برزگر ۴- رضا بلباسی ۵- سعید بهجوا ۶- حسین ترکاشوند ۷- علیرضا تقوی ۸- مجید توکلی ۹- عباس حکیم زاده ۱۰- سجاد خادم ۱۱- کوروش دانشیار ۱۲- انوشیروان زاهدی ۱۳- رسول سمردی ۱۴- اسماعیل سلیمانپور ۱۵- کبیر فاضلی ۱۶- روشنگر فانی ۱۷- احمد قصابان ۱۸- ابراهیم قربانپور ۱۹- پاشا کوهساری ۲۰- نوید گرگین ۲۱- حمید میر حسینی ۲۲- مهدی مشایخی ۲۳- نریمان مصطفوی ۲۴- محمد نصیری ۲۵- مهدی یعقوبی

در ۷ اسفند ۸۷، در پی برگزاری تجمعات ۱۷ و ۲۵ آذر ماه امسال در اعتراض به مشکلات صنفی و همچنین بسته بودن غیرقانونی درهای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه رازی

کرمانشاه ۴ تن از دانشجویان این دانشگاه به نام های سیامن غیائی، فرحناز تاجه میری، اشکان مسیبیان و محمد محمودی به کمیته انضباطی دانشگاه احضار شدند.

در ۸ اسفند ۸۷، مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران اطلاع داده است: علی رضا داودی و ۸ روز از بازداشت بهمن خدادادی می گذرد، همچنان وضعیت این دانشجویان مبهم است.

در ۱۱ اسفند ۸۷، حدود ۸۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان در پی پلمب شدن دفتر انجمن اسلامی این دانشگاه در پی جوسازی برخی رسانه ها، در حمایت از این انجمن اسلامی تحصن کردند.

در ۱۱ اسفند ۸۷، در پی دعوت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه گرگان از کربوبی برای دیدار با دانشجویان و عدم صدور مجوز توسط هیات نظارت دانشگاه، انجمن اسلامی این دانشگاه در نامه ای به شدت از این اقدام هیات نظارت دانشگاه گرگان انتقاد کرد.

در ۱۱ اسفند ۸۷، جمعی از دانشجویان رشته پزشکی با ادعای این که سئوالات آزمون امسال پیش از برگزاری این آزمون فروخته شده است در اعتراض به نحوه برگزاری آزمون دستیاری پزشکی، در مقابل درب شمالی مجلس تجمع کردند.

در ۱۲ اسفند ۸۷، در پی بازداشت عباس حکیم زاده عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت و احمد قصابان عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر، جمعی از فعالان دانشجویی شهر مشهد و رضا علیجانی عضو شورای فعالان ملی- مذهبی با خانواده این دو فعال دانشجویی در مشهد دیدار کردند.

در ۱۲ اسفند ۸۷، در حمله ی ماموران امنیتی به منزل امین قضایی، چهار تن از فعالین دانشجویی با نام های امیرحسین محمدی فر، ساناز اللهیاری، مریم شیخ، نسیم روشنائی، بازداشت و به مکان نامشخصی منتقل شدند.

در ۱۲ اسفند ۸۷، پس از تشکیل هیات منصفه دانشگاه صنعتی اصفهان برای بررسی مسائل اخیر و خبرهایی که از احتمال صدور رای انحلال انجمن اسلامی دانشجویان توسط این هیات به گوش رسید، بیش از ۱۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان با تحصن در این دانشگاه مسئولین دانشگاه اخطار دادند که در تصمیم گیری های خود دقت بیشتری داشته باشند.

در ۱۳ اسفند ۸۷، بعد از احضار نزدیک به ۱۵ نفر از دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان به کمیته انضباطی دانشجویان دانشگاه و صدور حکم انضباطی برای ۸ نفر از آن ها و

هم چنین ممنوع ورود کردن آن ها به دانشگاه، برای سه دانشجوی دختر نیز حکم انضباطی صادر شد.

در ۱۳ اسفند ۸۷، در پی برگزاری کنسرتی پژوهشی در دانشگاه شهرکرد با حضور بهمن رجبی و رضا خورشادی زاده، دو تن از تنبک نوازان برجسته کشور، تعدادی از دانشجویان وابسته به تشکلهای شبه نظامی دانشگاه اقدام به اخلال در برنامه و سر دادن شعارهایی اهانت آمیز علیه سخنران نموده که در پی تشنج در سالن برنامه سخنرانی نیمه تمام ماند.

در ۱۳ اسفند ۸۷، امین درستی دانشجوی سال چهارم رشته مهندسی مکانیک که بنا بر احضار و اوآک شیراز به آن جا مراجعه کرده بود، بازداشت شد. وی که مدیر مسئول نشریه توقیف شده داروگ نیز می باشد در نیمسال تحصیلی گذشته سه بار به کمیته انضباطی احضار شده که در نهایت به دو ترم محرومیت از تحصیل محکوم گردیده بود.

در ۱۳ اسفند ۸۷، انجمن اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان بعد از تحمل ماه ها فشار و تهدید و ارباب حکم تعلیق کلیه فعالیت های خود را از طرف هیات نظارت بر تشکل های اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان دریافت نمود.

در ۱۴ اسفند ۸۷، اطلاع حاصل شد که دانشجویان دانشگاه تفرش که از ۳ روز پیش از آن تاریخ، در اعتراض به مشکلات صنفی و فرهنگی این دانشگاه دست به تجمع زده اند، همچنان در تحصن به سر می برند و خواستار برکناری رئیس دانشگاه شده اند.

در ۱۴ اسفند ۸۷، دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان شرقی ایرج حسنی از فعالین آذربایجانی در تبریز را به تحمل دو سال حبس تعزیری محکوم نمود.

در ۱۵ اسفند ۸۷، معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه سیستان و بلوچستان گفته است: طیف علامه دفتر تحکیم وحدت دانشگاه سیستان و بلوچستان به علت غیر قانونی بودن فعالیت طیف علامه اجازه فعالیت ندارند تا زمانی که طیف خود را تغییر دهند.

در ۱۵ اسفند ۸۷، بنا بر گزارشات دریافتی، حسین ترکاشوند، مجید توکلی، اسماعیل سلیمانپور و کوروش دانشیار از دانشجویان بازداشتی دانشگاه امیرکبیر همچنان در اعتصاب غذا به سر می برند.

این افراد که از اعضای مرکزی انجمن اسلامی منتخب دانشگاه امیرکبیر می باشند در تاریخ ۱۸ بهمن ماه در مراسم سالگرد مهندس بازرگان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. توکلی از روز بازداشت و سایر دانشجویان از تاریخ ۲۱ بهمن ماه مباردت به اعتصاب غذا نمودند، هر چند توکلی مدت بیش از یک هفته را در

در صفحه ۱۵

اعتصاب آب به سر برد اما به



درخواست سایر دانشجویان زندانی به اعتصاب آب خود پایان داد.

◀ در ۱۵ اسفند ۸۷، انجمن اسلامی دانشگاه بیرجند که بیانیه حمایت از برخی نهادها برای پس گرفتن امضا در روزهای اخیر تحت فشار بود، در پی پافشاری انجمن اسلامی این دانشگاه بر نظر خود برخی مسئولان تصمیم به پلمب کردن دفتر این انجمن گرفتند. بنا بر گزارش‌های رسیده در پی این اتفاقات دانشجویان دانشگاه بیرجند از عصر دیروز در اعتراض به این رفتارها تحصن کرده‌اند.

◀ در ۱۷ اسفند ۸۷، مینو شهریاری دانشجوی رشته اقتصاد در دانشگاه دولتی سمنان در تاریخ ۱۱ اسفند ۱۳۸۷ از این دانشگاه به علت بهایی بودن اخراج شد.

◀ در ۱۷ اسفند ۸۷، در اجرای طرح یورش به دانشگاه‌ها و ضرب و شتم دانشجویان و در راستای فشارهای وارده به فعالین دانشجویی و اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم، هفته گذشته تعدادی از افراد بسیجی دانشگاه با استفاده از سلاح‌های سرد و زنجیر و قلابه به اعضای انجمن اسلامی این دانشگاه حمله ور شده و آنها را مورد ضرب و شتم و فحاشی قرار دادند.

◀ در ۱۷ اسفند ۸۷، تعدادی از دانشجویان دانشگاه تفرش در انتقاد به آنچه تحت عنوان مشکلات صنفی و آموزشی عنوان می‌کنند مقابل وزارت علوم تجمع کردند.

### \* روزنامه نگاران دانشجویی قربانیان سیاست ایجاد خفقان:

◀ در ۹ اسفند ۸۷، توقیف نشریه دانشجویی ترکی-فارسی «ایشل آی» در دانشگاه یزد. نشریه دانشجویی ترکی-فارسی «ایشل آی» در دانشگاه یزد به مدیر مسئولی وحید اصغری در دومین شماره به دستور رئیس این دانشگاه از انتشار بازماند.

◀ در ۱۳ اسفند ۸۷، نشریه دانشجویی ترکی فارسی باغیش به مدیر مسئولی امیر قهرمانی پیش از انتشار اولین شماره، توسط شورای فرهنگی دانشگاه آزاد ارومیه توقیف شد.

◀ در ۱۵ اسفند ۸۷، نشریه مستقل دانشجویی «کاکتوس» به مدیر مسئولی آرمان میرزایی توسط هیئت نظارت بر نشریات دانشگاه رازی به صورت کامل لغو امتیاز شد.

### \* اعتراض‌ها به سرکوبگریهای رژیم مافیاهای نظامی - مالی:

در ۸ اسفند ۸۷، کمیته حقوق بشر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در بیانیه‌ای حملات وحشیانه به دانشجویان را محکوم کرده و اعلام کرد زورمداران حاکم اینک برای

## معامله‌ها؟

این زندان با اتهام قتل مجبوس بوده است.

◀ در ۱۱ اسفند ۸۷، با حضور دادستان عمومی و انقلاب کرمانشاه، ۱۱ تن از قاچاقچیان مواد مخدر به دار آویخته شدند.

◀ در ۱۴ اسفند ۸۷، زن نوجوانی که متهم است شوهرش را با خوراندن قرص برنج به قتل رسانده است به قصاص محکوم شد.

◀ در ۱۶ اسفند ۸۷، زندانی سیاسی امیر حسین حشمت ساران در بیمارستان رجائی کرج جاودانه شد. این سومین زندانی سیاسی است که در زندان گوهردشت کرج به قتل رسانده می‌شود.

◀ در ۱۷ اسفند ۸۷، به گزارش «تابناک»، جانباز ۲۰ درصدی مازندرانی در برابر کمیسیون پزشکی سازمان رسیدگی به امور جانبازان دست به خودسوزی زد.

◀ در ۱۸ اسفند ۸۷، جواد علیزاده، فعال حقوق بشر، پس از انتقال به بند عمومی زندان حکم یکسال حبس تعزیری خود را به صورت شفاهی دریافت نمود. پس از اعتراض او، حکم کتبی را برای او خواندند.

### \* فشارها بر طبقه کارگر روز افزونند:

◀ در ۷ اسفند ۸۷، اتحادیه آزاد کارگران ایران و سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه اعلام کردند: بیش از ۷۵۰۰ کارگر از حدود ۴۰ واحد تولیدی و کارخانه در ایران با امضای نامه‌ای، ضمن اعتراض به حقوق و دستمزد پایین تر از خط فقر کارگران، خواستار افزایش دستمزدها شده‌اند.

◀ در ۱۱ اسفند ۸۷، ۱۵۰ نفر از کارگران بازنشسته تامین اجتماعی در مقابل درب مجلس تجمع کردند. این کارگران خواستار همسان سازی حقوق بازنشستگی خود با حقوق بازنشستگان کشوری شدند. کارگران این شعارها را می‌دادند: "تبعیض چرا؟"، "هماهنگی افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی آری تبعیض هرگز"، "کارگران بیدارند از تبعیض بیزارند"

◀ در ۱۲ اسفند ۸۷، اطلاع حاصل شد که کارگران کارخانه لاستیک دنا شیراز به دلیل عدم پرداخت سه دوره کارانه مربوط به سال‌های پیش و سال جاری، پاداش مجمع سال ۸۶، حقوق بهمن و اسفندماه، بن کارگری، بن هدایی و مطالبات دیگر همچنان به اعتراضات و اعتصاب چند روزه خود ادامه می‌دهند.

دستیابی به اهداف خود از هرگونه برخورد نفرت انگیز، غیرانسانی، ضد بشری، وحشیانه و همراه با خشونت کور دریغ نمی‌نمایند. این کمیته همچنین مقامات امنیتی و قضائی را مسئول مستقیم سلامتی و جان دانشجویان بازداشت شده دانست.

◀ در پی صدور حکم شلاق برای معاون دانشجویی دانشگاه زنجان و دختر دانشجویی که قربانی تعرض وی شده بود، بیش از ۶۰۰ تن از فعالین اجتماعی با امضای بیانیه‌ای به حکم صادره اعتراض کردند. امضاکنندگان این بیانیه برخورد با دانشجویان دانشگاه زنجان و دانشجویان معترضی چون علی نیکونستی و غیر قانونی اعلام کردن "دفتر تحکیم وحدت" را محکوم کرده و خواستار تأمین امنیت دختران دانشجو در دانشگاه، پاسخگویی مسئولین در خصوص این مسائل و محاکمه عادلانه معاونت دانشجویی خاطی دانشگاه زنجان شدند.

### \* دستگیری و اعدام و خودکشی

◀ در ۶ اسفند ۸۷، کاوه رضایی از فعالین حقوق بشری و عضو کمیته یک میلیون امضا که شش روز پیش توسط مأموران واواک هشتگرد بازداشت شده بود به بازداشتگاه زندان همدان منتقل شده است. خانواده کاوه اظهار کرده اند که قاضی پرونده برای آزادی او قرار وثیقه ۱۰۰ میلیونی طلب کرده‌اند.

◀ در ۱۰ اسفند ۸۷، مهدی قاسم زاده یکی از پیروان اهل حق که به اتهام محاربه در زندان ارومیه به سر می‌برد، اعدام شد.

◀ در ۱۰ اسفند ۸۷، «حسین اسدیگی» معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی، در گزارش خود از وضعیت خودکشی در ایران و جهان گفته است: روزانه حدود ۱۱ نفر و هر سال بیشتر از ۴۰۰۰ نفر در ایران به علت خودکشی می‌میرند. ایران با نرخ خودکشی ۶ نفر در صد هزار نفر در رتبه ۵۸ جهان قرار دارد.

● دختری جوان در ایستگاه مترو نواب با پرت کردن خود در زیر قطار دست به خودکشی زد. گفتنی است زن جوان دیگری در ایستگاه حسن‌آباد نیز قصد خودکشی داشته که با اقدام سریع راهبر قطار و ترمز گرفتن قطار خودکشی زن جوان ناکام ماند.

● در زندان دستگرد اصفهان زندانی بنام مسعود رشیدی ۴۲ ساله فرزند جهانگیر پس از شنیدن اجرای حکم قریب الواقع اعدام خویش دست به خودکشی زد. وی از ۹ سال قبل در

◀ در ۱۲ اسفند ۸۷، دادگاه یافت آباد حکم بازداشت ۶ نفر از کارگران صنایع فلزی ۲ را صادر کرد و این امر باعث خشم و اعتراض کارگران شد. آنها به سمت دادگستری با پلاکاردهایی که در دست داشتند حرکت کردند. این کارگران اعلام کردند اگر قراراست این ۶ نفر بازداشت شوند دادگاه باید حکم زندان برای همه کارگران را صادر کند.

◀ در ۱۳ اسفند ۸۷، کارگران نساجی خامنه در مقابل استانداری تبریز تجمع کردند. کارگران این کارخانه ۱۹ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. آنان در این تجمع اعلام کردند در صورت عدم رسیدگی به وضعیت شان، تجمع بعدی را در تهران برگزار خواهند کرد.

◀ در ۱۷ اسفند ۸۷، جمعی از کارگران شرکت کشت و صنعت کارون شوستر مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار حل مشکلات خود شدند. آنها گفته‌اند: کار نی‌بری سیاه جزو سخت‌ترین و زیان‌آورترین کار در سطح کشور است و مشکلات اصلی ما در فصل بیکاری، حساب نکردن حق بیمه کامل و سنوات کارگران است، چرا که به علت نبود کار در شرکت دو یا سه ماه در سال بیکار هستیم، ولی نه حقوق و مزایا و نه حق بیمه داریم.

◀ در ۱۸ اسفند ۸۷، به دنبال پرداخت نشدن ۳ ماه حقوق، عیدی و پاداش، پرسنل بیمارستان "مهر" ساری دست به اعتصاب زدند.

◀ در ۱۸ اسفند ۸۷، دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین از تجمع ۱۵۰ نفر کارگران فرش پارس مقابل فرمانداری شهرستان البرز این استان خبر داد. آنها خواستار دریافت حقوق و مزایای خود شده‌اند.

◀ در ۱۸ اسفند ۸۷، کارگران نیشکر کشت و صنعت خوزستان در مقابل درب اصلی مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان حدود ۲۰۰ نفر بودند به نمایندگی از ۳ هزار و ۵۰۰ کارگر این کارخانه در مقابل مجلس تجمع کرده بودند. آنها گفته‌اند: فصلی کار می‌کنند، یعنی سالانه حدود ۶-۷ ماه کار دارند و در مابقی سال بدون حقوق و مزایای بیکار می‌شوند.

◀ در ۱۸ اسفند ۸۷، «علی - ک» کارگر شرکت کاشی پارس قزوین ◀ در ۱۹ اسفند ۸۷، حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت آردل در اعتراض به چهار ماه حقوق معوقه و پرداخت نشدن عیدی و پاداش خود مقابل دفتر سهامدار اصلی واقع در ضلع شرقی مصلی تهران تجمع کردند.

◀ در ۱۹ اسفند ۸۷، حکم محمد حیدری مهر، یکی از کارگران هفت تپه،

به ۸ ماه تعلیق، ۴ ماه حکم تعزیر و ۳ سال محرومیت از شرکت در انتخابات و شوراها کارگری محکوم شد.

◀ در ۱۹ اسفند ۸۷، علی نجاتی از اعضا و هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه امروز صبح در مقابل در منزل بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

◀ در ۲۲ اسفند ۸۷، به گزارش مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، مدیریت کارخانه لوله سازی اهواز اقدام به اخراج دو هزار تن از کارگران پیمانی لوله سازی اهواز نمود. این اخراج در حالی صورت می‌گیرد که کمتر از یک هفته به آغاز سال نو زمان باقی است و کارگران هنوز ۲ ماه از حقوق خود را دریافت ننموده‌اند.

### \* بردن درویش گنابادی به «دادگاه انقلاب» و درگیریهای مردم با قوای سرکوب:

◀ در ۸ اسفند ۸۷، اولین گروه از یکصد درویش سلسله نعمت الهی گنابادی تحت الحفظ و با اتخاذ تدابیر امنیتی از بند ۲۴۲ زندان اوین به دادرسی انقلاب تهران اعزام شدند. پس از بررسی پرونده، متهمان تحت عنوان اغتشاش در امنیت ملی کشور توسط قاضی حداد معاون امنیت دادستان انقلاب تهران تهمین اتهام، اما به جهت نقص در تحقیقات مقدماتی مجدداً در اختیار واواک قرار گرفتند.

تعداد ۷۰۰ تن از درویش که در ساعات اولیه تجمع روز درویش در میدان بهارستان و خیابانهای اطراف و ایستگاههای مترو و حسینیه امیرسلیمانی، توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بودند به تناوب با ارائه کارت شناسایی و تعهد مبنی بر حضور در دادسرای انقلاب، آزاد شدند.

◀ در ۱۳ اسفند ۸۷، مردم مریوان به دلیل ناراضی از سیاستهای موجود که عامل بحران‌های مختلف معیشتی از جمله بیکاری و گرانی کمرشکن است به خیابانها ریخته و با نیروهای انتظامی درگیر شدند.

بنا بر این خبر عده‌ای از مردم توسط نیروی اطلاعات دستگیر شدند. در این اعتراض گسترده بازاریان نیز به نشانه اعتراض مغازه‌های خود را تعطیل کرده و به صفوف مردم معترض پیوستند.

◀ در ۱۴ اسفند ۸۷، جمعی از معلمان حق التدریس و آموزش‌یاران نهضت سواد آموزی، در مقابل درب شمال مجلس تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار تعیین وضعیت استخدامی خود در وزارت آموزش و پرورش بودند.

## نوروز، زندگی در استقلال و آزادی

ایرانیان!

شما در شمار نخستین یابندگان اصل راهنمای موازنه عدمی هستید، اصلی که راهنمای زندگی در استقلال و آزادی است. این اصل سامانه ای که انسان است را بر روی هستی هوشمند بطور کامل باز نگاه می دارد. اینک در "خود را به قدرت پرستی نسپردن" و "مدار خویش را مدار بسته مادی" مادی نکردن، بلکه "مدار باز مادی" معنوی کردن، در ایمان به خداوند، در توکل به خداوند، در کرامت افزودن به تقوا، بنگرید. رابطه خود با خدا را، رابطه ای می یابید که تنها از رهگذر استقلال استعداد رهبری و آزادی در ابتکار و ابداع و خلق، برقرار کردنی است. هرگاه بر آن شوید که تجربه کنید، از یافته خویش به وجد می آید و روز خود را نوروز می کنید.

انقلابی در بیان قدرت بعمل می آورید. به یمن آن، بیان آزادی را اندیشه راهنمای خود می کنید. بدین سان از باوری آزاد می شوید که شما را از استقلال و آزادی، بنا بر این، از کرامت خویش غافل کرده است. روز خود و روز تمامی جهانیان را نوروز می کنید. زیرا بر اصل موازنه عدمی، بیان آزادی را باز می یابید و به خود و تمامی انسانها فرصت می دهید از باور به این و آن بیان قدرت رها شوند و پیش از این که دیر شود، عاملهای مرگ را از گستره حیات زینندگان و محیط زیست، برانند.

گشایش در زندگی را که بیشتر می کنید، روز را نوروز می کنید. اما گشایش در زندگی، با گشوده تر کردن سامانه ای که هستید بر روی هستی هوشمند آغاز می گیرد. چرا که هر اندازه این سامانه گشوده تر، استقلال و آزادی انسان، بنا بر این، تواناییهای بیشتر، و هر انسانی که تن به تنگ کردن عرصه زندگی - که تنها زور آن را تنگ می کند - نداد و بر آن شد که به یمن موازنه عدمی هر گشایش را زمینه ساز گشایش بیشتری کند، این زندگی جهانیان است که از تنگی می رهد. از این دید که بنگرید، می بینید، هر بیان راهنمایی وقتی بیان آزادی است، جهان شمول می شود. اما تا که شروع می کند به از خود بیگانه شدن در بیان قدرت، موز پیدا می کند. علم جهان شمول است وقتی جریان آزاد جهانیان را از آن برخوردار می کند، اما همین دانش، بمحض این که در رابطه قدرت و سلطه یکی بر دیگری بکار می رود، موز

پیدا می کند. جهل زیر سلطه ها بر علم، از عوامل ماندنشان در موقعیت زیر سلطه می شود. بنا بر این، هر گشایشی که در سامانه خود، در سامانه جامعه خود، در قلمروهای گوناگون زندگی خود، ایجاد می کنید، روز جهانیان را نوروز می کنید.

ایرانیان!

بدین خاطر که حیاتمندید، فعال و، بنا بر این، رشد یابید. می گویند انسان تنها آفریده رشد یاب است. آفریده های دیگر، سامانه های بسته و ایستا هستند و جز تکرار حیات حیوانی و یا گیاهی خود، بکاری توانا نمی شوند. اما اگر آفریده ها همه کرامتمند باشند، پس همه رشد پذیر هستند. از این دید که به زندگی زینندگان بنگرید، مسئولیت خویش را بس خواستنی و زیبا می یابید. چرا که طبیعت را محیط زیستی می بینید سازگار با رشد همه زینندگان. لذا، عمران طبیعت و برانگیختن به زندگی، کاستن از فعالیتهای ویرانگر و افزودن بر فعالیتهای زندگی ساز، معنا پیدا می کند. آیا آن کشفی که ایرانیان کردند و نقش زندگی سازی را که به خود دادند و دوران سازی که گشتند و دورانی را که ساختند و نوروزش خواندند، این کشف نبود؟

اهل دانش، بخاطر ماده باوری، فضائی را نمی دیدند که هر پدیده دارد. امروز انتقاد می شوند چرا که واقعیت را همان سان که هست نمی دیدند، بلکه از ورای نظرگاه فلسفی می دیدند. با وجود این، بزرگ شدن ابعاد ویرانگری، به ما می گوید، در ۵ قاره روی زمین، انسانها همچنان نمی خواهند واقعیت ها را همان سان که هستند ببینند. برای مثال، نفس کشیدن حق انسان است. نفس کشیدن که حق است و بکار بدن می آید، فرو بردن اکسیژن و بیرون دادن گاز کربنیک است. آنها که این واقعیت را نمی بینند و به حق نفس کشیدن عمل نمی کنند، مجرای تنفس را سالم و پاک نگاه نمی دارند، سهل است دودهای سیگار و تریاک و قلیان فرو می برند، گرد هروئین استنشاق می کنند. هوا را به انواع سم ها آلوده می کنند. چنانکه در شهرهای بزرگ، انسانها و جانوران انواع سم ها را تنفس می کنند. اما همین حق نفس کشیدن همراه است با حق آزادی و آزادی، از جمله باز بودن سامانه ای بر روی هستی هوشمند است که انسان است. جبرهایی که انسانها ساخته و خویششان را در آنها زندانی کرده اند، از شدت ویرانگری و محدودیت روز افزون انسان در فعالیتهای حیاتی و رشد خویش گزارش می کنند.

اکثریت بزرگ انسانها از این واقعیت غافلند که انسان و دیگر پدیده

ها مجموعه و سامانه ای را تشکیل می دهند که بر روی هستی هوشمند باز است هرگاه رابطه پدیده های عضو این سامانه، با یکدیگر رابطه قوا نباشند و قدرت (= زور) رابطه آنها را تنظیم نکنند. اما ما انسانها این واقعیت را نمی بینیم. میان خود با پدیده ها زور را رابط می کنیم. با یکدیگر نیز زور را رابط می کنیم. حاصل آن وضعیتی است که بوجود آورده ایم: آتش فقر و خشونت را به جان جانداران و محیط زیست آنها و خود افکنده ایم. شگفتا! به تماشای شعله های هستی سوز نشسته ایم! هرگاه از این واقعیت غافل نمی شدیم که هستی ما به هستی همه دیگر آفریده ها پیوسته است و زور در کار نمی آوردیم، سامانه ای که پدیده های هستی تشکیل می دهند، بطور کامل باز و زندگی ما نیز بمثابة سامانه های باز، کامل می گشت. آن نور روز که همه آفریده ها مستقل و آزاد، چنین زندگی را جشن می گرفتند، این نوروز بود.

در حقیقت، جامعه جمشیدی که در آن، زندگی بود و مرگ نبود، جوانی بود و پیری نبود، جامعه آرمانی است که انسانهای آزاده همچنان در پی تحقق باید باشند: این انسانها زمان به زمان، بر دانش خود می افزایند و این دانش بدانها می گوید: هر اندازه سامانه ای که انسان است بر روی هستی هوشمند بازتر و هر اندازه حقوقمند تر، زنده تر. چرا که توان زندگی بخشی اش به خود، بیشتر می شود. آن آرمان به ایرانی، امروز می گوید: ایرانیان چون در یافتند که می باید حق زندگی را بجا آورد و در کار بجا آوردن این حق شدند، روز خود را نو و آن را نوروز خواندند. آن آرمان به ما می گوید: آنها دانستند که ذاتی حیات، ناتوانی نیست، توانائی است، ذاتی حیات استعدادها هستند وقتی در دراز کردن حیات و بارور کردن آن بکار می افتند. آن آرمان به ما می گوید: شناختن عاملهای مرگ و راندن آنها از بهیای زندگی، به دانش میسر می شود. این آرمان گویای آنست که آنها دانش را از ظن و گمان فرق می نهادند و می دانستند که میان آرمان و دانش یک رابطه و میان آرمان و وهم و خیال، رابطه دیگری برقرار کردنی است:

زندگی که مرگ پایان آن نشود و جوانی که پیری در پی نیاورد، آرمانی است که چون با دانش رابطه برقرار می کند، انسان را از توانائی خود آگاه، از استعدادهای خود، آگاه و به فعال کردن استعدادهای خویش، توانا می کند. به دانش، هدف روشنی می دهد: زندگی در کمال خود. آن آرمان وقتی با دانش رابطه برقرار می کند، وجدان اخلاقی انسان را فعال می کند و این وجدان، انسان را از بکار

بردن دانش در ساختن مرگ آورها، باز می دارد.

پیام نوروزی مجامع اسلامی به مناسبت فرا رسیدن سال ۱۳۸۸

## فرا رسیدن نوروز و

## سال نو به هموطنان

## عزیز مبارک باد

به آمار نظاره کنید و ببینید که حتی نانی که می خورید بخاطر بی برنامه گی و بی مسئولیتی مافیای حاکم حد اقل برای شش ماه اول سال از خارج تهیه می شود. صندوق ذخیره ارزی که می بایستی در دوران اوج بهای نفت و وفور با پول نفت پر می شد و سپس صرف سرمایه گذاری ساختاری در تولید و نیز صنعت نفت میشد، بنا بر ساختار استبدادی نظام و در نتیجه تسلط مافیای نظامی مالی بر ارکان آن امروز مطابق آمار بانک مرکزی با احتساب تعهدات و بدهی های خارجی ۱۸ میلیارد دلار کسری دارد!

آیا آرمانی که زندگی در کمال خویش است، می تواند با ظن و گمان و وهم و خیال، رابطه برقرار کند؟ آیا می تواند با فنون مرگ آفرین رابطه برقرار کند؟ نه. چرا که نه با ظن و گمان دانش زندگی بدست می آید و نه فنون مرگ آور بکار زندگی می آیند. در عوض، هرگاه قدرت آرمان شد، رابطه اش با دانش کم و با ظن و گمان و وهم و خیال زیاد می شود. هر اندازه قدرتی که آرمان می شود، مطلق تر، رابطه اش با دانش کمتر و با ظن و گمان و وهم و خیال بیشتر می شود.

ایرانیان!

به زور پرستان نادان که شما را به ترک آرمانها می خوانند، گوش ندهید و بدانید، آرمان ها جهت و هدف یاب ها هستند. سخن بر سر آرمان نیست، سخن بر سر نوع آرمان است. وگرنه، زندگی بدون آرمان، خود سپردن به مرگ است. زیرا دریغ کردن جهت و هدف از زندگی، رها کردن آن در کام مرگ است. نوروز، یادآور جامعه آرمانی است. و این آرمان حیات جاویدان، خرد جاویدان، امید و شادی جاویدان، توانائی های تاجاودان بر خود افزا یعنی بنای بهشت جاویدان را هدف می کند و بینش، بیان آزادی، و دانش را وسیله رسیدن بدان هدف می گرداند. آن سنت جاودان نو، سنت نوروز، این سنت است. برخیزید! برای بیرون کشیدن زندگی از کام مرگ، برخیزید! برای برخوردار شدن از کمال کرامت، از رهگذر کامل کردن زندگی برخیزید و روز خود و جهانیان را نوروز بگردانید!

آقای احمدی نژاد حتی جوابگوی کم شدن ۱ میلیارد دلار هم نیست چه رسد به ۱۰۰۰ مورد تخلف و اختلاسهایش در دوران شهردار تهران بودنش. شاید بسیاری به خورد و برد مافیای خود کرده باشند. ولی یادمان نرود آنچه را که آنها میبرند به ناحق دارند از سر سفره تک تک ما مردم و نسلهای آینده می برند.

در آستانه سال جدید دولت فشارهایش را به شهروندان بیشتر کرده است. همچون استالین و هیتلر برای گسترش دایره استبداد خود به تنگتر کردن دایره حقوق هم میهنان شدت بخشیده است و زندگی را برای بسیاری از آنها غیر ممکن نموده است.

وحشت رژیم از جوانان و زنان و کارگران معترض که خواستار احقاق حقوق خویشند حد نمی شناسد. به رفتار عوامل او نگاه کنید که حتی از پیدا بودن تار مویی وحشت دارند. برای سرکوب کوچکترین اعتراض از معلمی و با کارگری گرفته تا اعتراض دانشجویان، تمام گارد خود را اعزام می کند. اگر با چشم باز به عکس العمل رژیم نگاه کنیم متوجه ترس او از تحولی که در حال انجام است خواهیم شد. سال پیش رو، سال "انتخابات" و در واقع انتصابات نظام ولایت مطلقه نیز هست. جناح های مختلف درون نظام گرچه در بعضی موارد اختلاف نظر دارند، اما، چه "اصلاح طلبها"ی گوناگون، چه "اصولگرایان"ی چند رنگ، همگی در حفظ نظام میکوشند و به ولایت مطلقه فقیه ملتزمند با توجه به این مهم:

هموطنان، شما زنان و مادران و شما معلمین و دانشجویان و شما کارگران تصور می کنید که این رژیم تحت هر عنوان، چه "عدالت خواهی" و چه "اصلاح طلبی" امکان تحقق مطالبات شما را داشته باشد؟ فراموش نکنیم که مستبدین در تنگنا به کرات وعده ها داده اند و نتیجه همیشه عکس آن وعده ها بوده است. زندگی باز سخت تر و سخت تر شده است.

پس بر همگی ما است که اسامال را سال تحول سرنوشت خود کنیم. ندادن رای به کاندیداهای نظام حداقل مخالفت، جهت تحول بسوی آزادی و رفاه است. جنبشهایی بر حق و متعدد در سراسر کشور یک خواست را عنوان می کنند. این نظام توانا به حل مشکل کشور نیست. این نظام خود مشکل ساز است ما ایرانیان توانا به مدیریت کشور در جهت تحول بسوی آزادیها و حقوق مند شدن در چهار چوب استقلال کشور می باشیم. هیچ جای تکرانی بابت بعد از این نظام نیست. این حیات رژیم و عدم کفایت سران آن است که ایران و ایرانی را با خطرهای بزرگ مواجه کرده است. پس تکرانی در ادامه این استبداد و زندگی با بودن این نظام است.

مجامع اسلامی ایرانیان  
نوروز ۱۳۸۸